



اقتصاد خانواده  
در فرهنگ رضوی



# اقتصاد خانواده

## در فرهنگ رضوی

به اهتمام

دکتر علی شریفی

استادیار دانشگاه شهید بهشتی

لیناسادات حسینی

رقیه قهرمانی نیک



|                                                                                                                           |                                                                                                                         |
|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| سرشناسه                                                                                                                   | شریفی، علی، ۱۳۵۵ -                                                                                                      |
| عنوان و نام پدیدآور                                                                                                       | اقتصاد خانواده در فرهنگ رضوی/ به اهتمام علی شریفی، لیناسادات حسینی و رقیه قهرمانی نیک؛ با همکاری کمیته اسناد اسام خمینی |
| استان خراسان رضوی، بنیاد بین المللی فرهنگی هنری امام رضا علیه السلام، دبیرخانه نخستین همایش اقتصاد خانواده در فرهنگ رضوی. |                                                                                                                         |
| مشخصات نشر                                                                                                                | تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۳.                                                                            |
| مشخصات ظاهری                                                                                                              | ۱۸۱: ص: ۱۴ × ۲۱ سم.                                                                                                     |
| شابک                                                                                                                      | ۹۷۸-۶۰۰-۵۸۱۸-۹۵-۶، ریال، ۱۹۰۰۰۰                                                                                         |
| وضعیت فهرست نویسی                                                                                                         | فیا                                                                                                                     |
| یادداشت                                                                                                                   | مطالاب کتاب حاضر برگرفته از نخستین «همایش اقتصاد خانواده در فرهنگ رضوی» می باشد.                                        |
| یادداشت                                                                                                                   | با حمایت بنیاد بین المللی امام رضا.                                                                                     |
| موضوع                                                                                                                     | اقتصاد خانواده--جنبه های مذهبی -- اسلام                                                                                 |
| شناسه افزوده                                                                                                              | حسینی، لیناسادات، ۱۳۶۰ -                                                                                                |
| شناسه افزوده                                                                                                              | قهرمانی نیک، رقیه، ۱۳۶۱ -                                                                                               |
| شناسه افزوده                                                                                                              | همایش اقتصاد خانواده در فرهنگ رضوی (نخستین : ۱۳۹۱ : مشهد)                                                               |
| شناسه افزوده                                                                                                              | کمیته امداد امام خمینی (ره). اداره کل کمیته امداد امام خمینی (ره) استان خراسان رضوی                                     |
| شناسه افزوده                                                                                                              | بنیاد بین المللی فرهنگی هنری امام رضا علیه السلام                                                                       |
| شناسه افزوده                                                                                                              | پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات                                                                                          |
| شناسه افزوده                                                                                                              | همایش اقتصاد خانواده در فرهنگ رضوی (نخستین : ۱۳۹۱ : مشهد). دبیرخانه                                                     |
| رده بندی کنگره                                                                                                            | ۱۳۹۳ : ۷۱۷ ش ۳۶ / ۲ BP                                                                                                  |
| رده بندی دیویی                                                                                                            | ۴۸۳۳/۲۹۷:                                                                                                               |
| شماره کاتالانسی ملی                                                                                                       | ۳۵۰۳۴۰۹:                                                                                                                |



#### اقتصاد خانواده در فرهنگ رضوی

ناشر: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

به اهتمام: دکتر علی شریفی، لیناسادات حسینی و رقیه قهرمانی نیک

طرح جلد و صفحه آرایی: حسین آذری

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۸۱۸-۹۵-۶

نوبت چاپ: اول - مرداد ۹۳

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت: ۱۹۰۰۰ ریال

چاپخانه:

همه حقوق این اثر برای پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات محفوظ است.

در صورت تخلف پیگرد قانونی دارد.

نشانی: تهران، پانین تر از میدان ولیعصر(عج)، خیابان دمشق، شماره ۹، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

صندوق پستی ۶۴۷۴ - ۱۴۱۵۵ تلفن ۸۸۹۱۹۱۷۷ دورنگار ۸۸۸۹۳۰۷۶ Email: Nashr@ricac.ac.ir

## فهرست مطالب

|                |   |
|----------------|---|
| سخن ناشر ..... | ۷ |
| پیشگفتار ..... | ۹ |

### فصل اول - کلیات

|                                                  |    |
|--------------------------------------------------|----|
| بایسته‌های کلی نظام اقتصادی خانواده اسلامی ..... | ۱۹ |
|--------------------------------------------------|----|

### فصل دوم - بایسته‌های نظام اقتصادی خانواده در بخش درآمد (روزی حلال)

|                                                                                        |     |
|----------------------------------------------------------------------------------------|-----|
| تعریف و شناساندن راه‌های درآمدزایی حلال و پیشنهاد یا الزام آنها به سرپرست خانوار ..... | ۲۵  |
| شاخص‌های روزی حلال در فرهنگ رضوی .....                                                 | ۲۷  |
| تیین منابع و راه‌های کسب درآمد حلال .....                                              | ۳۶  |
| معرفی شرایط و زمینه‌های کسب درآمد حلال .....                                           | ۵۱  |
| پیامدهای درآمد حرام .....                                                              | ۶۹  |
| ایجاد انگیزه در نیروی انسانی خانواده برای کسب روزی حلال .....                          | ۸۹  |
| نظارت بر فرآیند درآمدزایی خانواده به شیوه حلال .....                                   | ۱۰۲ |

### فصل سوم - بایسته‌های نظام اقتصادی خانواده در بخش هزینه

|                                                                              |     |
|------------------------------------------------------------------------------|-----|
| سنجش نیازهای اعضای خانواده، اولویت‌بندی و برخورد عادلانه در تأمین آنها ..... | ۱۲۱ |
| اختصاص بخشی از درآمد یا پس‌انداز آن برای آینده .....                         | ۱۲۲ |
| انفاق بخشی از درآمد در راه‌های خدایسندانه و انسان دوستانه .....              | ۱۲۳ |

### فصل چهارم - شایسته‌های اخلاقی نظام اقتصادی خانواده

|                                                              |     |
|--------------------------------------------------------------|-----|
| تلاش برای بهبود اقتصاد خانواده و گریز از فقر و تنگدستی ..... | ۱۶۵ |
| قناعت و اکتفا به میزان معقول درآمد .....                     | ۱۶۶ |
| صبر در تنگدستی .....                                         | ۱۶۷ |
| نتیجه‌گیری .....                                             | ۱۶۹ |
| منابع و مأخذ .....                                           | ۱۷۵ |



## سخن ناشران

بی شک امام علی بن موسی الرضا<sup>(ع)</sup> سبط خاتم المرسلین و فرزند فاطمه<sup>(س)</sup> و یادگار امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup>، افزون بر آنکه حجت خدا و وصی رسول اوست، بزرگ‌ترین پدیده فرهنگی و معنوی در ایران اسلامی نیز به شمار می‌آید، چه آنکه میلیون‌ها دل عاشق از سراسر گیتی، سِرّ درون با او می‌گویند و میلیون‌ها جسم عاشق، آستان بوس مشهد و مدفن اویند. خاندان ولایت که معدن علم و خزانة دانش‌اند او را عالم آل محمد می‌دانند. امام<sup>(ع)</sup> می‌فرمایند: «خدای [تعالی] بر آن کس که امر ما را زنده بدارد، رحمت آورد؛ آن کسانی که دانش‌های ما را می‌آموزند و به مردمان آموزش می‌دهند؛ بی‌گمان اگر ایشان زیبایی کلام ما را بدانند تابع ما خواهند شد.» غایت تدوین اثر پیش‌رو اطاعت از فرمان رضوی، فراگیری علوم ولایی و آموزش آن است. کتاب پیش‌رو به همت دبیرخانه همایش «اقتصاد خانواده در فرهنگ رضوی» اداره کل کمیته امداد امام خمینی خراسان رضوی و نظارت علمی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات به سامان رسیده است.



### پیشگفتار

امام علی بن موسی الرضا<sup>(ع)</sup> می‌فرمایند:

«رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرَنَا» [قال الراوی:] فَقُلْتُ لَهُ: «كَفَيْفَ يُحْيِي أَمْرَكُمْ؟» قَالَ: «يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَ يُعَلِّمُهَا النَّاسَ، فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا» (ری شهری، ۱۳۷۷، ج ۸، ح ۱۳۷۹۷).

از جمله تصورات نادرستی که زمینه درونی فقر و محرومیت را فراهم می‌سازد و مقابله با آن را سخت و گاه ناممکن جلوه می‌دهد، نسبت دادن فقر به عوامل طبیعی، کمبود منابع الهی و خدادادی و سلب مسئولیت از انسان‌ها و نهادهای اجتماعی است. باید صادقانه پذیرفت که مشکلات اصلی جامعه، ریشه در رفتار اقتصادی ما دارد و تا زمانی که در این وادی دچار تغییر و تحول اساسی نشویم همچنان باید شاهد نابسامانی‌های اقتصادی روزمره در جامعه باشیم.

نوسان‌های اجتماعی و اقتصادی‌ای که در جامعه امروز ما معمولی تلقی می‌شود، برای گروه کثیری از مردم به سان امواج عظیمی هستند که بنیان خانواده را نابود و بالطبع جامعه را با موجی از آسیب‌های اجتماعی، اخلاقی

و اقتصادی ناشی از آن درگیر می‌کند.

به همین دلیل، موضوعات مرتبط با معاش و اقتصاد و تأمین نیازهای روزمره زندگی، عمده‌ترین نگرانی انسان‌ها را تشکیل می‌دهد. رفع این نگرانی عمیق و گسترده زمانی میسر است که در وهله نخست، سبک زندگی آحاد جامعه اصلاح و متوازن شده و هم‌زمان مسائل اقتصادی با موضوعات ارزشی قرین شود و اخلاق و مسئولیت‌های اجتماعی به مدد مسائل اقتصادی بشتابند. بدیهی است نقش نخبگان و گروه‌های مرجع و رهبران در این پروسه نقشی بی‌بدیل است و همچنین انسان‌های معتقد و دین‌باور قبل از آنکه به مصرف و نیازهای روزمره خود و اطرافیان با چاشنی اسراف و تبذیر فکر کنند، باید به رسالت ایمانی و انسانی خود در زمینه موضوعاتی نظیر مال الله، عیال الله، حق الناس، عدالت و... توجه کنند. اصیل‌ترین مبانی نظری و عملی‌ای که می‌تواند انسان سرگشته امروز را به سعادت واقعی برساند، چشمه جوشان و فیاض مکتب اسلام و سیره اولیای دین است که همیشه و برای همگان، درس‌های زندگی‌ساز داشته و دارد.

کتاب پیش‌رو یکی از تولیدات نخستین همایش «اقتصاد خانواده در فرهنگ رضوی» است. دبیرخانه همایش بر آن شد تا علاوه بر انتشار مجموعه مقالات برگزیده همایش، که بیشتر مورد توجه پژوهشگران و نخبگان حوزوی و دانشگاهی است، اقدام به تدوین کتابی کاربردی و اثربخش برای عامه مردم با رویکرد تبیین نقش کسب روزی حلال در اقتصاد خانواده کند. مجموعه مقالات ارسال‌شده به دبیرخانه همایش، بخشی از

دستمایه فکری این مجموعه را فراهم آورد و تلاش مؤلفان، کاستی‌ها را زدود و بر غنای علمی کتاب افزود.

در پیدایش این کتاب افراد بسیاری دست‌اندرکار بودند، نخست باید از سرپرست کمیته امداد امام خمینی، جناب آقای انواری و قائم مقام محترم جناب آقای مهندس هاشمی و ریاست محترم مرکز آموزش و پژوهش و مدیر پژوهش این مرکز آقایان چگینی و جانجانی قدردان بود که با هدایت و حمایت خویش زمینه فکری و مالی برگزاری این همایش را فراهم آوردند. دیگر باید از اصحاب محترم بنیاد بین‌المللی فرهنگی و هنری امام رضا<sup>(ع)</sup> و پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سپاسگزاری کرد که اولی مدد رسان برگزاری همایش بود و دیگری در مقام ناظر علمی در به سامان رساندن این مجموعه نقشی ارزنده داشتند. جناب آقای دکتر سروری‌مجد با هدایت فکری و اجرایی خود و جناب آقای دکتر شریفی که سامان کنونی کتاب، حاصل تلاش ایشان است، نقش‌آفرینان اصلی این فعالیت علمی و مذهبی هستند.

علی اصغر حاجی نقی

دبیر همایش



## فصل اول

### کلیات



کلمه اقتصاد، لغتی عربی و ریشه آن، کلمه قصد است که معانی متعدد دارد. معروف‌ترین معنای کلمه قصد که در قرآن و روایات کاربرد دارد، میانه است و اقتصاد نیز به معنی اعتدال و میانه‌روی آمده است (فاطر/۳۲).

کلمه اقتصاد، آن‌گاه که بحث مصرف به میان می‌آید، معنی حد وسط بین اسراف و بخل را می‌دهد، همچنین در جایی که سخن از مشی‌ها به میان می‌آید مثل این آیه در قرآن: «واقصد فی مشیک، در مشی خود میانه‌رو باشید» (لقمان/۱۹).

بر این اساس، انسان مقتصد، میانه‌رو است یا در راه راست و در کارش مستقیم است مثل آیه «مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ» (مائده/۶۶).

از نظر صاحب‌نظران اندیشه و خرد، رعایت حد وسط و اعتدال در زندگی و مصرف ضروری است. اولیای اسلام در زندگی، اصل و اساس را بر اقتصاد قرار داده، حد وسط را در زندگی رعایت می‌کردند و این عمل را نوعی رفتار معنوی و در ردیف عبادت می‌دانستند زیرا به فرموده قرآن کریم، امت اسلام، امت معتدل و

میان‌رو است (بقره/۳۴). در اهمیت اقتصاد، سخنان بسیاری از معصومین<sup>(ع)</sup> رسیده است که ذکر همه آنها خارج از حوصله این مقال است و حاصل آنکه خواست اسلام درباره معیشت انسان، اعتدال و میان‌روی در زندگی است.

از سوی دیگر، در اصطلاح با علم اقتصاد مواجه‌ایم. علم اقتصاد، مطالعه روش انتخاب و استفاده انسان و جامعه از منابعی است که طبیعت و نسل‌های گذشته در اختیار وی قرار داده است.

اقتصاد خانواده، علم تدبیر منزل، اداره منابع مالی خانواده و برقراری تعادل دخل و خرج در خانواده است. بنابراین، موضوع اقتصاد خانواده، به تولید، درآمد، توزیع و مصرف در خانواده، همچنین اولویت‌های آن اشاره دارد.

اگر تعالیم اسلام را به سه بخش احکام، اعتقاد و اخلاق تقسیم کنیم، با اقتصاد دو پیوند می‌یابد: پیوند احکام اسلامی با اقتصاد، چراکه به‌طور مستقیم یک سلسله مقررات اقتصادی درباره مالکیت، مبادله‌ها، مالیات‌ها، مجازات‌های مالی یا مجازات‌هایی در زمینه ثروت و... دارد و پیوند اسلام با اقتصاد از طریق اخلاق است. درواقع، اسلام با هدف قرار دادن ثروت مخالف است.

در این بیان، مقررات اقتصادی اسلام مربوط به امور مالی دانسته شده است. در فرهنگ اسلامی، مال و ثروت امری مذموم نیست اما علاقه بیش از حد بدان است که مورد مذمت قرار گرفته است. در قرآن کریم، مال و فرزندان، زینت زندگانی دنیوی شمرده شده‌اند: «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (کهف/۴۶) یا در آیه ۱۰ سوره جمعه آمده است: «فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛ پس از آنکه نماز جمعه

را اقامه کردید به دنبال فضل الهی باشید.» مال، فضل است اما آن چیزی که بد است «الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ» (همزه/۲) جمع مال است و «وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ» (عادیات/۸) علاقه به مال است.

یکی از مواردی که مهم‌ترین قوانین اسلامی را به خود اختصاص داده، روزی حلال است که به عنوان سرمایه فیزیکی، مهم‌ترین و از دیدگاه فرهنگ رضوی تنها منبع مالی خانواده محسوب می‌شود و اقتصاد خانواده می‌بایست به این سمت، هدایت شود. روزی حلال می‌تواند از پررنگ‌ترین نقاط پیوند مستقیم اسلام با اقتصاد تلقی شود.

اما پیوند غیرمستقیم اسلام با اقتصاد، از طریق سرمایه و نیروی انسانی است که یکی از مهم‌ترین منابع غیرمالی هر خانواده‌ای به حساب می‌آید، چراکه رعایت موازین اخلاقی بدون تصور نیروی انسانی، ناممکن به نظر می‌رسد.

موفقیت خانواده اسلامی در حیطه اقتصاد، تابع شناخت صحیح اعضای آن خانواده از نظام اقتصادی اسلام است. این نظام با نگرشی بر اساس خاستگاه فرهنگی آن یعنی همان قرآن و حدیث بر دو پایه استوار است: سالم‌سازی درآمد از راه حلال و سالم‌سازی هزینه از طریق پیروی از فرهنگ صحیح مصرف که الگوهای دینی خاصی در آن تعریف شده‌اند. هر دو جنبه مذکور می‌بایست در مدیریت اقتصادی خانواده لحاظ شوند.

سالم‌سازی اقتصاد خانواده به وسیله روزی حلال امکان‌پذیر است و کسب روزی حلال از طریق فرهنگ‌سازی خانواده آن هم از جانب رکن تربیتی آن میسر می‌شود، چراکه تربیت صحیح فرزندان در انسداد راه‌های حرام، نقش

کلیدی دارد، همان‌گونه که لقمه حرام در تربیت فرزندان خانواده تغییرات عجیب اما غیر قابل انکاری را به وجود می‌آورد تا جایی که در روایت‌های اسلامی روزی حلال به عنوان یکی از حقوق فرزندان بر والدین‌شان شمرده شده است و فرزندان فاسد و منحرف را یکی از نتایج مال حرام دانسته‌اند.

کسب روزی حلال از منظر قرآن کریم، امری مهم است. در سوره کهف وقتی جوانان انقلابی از خواب چندین ساله خود برخاستند یکی را از میان خود انتخاب کردند تا برایشان غذایی تهیه کند: «... فَلْيَنْظُرْ أَيُّهَا أَزْكَى طَعَاماً فَلْيَأْتِكُمْ بِرِزْقٍ مِنْهُ وَلْيَتَلَطَّفْ وَلَا يُشْعِرَنَّ بِكُمْ أَحَدًا» (کهف/۱۹). پس نتیجه‌ای که از این آیه می‌توان گرفت این است که افراد صالح باید به فکر نان حلال باشند چراکه واجد تأثیرهای بسیار جدی مادی و معنوی است.

از طرفی، همان‌گونه که روزی حلال یکی از ارکان بی‌بدیل اقتصاد خانواده را تشکیل می‌دهد، «کسب» روزی حلال نیز متأثر از اقتصاد خانواده و در گرو نحوه مدیریت منابع مالی و غیرمالی این جامعه کوچک اما مهم است. به بیان دیگر، میان اقتصاد خانواده و روزی حلال از یک‌سو و میان منابع مالی یا همان سرمایه فیزیکی (روزی حلال) و منابع غیرمالی یا همان سرمایه انسانی از دیگر سو، تعاملی دو سویه یا رابطه‌ای دیالکتیک برقرار است.

در نتیجه، اگر بخواهیم به اقتصاد خانواده نگاه دقیق‌تری داشته باشیم، نقش منابع غیرمالی را نیز نباید از نظر دور داشت. به عبارتی، اقتصاد خانواده را باید با توجه به کیفیت و نحوه سامان‌دهی و هدایت منابع خانه اعم از مالی و غیرمالی تعریف کرد.

بنابراین، برای بررسی موضوع حاضر، ناگزیر از تبیین سه مقوله هستیم: سلسله‌ای از بایدهای اقتصادی اسلام در زمینه درآمد، سلسله‌ای از بایدهای اقتصادی اسلام در زمینه هزینه و مجموعه‌ای از بایدهای اخلاقی در زمینه اقتصاد خانواده که اجرای همه آنها متوجه نیروی انسانی خانواده بوده و با مدیریت حکیمانه قابل دستیابی است. پیش از بررسی این سه موضوع، بایسته‌های کلی نظام اقتصادی خانواده اسلامی را به طور اجمالی مرور می‌کنیم.

### **بایسته‌های کلی نظام اقتصادی خانواده اسلامی**

با نگاهی به دستورالعمل‌های کلی اسلام در زمینه اقتصاد خانواده و تحلیل این دستورها، به یک فرمول کلی شامل گام‌های ذیل دست می‌یابیم که شاید مشابه این مراحل را برای هر زمینه دیگری از فعالیت‌های خانواده بتوان طراحی کرد.

#### **۱. ترسیم اهداف اقتصادی خانواده بر مبنای آموزه‌های دینی**

هدفمندی هر خانواده، نمایانگر میزان تکامل و رشدیافتگی دینی و فرهنگی آن است. حتی گفته شده تفاوت انسان با حیوان از جهت هدفدار بودن و انتخاب برنامه سالم برای زندگی است که قدم به قدم او را به مقصود نزدیک‌تر کند وگرنه چنین فردی از خط مستقیم انسانیت بیرون رفته و در حقیقت، از افراد حیوان صفت به شمار می‌آید، آن هم حیوان فاسد و مفسد (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۷: ۱۴۱).

در اسلام تا جایی به این مسئله اهمیت داده شده که موفقیت در رسیدن به خواسته‌ها در گرو تعیین اهداف شایسته معرفی شده است. مولای متقیان، علی<sup>(ع)</sup> در این زمینه، فرموده‌اند: «عَوِّذُ نَفْسِكَ حُسْنَ النِّيَّةِ وَ جَمِيلَ الْمَقْصَدِ تُدْرِكُ فِي مَبَاغِيكَ النَّجَاحَ؛ نفس خود را به حسن نیت و هدف نیکو عادت ده تا در خواسته‌ها و مطالب خود به پیروزی دست یابی» (تمیمی‌آمدی، ۱۳۶۶: ۹۲) و از همان امام بزرگ روایت شده است: «ضَاعَ مَنْ كَانَ لَهُ مَقْصَدٌ غَيْرُ اللَّهِ؛ هر که هدفی جز خدا داشته باشد، تباہ می‌شود» (لیثی‌واسطی، ۱۳۷۶: ۳۰۹). پس نه تنها اصل قضیه یعنی همان هدف‌دار بودن مهم بوده بلکه نوع و کیفیت هدف نیز موضوعی درخور توجه است.

در خانواده نیز، مشخص کردن اهدافی که اعضای خانواده را برای تلاش‌های اقتصادی وامی‌دارد، نخستین گام در پیشرفت اقتصادی است. این اهداف و مقاصد نسبت به موقعیت اجتماعی خانواده، تعداد اعضای آن و نوع نگاه هر فرد به مسائل پیرامونش، متفاوت است. اهدافی از جمله: تأمین نیازهای اولیه خانواده، خروج از بحران‌های اقتصادی موجود، ارتقای سطح طبقاتی خانواده و....

#### **برنامه‌ریزی اقتصادی در سه سطح کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت**

برنامه‌ریزی در امور که در زبان احادیث و روایت‌ها، از آن به «تدبیر» و «حسن تقدیر» یاد شده است، از لوازم شروع عالمانه هر کاری تلقی می‌شود. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های آن، بازداشتن انسان از ندامت و پشیمانی در کارها بوده و موجب می‌شود فرد با آرامش خاطر بیشتری وارد عمل شود و به نتایج پربارتری نیز دست یابد. امیرمؤمنان<sup>(ع)</sup> می‌فرمایند: «التَّوْبَةُ قَبْلَ الْعَمَلِ

يُؤْمِنُكَ النَّدَمُ؛ تدبیر و برنامه‌ریزی پیش از هر کار، تو را از پشیمانی در امان می‌دارد» (کراجکی، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۳۶۷). این موضوع، در بیان حضرت صادق<sup>(ع)</sup> از خصوصیات مؤمن حقیقی عنوان شده است، آنجا که فرموده‌اند:

لَا يَسْتَكْمِلُ عَبْدٌ حَقِيقَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى يَكُونَ فِيهِ خِصَالٌ ثَلَاثٌ التَّقَهُ فِي الدِّينِ وَ  
حُسْنُ التَّقْدِيرِ فِي الْمَعِيشَةِ وَالصَّبْرُ عَلَى الرِّزَايَا؛ هیچ بنده‌ای به حقیقت ایمان  
نمی‌رسد مگر اینکه در او سه خصلت باشد: فهم و درک در مسائل  
دین و احکام و برنامه‌ریزی درست در امور زندگی و صبر در  
مصیبت‌ها (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱: ۵).

در حیطه اقتصاد، بسته به کیفیت اهداف و مقاصد طراحی شده در خانواده، می‌توان برنامه‌هایی را در سه سطح کوتاه‌مدت، میان‌مدت یا بلندمدت تعریف کرد.

برنامه‌های کوتاه‌مدت یا میان‌مدت ناظر به اهدافی است که انتظار می‌رود در یک مقطع زمانی خاص تحقق یابد، مانند: برنامه‌ریزی برای پرداخت بدهی خانواده یا پرداخت کمک‌هزینه تحصیلی فرزندان و... که با عنوان هزینه‌های متغیر می‌توان از آنها یاد کرد و بسته به مدت زمان پیش‌بینی شده برای هر کدام، برنامه ویژه‌ای مورد نیاز است و با اتمام آن بازه زمانی از فهرست برنامه‌ها، حذف می‌شود.

برنامه‌های بلندمدت به منظور نیل به اهدافی است که خانواده، آنها را برای مدت زمان طولانی‌تری طراحی کرده است، همچون: خرید منزل، اتومبیل و... یا هزینه‌های جاری منزل که از نوع هزینه‌های ثابت هر خانواده‌بوده و می‌بایست با برنامه‌ریزی بلندمدت، آنها را به بهترین نحو ممکن، کنترل کرد.

**تعیین امکانات و منابع موجود در خانواده برای نیل به اهداف اقتصادی آن**  
 منابع هر خانواده به دو دسته مالی و غیرمالی تقسیم می‌شود که با مدیریت صحیح، می‌توان از آنها در راستای تحقق اهداف اقتصادی خانواده بهره‌برداری کرد.

#### **هماهنگ‌سازی منابع با نیازها**

گاهی اوقات با نگاهی به منابع، درمی‌یابیم که امکان تأمین برخی از نیازها در حال حاضر وجود ندارد و باید آنها را به وقت دیگری موکول کرد یا برعکس، امکانات خانواده به نحوی است که ظرفیت برآورده شدن تعدادی از نیازها به صورت هم‌زمان وجود دارد. پس لازم است پیش از اقدام برای برآورده‌سازی آنها، برای استفاده بهینه از زمان و پتانسیل خانواده، نیازهای آن‌را با ظرفیت‌ها و امکانات موجود تنظیم کنیم.

در فصول بعدی به ترتیب، به بایسته‌های نظام اقتصادی خانواده در بخش درآمد، هزینه و نیز شایسته‌های اخلاقی نظام خانواده پرداخته و سپس به نتیجه‌گیری از مباحث خواهیم پرداخت.

## فصل دوم

بایسته‌های نظام اقتصادی خانواده

در بخش درآمد (روزی حلال)<sup>۱</sup>

---

۱. در این فصل، از مقاله‌های ارسالی زهره معماریانی و کیومرث محمدی استفاده شده است.



اقتصاد خانواده در دو حوزه عمده یعنی همان درآمد و هزینه قابل تصور است. پس از آنکه دستورالعمل‌های کلی اقتصادی را شناختیم، لازم است به صورت جزئی‌تری با اجزای این نظام در خانواده آشنا شده و مواردی را که برای کاربردی شدن پیشنهادهای اسلام در هر بخش توصیه شده است، به دست آوریم. مهم‌ترین و برجسته‌ترین مجرای درآمد از نگاه اسلام، «روزی حلال» است؛ لذا، هر نوع جهت‌گیری در این بخش می‌بایست به سمت روزی حلال هدایت شده و مدیریت درآمد خانواده نیز به همین موضوع معطوف شود. بنابراین، اگر بخواهیم درآمد خانواده، صبغه اسلامی به خود گرفته و بر محور حلال، بنیان‌گذاری شود، رعایت نکاتی که در این قسمت ذکر می‌شود، خالی از فایده نیست.

### **تعریف و شناساندن راه‌های درآمدزایی حلال به سرپرست خانوار**

یکی از نقش‌های مهم خانواده، نقش تعلیمی و آموزشی آن است. آن‌چنان‌که

پروردگار متعال، تعلیم و تربیت را به‌عنوان وظیفه برای فرستاده گرامی‌اش به رسمیت شناخته و می‌فرماید:

كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ؛ همان‌طور که در میان شما، فرستاده‌ای از خودتان روانه کردیم، [که] آیات ما را بر شما می‌خواند و شما را پاک می‌گرداند و به شما کتاب و حکمت می‌آموزد و آنچه را نمی‌دانستید به شما یاد می‌دهد (بقره/ ۱۵۱).

مهارت‌آفرینی در تشخیص حلال از حرام و مسیرهای منتهی به هر کدام، همچنین نشان دادن نتایج و پیامدهای هر یک از آنها، از مهم‌ترین وظایف آموزشی خانواده در زمینه اقتصاد است که اگر چنانچه خانواده این وظیفه را به‌خوبی ایفا نکند، نمی‌توان انتظار داشت حلال به‌عنوان جزء مهم از فرهنگ دینی در جامعه نهادینه شود.

اگر خانواده ایرانی مصمم است که در طرح جهاد اقتصادی، مشارکت فعال داشته باشد، باید فعالیت اقتصادی خانواده اعم از تولید، مصرف، خرید یا فروش، مبادله، پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و هر نوع کار اقتصادی دیگر را بر اساس فرهنگ حاکم بر کشور یعنی نظام اقتصاد اسلامی تنظیم کند و از بایسته‌های فرهنگ جهادی نیز آگاهی کافی داشته باشد. به بیان دیگر، فعالیت‌های اقتصادی خانواده باید به‌گونه‌ی مشروع انجام گیرد. رعایت مشروعیت در فعالیت‌های اقتصادی خانواده، خود به وضعیت اقتصادی جامعه رونق می‌دهد. اصولاً فرد مؤمن به مبانی مکتب اسلام، خود را در استفاده از هرگونه تولید یا هر کیفیت از مصرف آزاد نمی‌بیند. برای او

سلسله‌ای از دستورهای حلال و حرام، بی‌آنکه در انتظار اصل قانونی توأم با جریمه‌ی مادی بنشیند، مطرح است و خود را ملزم به رعایت آنها می‌بیند. با توجه به اینکه مدیر اقتصادی خانواده با درآمد محدود خانواده روبه‌رو است نمی‌تواند پاسخ همه‌ی نیازهای اعضای خانواده را بدهد و به‌ناچار دست به انتخاب کالاهای مورد نیاز از میان کالاهای بی‌شمار می‌زند. بنابراین مدیر خانواده با توجه به «تقدیر معیشت» موظف است درآمد خانواده را به‌گونه‌ای تخصیص دهد و کالاهای را به‌گونه‌ای گزینش کند تا حداکثر مطلوبیت به‌دست آید.

### شاخص‌های روزی حلال در فرهنگ رضوی

به‌طور کلی، طلب روزی حلال از مرحله‌ی نیت تا عمل در جهت صحیح بودن و رسیدن به مطلوب شایسته، مقدمات و شرایط مخصوصی را می‌طلبد. شاخص، معیاری است برای تشخیص روزی حلال از غیر آن، خواه در مرحله‌ی کسب روزی باشد یا در هنگام استفاده از آنچه روزی انسان تلقی می‌شود. این معیار، با مطالعه‌ی چندین محور، قابل دستیابی است که عمده‌ترین آنها عبارت‌اند از:

#### ۱. روزی حلال

این محور، با ارائه‌ی شناختی صحیح از چیستی روزی حلال، انسان را از کسب غیرحلال (حرام) مصون می‌دارد. یکی از مسائل قابل طرح در این قسمت، اهمیت کسب حلال و علت تأکید قرآن و عترت بر این مقوله است. از لحاظ تعریف لغوی، روزی، واژه‌ای فارسی است که در کاربردهای متعارف و معمول به معنای رزقی که خداوند متعال به همه‌ی افراد زمین عطا کرده

و همین طور به معنای خوراک روزانه آمده است (دهخدا، ۱۳۶۱: ۱۰۵). واژه حلال نیز جایز و روا معنا شده است. اما رزق، واژه‌ای عربی و معادل روزی است که به معنای خوراک روزانه، نصیب و بهره به کار می‌رود. در اصطلاح، چیزی است که می‌توان از آن بهره‌برداری کرد. پس رزق چیزی است که قابلیت بهره‌برداری دارد. در نتیجه، رزق هر کس غیر از دارایی و ثروت اوست و به میزان برخورداری او از نعمت است نه میزان دارایی‌اش. ازاین‌رو، راغب اصفهانی، رزق را به عطایای جاری دنیا و آخرت معنا می‌کند (۱۴۱۲ق: ۳۵۱). رازق به آفریننده رزق و بخشنده و مسبب آن نیز اطلاق می‌شود ولی «رزاق» فقط به خدای تعالی اطلاق می‌شود (همان: ۳۵۲).

اصل واحد در ماده رزق، انعام مخصوص به مقتضای حال طرف و مطابق احتیاج اوست تا بدین وسیله، حیاتش تداوم یابد. رزق حقیقی، عطای جاری است و جز حلال، چیز دیگری را شامل نمی‌شود، برخلاف غذا و نصیب و عطا که هم در مورد حلال و هم درباره حرام کاربرد دارد.

رزق در کاربردهای قرآنی، دایره معنایی گسترده‌ای دارد. آنچه در قرآن کریم مورد عنایت ویژه قرار دارد، حلال بودن رزق است. خداوند چون خالق همه موجودات بوده، روزی آنها را نیز برعهده گرفته است، چنان‌که در قرآن کریم می‌فرماید: «و ما من دابة فی الارض الا علی الله رزقها و یعلم مستقرها و مستودعها؛ جنبه‌ای در زمین نیست جز اینکه روزی او بر خداست و جای ثابت و متغیر آنرا هم می‌داند» (هود/۶). خداوند در عالم وجود، مواد مورد نیاز و اسباب داخلی و راهنمایی‌های طبیعی برای آفریده‌ها تأمین می‌کند تا

بتوانند به حیات خود ادامه دهند و این، کرم و رزاقیت عام خداوندی است که همه از آن بهره‌مندند. خداوند برای تحصیل این مواد که روزی را تأمین می‌کند، مقررات و احکامی قرار داده است که اگر از راه آن مقررات، مواد روزی به دست آید، حلال و طیب بوده و اگر غیر از آن راه به دست آید، حرام و پلید است. در قرآن کریم، حرام‌خواری [به هر شکل آن] از صفات یهود شمرده شده است: «وَتَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يُسَارِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَأَكْلِهِمُ السُّخْتِ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ؛ بسیاری از آنان را می‌بینی که در گناه، تعدی و خوردن مال حرام، شتاب می‌کنند. چه زشت است کاری که انجام می‌دادند!» (مائده/۶۲). در حالت کلی در قرآن کریم، می‌توان دو نوع رزق مادی و معنوی را یافت:

#### رزق و روزی مادی

خداوند در آیات ذیل، چهارپایان، حبوبات و دانه‌های گیاهی مانند خرما، باغ و بوستان، باران و... را به عنوان ارزاق بشر معرفی می‌کند که همان مفهوم متعارف از رزق است.

#### چهارپایان

لَيَسْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ؛ تا شاهد منافع خویش باشند و نام خدا را در روزهای معلومی بر دام‌های زبان بسته‌ای که روزی آنان کرده است ببرند. پس، از آنها بخورید و به درمانده مستمند بخورانید (حج/۲۸).

#### حبوبات و دانه‌های گیاهی

وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُبَارَكًا فَأَنْبَتْنَا بِهِ جَنَّاتٍ وَحَبَّ الْحَصِيدِ\* وَالنَّخْلَ بَاسِقَاتٍ لَهَا طَلْعٌ نَضِيدٌ\* رِزْقًا لِلْعِبَادِ وَأَحْيَيْنَا بِهِ بَلَدَةً مَّيْتًا كَذَلِكَ الْخُرُوجُ؛ و از آسمان، آبی

پربرکت فرود آوردیم. پس بدان [وسیله]، باغ‌ها و دانه‌های دروکردنی  
رویانیدیم و درختان تناور خرما که خوشه‌های [روی هم چیده دارند  
[اینها همه] برای روزی بندگان [من] است و با آن [آب]، سرزمین  
مرده‌ای را زنده گردانیدیم رستاخیز [نیز] چنین است (ق/۱۱-۹).

#### باغ و بوستان

لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكَنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَ شِمَالٍ كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَ  
اشْكُرُوا لَهُ بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَ رَبُّ غَفُورٌ؛ قطعاً برای [مردم] سبا در محل  
سکونتشان نشانه [رحمتی] بود: دو باغستان از راست و چپ [به  
آنان گفتیم:] از روزی پروردگارتان بخورید و او را شکر کنید.  
شهری است خوش و خدایی آمرزنده (سبأ/۱۵).

#### باران

«هُوَ الَّذِي يُرِيكُمْ آيَاتِهِ وَ يُنَزِّلُ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ رِزْقًا وَ مَا يَتَذَكَّرُ إِلَّا مَنْ يُنِيبُ؛ اوست  
آن‌کس که نشانه‌های خود را به شما می‌نماید و برای شما از آسمان روزی  
می‌فرستد و جز آن‌کس که توبه‌کار است [کسی] پند نمی‌گیرد» (غافر/۱۳).  
و نمونه‌های دیگری از رزق مادی که در این مجال، گنجایش بیان تمامی  
آنها نیست.

#### رزق و روزی معنوی

در فرهنگ قرآنی از نمونه‌های ذیل به‌عنوان رزق معنوی یاد شده است  
که ظاهراً متفاوت از رزق مادی است:

مقام نبوت به‌عنوان رزق نیک و نعمت خاص خداوند به حضرت شعیب<sup>(ع)</sup>

در پاره‌ای از آیات، قرآن، رزق را به صفت حَسَن ستوده است، مانند

آنچه از شعیب پیامبر<sup>(ع)</sup> در گفتگو با قومش حکایت شده است:

قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِن كُنْتُ عَلَى بَيْتِهِ مِّن رَّبِّي وَرَزَقَنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا وَمَا أُرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ إِلَى مَا أَنْهَيْكُمْ عَنْهُ إِن أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ؛ گفت: ای قوم من، بیندیشید. اگر از جانب پروردگارم دلیل روشنی داشته باشم و او از سوی خود روزی نیکویی به من داده باشد [آیا باز هم از پرستش او دست بردارم؟] من نمی‌خواهم در آنچه شما را از آن باز می‌دارم با شما مخالفت کنم [و خود مرتکب آن شوم]. من قصدی جز اصلاح [جامعه] تا آنجا که بتوانم ندارم و توفیق من جز به [یاری] خدا نیست. بر او توکل کرده‌ام و به‌سوی او باز می‌گردم (هود/۸۸).

در تفسیر المیزان، ذیل این آیه آمده است که مراد از رزق حسن، وحی نبوت است که مشتمل بر اصول معارف و شرایع است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰: ۳۶۷) و از مجموع مطالب بیان‌شده می‌توان استفاده کرد که رزق حسن، رزقی منزه از آلودگی یا از معنویت والایی برخوردار است.

دانش‌های اعطایی به عالمان و تشویق به انفاق آن

یکی دیگر از نمونه‌های رزق معنوی در قرآن، علم و دانش عالمان است: إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تَجَرَّةً كَن ثَوْرٍ؛ در حقیقت، کسانی که کتاب خدا را می‌خوانند و نماز برپا می‌دارند و از آنچه بدیشان روزی داده‌ایم پنهان و آشکارا انفاق می‌کنند، امید به تجارتی بسته‌اند که هرگز زوال نمی‌پذیرد (فاطر/۲۹).

فرمانروایی و حکومت اعطایی خداوند به بندگان و عزت و سربلندی انسان

قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكُ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَن تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّن تَشَاءُ وَتُعِزُّ

مَنْ تَشَاءُ وَتُذَلِّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۖ تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ؛ بگو: بار خدا یا، تویی که فرمان‌فرمایی هر آن‌کس را که خواهی، فرمانروایی بخشی و از هر که خواهی، فرمانروایی را باز ستانی و هر که را خواهی، عزت بخشی و هر که را خواهی، خوار گردانی. همه خوبی‌ها به دست توست و تو بر هر چیز توانایی. شب را به روز درمی‌آوری و روز را به شب درمی‌آوری و زنده را از مرده بیرون می‌آوری و مرده را از زنده خارج می‌سازی و هر که را خواهی، بی‌حساب روزی می‌دهی (آل عمران/۲۷-۲۶).

#### پاداش هجرت و شهادت

در سوره حج از پاداش هجرت و شهادت به رزق حسن، تعبیر شده است: «وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ؛ و آنان که در راه خدا مهاجرت کرده و آنگاه کشته شده یا مرده‌اند، قطعاً خداوند به آنان رزقی نیکو می‌بخشد و راستی این خداست که بهترین روزی‌دهندگان است» (حج/۵۸).

#### ۲. انواع رزق مادی و معنوی از دیدگاه قرآن کریم

این رزق مادی و معنوی، تقسیم‌بندی دیگری نیز دارد: رزق مضمون، مقسوم، مملوک و موعود.

##### رزق مضمون

خوردنی و نوشیدنی است که به اندازه مورد نیاز انسان از طرف خداوند ضمانت شده است: «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَ

مُسْتَوْدَعَهَا كُلُّ فِي كِتَابٍ مُّبينٍ؛ و هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست مگر [اینکه] روزیش بر عهده خداست و [او] قرارگاه و محلّ مُردنش را می‌داند. همه [اینها] در کتابی روشن [ثبت] است» (هود/۶).

#### رزق مقسوم

رزقی است که در ازل تقسیم شده و در لوح محفوظ نوشته شده است.

#### رزق مملوک

رزقی است که در ملکیت شخص در آمده است.

#### رزق موعود

رزق خاصی است که خداوند، صالحان و عابدان را به آن وعده داده است:

وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ رِزْقًا؛ و هر کس به خدا بگردد و کار شایسته کند او را در باغ‌هایی که از زیر [درختان] آن جویبارها روان است، درمی‌آورد، جاودانه در آن می‌مانند. قطعاً خدا روزی را برای او خوش کرده است (طلاق/۱۱).

### ۳. انواع رزق در فرهنگ حدیثی

در احادیث و روایت‌ها، رزق برحسب اعتبارهای مختلف به انواع متفاوتی تقسیم شده است:

#### رزق مادی و معنوی

روزی، معنای وسیعی داشته و در کنار مصادیق فراوانی که برای روزی مادی ذکر شده است در بیان پیشوایان معصوم، مصادیقی از روزی‌های معنوی را نیز می‌بینیم. روزی اصلی روزی معنوی است که در دعا‌های

متعددی، از روزی‌های معنوی به رزق تعبیر شده است. مثلاً در مورد حج آمده است: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنِي الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ فِي عَامِنَا هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۳: ۱۱۵) یا درباره توفیق اطاعت، دوری از معصیت و... آمده است: «اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ وَبُعْدَ الْمَعْصِيَةِ وَصِدْقَ النَّبِيِّ وَعِرْفَانَ الْحُرْمَةِ» (کفعمی، ۱۴۱۸ق.ب: ۳۴۹) یا در دعای دیگری می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي خَوْفَ الْعَامِلِينَ وَعَمَلَ الْخَائِفِينَ وَخُشُوعَ الْعَابِدِينَ وَعِبَادَةَ الْخَاشِعِينَ وَيَقِينَ الْمُتَوَكِّلِينَ وَتَوَكُّلَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِنَابَةَ الْمُخْبِتِينَ» (ابن طاووس، ۱۴۰۹ق، ج ۱: ۲۰۲).

#### رزق حلال و حرام

رزق حلال به رزقی گفته می‌شود که از طریق مشروع [طبق نظر دین] به دست آمده باشد و از آنجا که روزی حلال، تأثیر فوق‌العاده‌ای در تربیت صحیح افراد جامعه دارد، هر فردی موظف است که در مورد درآمد و کسب رزق و روزی خویش، دقت و حساسیت لازم را به عمل آورد تا تأمین مخارج زندگی‌اش از طریق حلال باشد.

پیشوایان معصومین همواره با گفتار و عمل، پیروان خود را به تلاش برای کسب روزی حلال تشویق کرده و حلال بودن روزی را ویژگی لازم و دائمی درآمدها دانسته‌اند. امام علی<sup>(ع)</sup> در این باره می‌فرمایند: «أزكى المكاسب الحلال؛ پاکیزه‌ترین کسب‌ها، کسب حلال است» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۳۵۴). روایت‌های دیگری نیز در زمینه اهمیت رزق حلال وارد شده است، از جمله:

#### – عبادت بودن کسب روزی حلال

در این زمینه، رسول گرامی اسلام<sup>(ص)</sup> عبادت را ۷۰ بخش و بهترین

بخش آن را طلب رزق حلال معرفی کرده‌اند: «الْعِبَادَةُ سَبْعُونَ جُزْءًا أَفْضَلُهَا طَلَبُ الْحَلَالِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۷۸).

- واجب بودن کسب روزی حلال بر مردان و زنان

همچنین حضرت، طلب روزی حلال را بر هر مرد و زن مسلمانی واجب می‌دانند: «طَلَبُ الْحَلَالِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ» (شعیری، بی تا: ۱۳۹)

- هم‌ترازی کسب روزی حلال با جهاد در راه خدا

امام علی<sup>(ع)</sup> تلاش و کار کردن در راه طلب روزی حلال را با جهاد برابر شمرده‌اند: «الشَّائِخُ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ الْحَلَالِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (ابن حیون، ۱۳۸۵ق، ج ۲: ۱۵).

- روزی حلال، غذای برگزیدگان الهی

شخصی به امام رضا<sup>(ع)</sup> عرضه داشت:

...جُعِلَتْ فِدَاكَ ادْعُو اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ أَنْ يُرَزِّقَنِي الْحَلَالَ، فَقَالَ: أَتَدْرِي مَا الْحَلَالُ؟ قُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ، أَمَّا الَّذِي عِنْدَنَا فَالْكَسْبُ الطَّيِّبُ، فَقَالَ: كَانَ عَلَى بْنِ الْحُسَيْنِ يَقُولُ: الْحَلَالُ قُوَّةُ الْمُصْطَفَيْنَ وَلَكِنْ قُلْ: اشْأَلْكَ مِنْ رِزْقِكَ الْوَاسِعِ... قربانت شوم، دعا می‌کنم که خداوند از روزی حلال خود به من عطا فرماید. امام<sup>(ع)</sup> فرمودند: می‌دانی روزی حلال چیست؟ گفتیم: قربانت تا آنجا که می‌دانم کاسبی بی‌غل و غش را روزی حلال می‌شمارند. امام<sup>(ع)</sup> فرمودند: علی بن الحسین<sup>(ع)</sup> می‌فرمودند: روزی حلال، قوت برگزیدگان الهی است. در دعای خود بگو: بار خدایا! از روزی واسعت به من عطا کن (حمیری، ۱۴۱۳ق: ۳۸۰).

- کسب روزی حلال، نشانه پرهیزگاری

حضرت علی<sup>(ع)</sup> در شرح حال پرهیزگاران می‌فرمایند: «از نشانه‌های پرهیزگار این است که قُوَّةٌ فِي دِينٍ... وَ رِفْقاً فِي كَسْبٍ وَ طَلَباً فِي حَلَالٍ... در دین

توانا،.... و در کسب روزی حرص نزنند. به دنبال [روزی] حلال رود و...»  
(ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۱۶۰).

در مقابل، رزق حرام به رزقی گفته می‌شود که از طریق نامشروع و برخلاف نظر دین به دست آمده باشد. مال حرام، برای صاحب آن عاقبت به خیری ندارد و در مسیر غیرحق و نامشروع مصرف می‌شود. رسول گرامی اسلام<sup>(ص)</sup> در این باره فرموده‌اند: «مَنْ اكْتَسَبَ مَالًا مِنْ غَيْرِ حِلِّهِ كَانَ رَاذِلًا إِلَى النَّارِ؛ هر کس مال و ثروتی را از راه غیرحلال کسب کند، در غیرحق آن مصرف خواهد کرد» (مفید، ۱۴۱۳ق. الف: ۲۴۹).

از این نکته نیز نباید غفلت کرد که در مکتب اهل بیت<sup>(ع)</sup> اساساً چیزی با عنوان رزق حرام، موضوعیت ندارد؛ به همین منظور، در کلام معصومین، منظور از رزق، همان رزق حلال است و وقتی می‌فرمایند برای کسب رزق، عملی را انجام دهید، به سبب وضوح مطلب، نیازی به ذکر قید حلال نیست.

### تبیین منابع و راه‌های کسب درآمد حلال

این محور، ضمن معرفی روش‌های مشروع کسب درآمد، آگاهی لازم را نسبت به جلوگیری از افتادن در ورطه حرام، فراهم می‌کند.

بهترین روزی، روزی حلال، بهترین مقدار به قدر کفایت، بهترین اندازه بابرکت بودن و بهترین راه کسب آن، طلب از خداوند متعال است نه از غیر. از امام علی<sup>(ع)</sup> پرسیدند: «كَيْفَ يُحَاسِبُ اللَّهُ الْخَلْقَ عَلَى كَثْرَتِهِمْ فَقَالَ كَمَا يَرْزُقُهُمْ عَلَى كَثْرَتِهِمْ فَقِيلَ كَيْفَ يُحَاسِبُهُمْ وَلَا يَرُونَهُ فَقَالَ كَمَا يَرْزُقُهُمْ وَلَا يَرُونَهُ؛ چگونه خدا با فراوانی

انسان‌ها به حسابشان رسیدگی می‌کند؟ حضرت پاسخ دادند: آن‌چنان‌که با فراوانی آنها روزیشان می‌دهد! و باز پرسیدند: چگونه به حساب انسان‌هایی رسیدگی می‌کند که او را نمی‌بینند؟ فرمود: همان‌گونه که آنان را روزی می‌دهد و او را نمی‌بینند» (سیدرضی، ۱۴۱۴ق: ۱۲۳۰).

به این ترتیب، گرچه مهم‌ترین راه طلب روزی، درخواست آن از خداوند متعال است؛ اما خداوند، راه‌هایی را برای کسب مطلوب روزی مشخص کرده که در تعالیم رضوی نیز به آنها اشاره شده است.

### ۱. کسب روزی حلال از راه‌های درست و سالم

روزی حلال جز از راه حلال به‌دست نمی‌آید. در این زمینه، امام جعفر صادق<sup>(ع)</sup> به نقل از پدر بزرگوارشان می‌فرمایند: «[الْمُؤْمِنُ] يَكْسِبُ الرِّزْقَ مِنْ حِلِّهِ وَ مَطْلَبُ الْحَلَالِ عَزِيزٌ فَلَا يُحِبُّ أَنْ يُفَارِقَهُ شَيْئُهُ؛ [مؤمن] روزی را از راه درست، سالم و حلال به‌دست می‌آورد و راه پیدا کردن روزی حلال بسیار کم است. لذا، دوست ندارد چیزی را بیهوده از دست بدهد» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: د، ج ۳: ۵۶۰). در حدیثی از پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> آمده است:

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَجْمِلُوا فِي الطَّلَبِ... فَاطْلُبُوا أَرْزَاقَكُمْ مِنْ حَلَالٍ فَإِنَّكُمْ إِنْ طَلَبْتُمُوهَا مِنْ وُجُوهِهَا أَكَلْتُمُوهَا؛ از خدا بترسید و در طلب مال از حلال اعتدال تجاوز نکنید... روزی‌های خود را از راه حلال به‌دست آورید، زیرا اگر روزی را از راه‌های [صحیح و حلال] خود به‌دست آورید، روزی حلال خورده/ید (حرعاملی، ۱۴۰۹ق: الف، ج ۱۷: ۴۷).

کسب روزی حلال با اطاعت از خدا و پیامبر<sup>(ص)</sup>

کسب روزی حلال در راستای قرب الی الله و اطاعت از خدا و پیامبر خدا<sup>(ص)</sup> حاصل می شود. در حدیثی از رسول اکرم<sup>(ص)</sup> آمده است: «لَا يُذْرِكُ مَا عِنْدَ اللَّهِ إِلَّا بِطَاعَتِهِ؛ آنچه که نزد خداست [از ثواب های ارزنده اخروی و رزق و روزی حلال این جهان] به دست نمی آید مگر از راه اطاعت و فرمانبری اوامر و نواهی حق» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۷۴).

کسب روزی حلال از طرق غیرمضر به دین و ایمان

حسن بن حسین انباری می گوید: مدت ۱۴ سال به خدمت امام رضا<sup>(ع)</sup> نامه می نوشتم و هر سال از ایشان برای کار کردن برای سلطان کسب اجازه می کردم تا اینکه در آخر یکی از نامه هایم به ایشان نوشتم: یادآور می شوم که من بیم آن را دارم که گردنم زده شود و سلطان به من بگوید: تو رافضی و شیعه هستی و تردیدی نداریم که تنها به خاطر رافضی بودن کار کردن برای سلطان را رها کرده ای. حضرت رضا<sup>(ع)</sup> پاسخ دادند:

قَدْ فَهِمْتُ كِتَابَكَ وَ مَا ذَكَرْتَ مِنَ الْخَوْفِ عَلَى نَفْسِكَ فَإِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّكَ إِذَا  
وَلَّيْتَ عَمَلْتَ فِي عَمَلِكَ بِمَا أَمَرَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ ص ثُمَّ تُصَيِّرُ أَعْوَانَكَ وَ كُتَّابَكَ أَهْلَ  
مِلَّتِكَ فَإِذَا صَارَ إِلَيْكَ شَيْءٌ وَاسَيْتَ بِهِ فَقَرَأَ الْمُؤْمِنِينَ حَتَّى تَكُونَ وَاحِدًا مِنْهُمْ كَأَن ذَا  
بِنَا وَ إِلَّا فَلَا؛ از نامه تو و از آنچه نوشته بودی که بر جان خود بیم  
داری مطلع شدم. اگر واقعاً یقین داری که در صورت عهده دار  
شدن کاری برای آنان، همان گونه که رسول خدا<sup>(ص)</sup> می فرمودند  
رفتار خواهی کرد و همچنین یاران و دبیران هم مذهب تو خواهند  
بود و وقتی چیزی به تو رسید با مؤمنان نیازمند همدردی و به آنان

رسیدگی خواهی کرد، به‌حالی که خود را نیز مانند یکی از آنان به حساب آوری، عیبی ندارد وگرنه خیر (همان، ج ۵: ۱۱۱).

## ۲. شناخت دین و آشنا شدن با مسائل خرید و فروش

از مولای متقیان، حضرت علی<sup>(ع)</sup> نقل شده است:

أَنَّ رَجُلًا قَالَ لَهُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنِّي أُرِيدُ التَّجَارَةَ قَالَ أَقَفَّهْتَ فِي دِينِ اللَّهِ قَالَ يَكُونُ بَعْضُ ذَلِكَ قَالَ وَيُحَكِّمُ الْفَقَّهُ ثُمَّ الْمُتَجَرِّفُ فَإِنَّهُ مَنْ بَاعَ وَاشْتَرَى وَلَمْ يَسْأَلْ عَنْ حَرَامٍ وَلَا حَلَالٍ ارْتَضَمَ فِي الرِّبَا ثُمَّ ارْتَضَمَ؛ مردی به محضر ایشان رسیده و عرضه داشت: می‌خواهم تجارت کنم، امام<sup>(ع)</sup> از وی سؤال فرمودند: آیا به شناختی از دین خدا دست یافته‌ای؟ مرد پاسخ داد: برخی از مسائل دین را می‌دانم. امام<sup>(ع)</sup> فرمودند: وای بر تو، ابتدا باید به شناخت بررسی و سپس وارد تجارت شوی. به‌درستی که اگر فردی به خرید و فروش بپردازد در حالی که از حلال و حرام آن جويا نشود داخل در ربا شده و سپس گرفتار می‌شود (ابن حیون، ۱۳۸۵ق، ج ۲: ۱۶).

امام رضا<sup>(ع)</sup> نیز در حکمی کلی می‌فرمایند: «الْعَامِلُ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ الطَّرِيقِ لَا يَزِيدُهُ سُرْعَةُ السَّيْرِ إِلَّا بُعْدًا عَنِ الطَّرِيقِ؛ آن‌کس که بدون بینش کاری را انجام دهد همانند کسی است که بیراهه می‌رود. هر چه سریع‌تر حرکت کند از راه صحیح دورتر می‌شود» (منسوب به امام هشتم<sup>(ع)</sup>، ۱۴۰۶ق: ۳۸۱). این بیان حضرت به‌صورت اصلی کلی، لازمه شروع و ورود هر کاری را آشنایی با اساس و چارچوب آن بیان می‌دارد که در غیر این صورت، به زیان و خسران منتهی می‌شود. از این رو، آن حضرت طی جلسه‌ها و فرمایش‌هایی که برای اهل تجارت و اهل بازار داشتند، آداب زیادی را در خصوص احکام تجارت بیان

کردند که به چند نمونه اشاره می‌شود:

#### تشخیص زمان دقیق معامله

حسن بن علی و شاء می‌گوید: از امام رضا<sup>(ع)</sup> پرسیدم: «هَلْ يَجُوزُ بَيْعُ النَّخْلِ إِذَا حَمَلَ فَقَالَ يَجُوزُ بَيْعُهُ حَتَّى يَرْهُوَ فَقُلْتُ وَمَا الرَّهُوَ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَالَ يَحْمَرُّ وَيَصْفَرُّ وَشِبْهُ ذَلِكَ؛ آیا فروختن میوه درخت خرما، وقتی که میوه آن درآمده باشد، جایز است؟» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۱۷۵). فرمودند: «فروختن آن در صورتی که به مرحله «زهو» برسد و شکوفه آن آشکار شود، جایز است.» عرض کردم: فدایت شوم! «زهو» چیست؟ فرمودند: «یعنی سرخ و زرد یا مانند آن شود.»

#### رعایت حقوق موازنه در خرید و فروش

و شاء می‌گوید:

سَأَلْتُ الرَّضَاعَانَ رَجُلٌ يَشْتَرِي مِنْ رَجُلٍ أَرْضًا جُرْبَانًا مَعْلُومَةً بِمِائَةِ كُرٍّ عَلَى أَنْ يُعْطِيَهُ مِنْ الْأَرْضِ فَقَالَ حَرَامٌ قَالَ قُلْتُ لَهُ فَمَا تَقُولُ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ إِنْ اشْتَرَى مِنْهُ الْأَرْضَ بِكَيلٍ مَعْلُومٍ وَحِطَّةٍ مِنْ غَيْرِهَا قَالَ لَا بَأْسَ؛ از امام رضا<sup>(ع)</sup> پرسیدم: کسی چند «جریب» (مقدار مشخص از زمین که برخی آن را به ۳ هزار و ۶۰۰ و بعضی به ۱۰ هزار ذراع تحدید کرده‌اند) مشخص شده زمین را خریده است تا در برابر آن ۱۰۰ «کر» غله از همان زمین به او بدهد [حکم آن چیست؟] فرمودند: حرام است. عرض کردم: خداوند مرا فدای شما گرداند! چه می‌فرمایید اگر با پرداخت پیمانه‌های مشخص گندم از غیر محصول آن زمین، از وی بخرم؟ فرمودند: اشکالی ندارد (همان: ۲۶۶-۲۶۵).

حضرت در این مورد، تأکید بر مشخص بودن اندازه و توان میان جنس فروخته شده و بهای آن را دارند به صورتی که هر دو طرف معامله به طور کامل مشخص بوده و حقوق خریدار و فروشنده به صورت منصفانه رعایت شود.

معامله همراه با رعایت ارزش‌ها

حضرت رضا<sup>(ع)</sup> در فرمایشی هدایت‌گر از قول پیامبر<sup>(ص)</sup> در این باره

می‌فرمایند:

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرِّضَا عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ<sup>(ع)</sup> قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ  
مَنْ عَامَلَ النَّاسَ فَلَمْ يَظْلِمُهُمْ وَ حَدَّثَهُمْ فَلَمْ يَكْذِبْهُمْ وَ وَعَدَهُمْ فَلَمْ يُخْلِفْهُمْ فَهُوَ مِمَّنْ  
كَمَلَتْ مَرْوَتُهُ وَ ظَهَرَتْ عَدَالَتُهُ وَ وَجِبَتْ أُخُوَّتُهُ وَ حُرِمَتْ غَيْبَتُهُ؛ کسی که با مردم  
معامله کند، به آنها ستم نکند، با ایشان گفتگو کند، به آنها دروغ  
نگوید، با ایشان وعده کند و خلف آن نکند، مروت او کامل و  
عدالت او ظاهر است و واجب است گرفتن او به عنوان برادر دینی  
و حرام است غیبت او (ابن بابویه، ۱۳۶۲ ش. الف، ج ۱: ۲۰۸؛ ابن فهد  
حلی، ۱۴۰۷ ق: ۱۸۸).

احتیاط در بازار و تلاش برای حفظ سرمایه

از راه‌های طلب روزی حلال، حفظ سرمایه و تکیه بر آن است. لذا، لزوم  
حفظ آن امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. این امر تا جایی اهمیت دارد  
که خداوند نسبت به آن دستور صریح می‌فرماید: «وَلَا تَوْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ التَّيَّ  
جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا؛ و اموالی را که خداوند مایه استواری شما قرار داده، به  
نابخردان ندهید» (نساء/۵) و چنان است که حضرت رضا<sup>(ع)</sup> فرمودند: «وَمَنْ  
قُتِلَ دُونَ مَالِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ؛ آن‌کس که برای حفظ مال خویش کشته شود، شهید  
است» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق. ب، ج ۲: ۱۲۴). ضرورت دارد انسان با فراست و  
هوشیاری تمام نه تنها بر حفظ مال خویش بکوشد، بلکه مؤمنان دیگر را نیز  
چون خود دانسته و به آنها در حفظ اموالشان یاری رساند.

### ۳. برنامه‌ریزی در طلب و کسب روزی حلال

از دیگر راه‌هایی که می‌تواند راهنما و یاری‌گر انسان در رسیدن به روزی حلال باشد، داشتن برنامه‌ریزی صحیح در زندگی است. یعنی به این وسیله، فرد ابتدا هر آنچه از مواهب، استعدادها و سرمایه که خدا به وی ارزانی داشته و هر آنچه که مطلوب وی بوده و می‌خواهد به آنها برسد، در رابطه‌ای پایاپای قرار می‌دهد و آنها را به‌عنوان پایه و وسیله حرکت انتخاب کرده و با امید به فضل خدا و تلاش به سمت هدف پیش می‌رود. در این حرکت، چون نقش محوری خدا از ابتدا تا انتها حفظ می‌شود، بر اعتلای درجه ایمان فرد نیز مؤثر می‌افتد، چنان‌که امام صادق<sup>(ع)</sup> از پدر بزرگوارشان روایت می‌کنند: «لَا يَسْتَكْمِلُ عَبْدٌ حَقِيقَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى يَكُونَ فِيهِ خِصَالٌ ثَلَاثُ النَّفَقَةِ فِي الدِّينِ وَ حُسْنُ التَّقْدِيرِ فِي الْمَعِيشَةِ وَ الصَّبْرُ عَلَى الرِّزَايَا؛ هیچ بنده‌ای به حقیقت ایمان نمی‌رسد مگر اینکه دارای سه ویژگی باشد: شناخت در دین، برنامه‌ریزی صحیح در زندگی، شکیبایی بر سختی‌ها و ناگواری‌های زندگی» (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱: ۵).

برنامه‌ریزی سبب می‌شود تا توان، ظرفیت، پتانسیل، اراده و قدرت حرکت به‌صورت منفعل درنیاید و فرد امکانات موجود مادی را با تأیید و امدادهای معنوی مقارن سازد تا راه صحیح رسیدن به روزی مقدر حلال را بیابد. درست به همین دلیل است که امام صادق<sup>(ع)</sup> فرمودند: «لَا مَالٌ لِمَنْ لَا تَقْدِيرَ لَهُ؛ کسی که برنامه‌ریزی مالی نداشته باشد مالی نخواهد داشت» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۳۱۷).

#### ۴. اجتناب از روزی‌های مشکوک و دقت در منبع درآمد

در احادیث اسلامی برای برخی از شغل‌ها که در مرز بین حلال و حرام قرار دارند یا به‌طور قطع حرام اعلام شده‌اند، شرایط ویژه‌ای قرار داده شده تا شرط حلال بودن روزی تأمین شود. اجتناب از چنین درآمدهایی بهتر است. مثلاً از امام صادق<sup>(ع)</sup> روایت شده است:

الْحَلَالُ مِنَ الْبُيُوعِ كُلُّ مَا هُوَ حَلَالٌ مِنَ الْمَأْكُولِ وَالْمَشْرُوبِ وَغَيْرِ ذَلِكَ مِمَّا هُوَ قِوَامٌ لِلنَّاسِ وَصَلَاحٌ وَمُبَاحٌ لَهُمُ الْإِنْتِفَاعُ بِهِ وَ مَا كَانَ مُحَرَّمًا أَصْلُهُ مَنَهًيًا عَنْهُ لَمْ يَجْزِ بَيْعُهُ وَلَا شِرَاؤُهُ؛ معامله‌های حلال شامل معامله خوردنی‌ها و آشامیدنی‌های حلال بوده و نیز آنچه قوام و صلاح مردم در آن است و بهره‌برداری از آن برایشان مباح است ولی چیزهایی که اصل آن مورد نهی واقع شده، خرید و فروش آن جایز نیست (ابن حیون، ۱۳۸۵ق، ج ۲: ۱۹-۱۸).

از رسول بزرگوار اسلام<sup>(ص)</sup> درباره حرمت کارهایی که از مرحله تولید شراب تا استفاده از آن انجام می‌شود، نقل شده که تمامی دست‌اندرکاران این امر را لعنت فرمودند: «لَعَنَ اللَّهُ الْخَمْرَ وَ عَاصِرَهَا وَ مُعْتَصِرَهَا وَ بَائِعَهَا وَ مُشْتَرِيَهَا وَ شَارِبَهَا وَ سَاقِيَهَا وَ أَكَلَ ثَمَنِهَا وَ حَامِلَهَا وَ الْمُحْمُولَةَ إِلَيْهِ قَالَ النَّبِيُّ الَّذِي حَرَّمَ شَرْبَ الْخَمْرِ حَرَّمَ بَيْعَهَا وَ أَكْلَ ثَمَنِهَا» (همان).

کار و تلاش مشروع برای کسب روزی حلال هر چه که باشد، باز موجب شرافت و کرامت انسان می‌شود. اسلام گرچه انسان را در کسب روزی و به‌دست آوردن متاع زندگی آزاد گذارده، اما هرگز اجازه نداده که او در این راه، مسیری را پیش گیرد که اخلاق را فاسد گرداند و او را در

معرض سقوط قرار دهد یا موجب فساد جامعه شود. بدین جهت، نه تنها مشروبات الکلی، موادمخدر و همه منکرات و فواحش را حرام شمرده، بلکه تولید، واسطه شدن، خرید و فروش و استعمال آنرا نیز تحریم کرده است. به طور کلی، هر کاری که موجب سودآوری شخصی اما ضرر و بدبختی برای شخص دیگر یا اجتماع بشری باشد و امنیت اقتصادی و سلامت فرد یا جامعه را به مخاطره اندازد، جرم و گناه شمرده و بر آنها کیفر سخت دنیوی و اخروی وعده داده است؛ مانند: رشوه خواری، احتکار، گران فروشی، کم فروشی، دزدی، قمار، ربا، رانت خواری، غش در معامله، غنا و آوازه خوانی که انسان را به فحشا بکشاند و غیره.

انجام کار بدون هیچ گونه نقص و کم کاری و به طور کلی، رعایت قواعد شرعی و وجدانی در انجام کارها باعث می شود درآمد به دست آمده، پاک، حلال و عاری از هرگونه شبهه باشد. این در حالی است که انجام ندادن به موقع کار، کم کاری، اتلاف وقت و فرصت سوزی، نداشتن توانایی لازم برای انجام کار و تناسب نداشتن درآمد با کار همگی زمینه مشکوک شدن درآمدهای افراد را فراهم می آورد.

حضرت رضا<sup>(ع)</sup> نیز وقتی گناهان کبیره را برمی شمارند، شیوه های درآمد نامشروع و گردآوری ثروت های حرام را نیز از کبائر شمرده و آنرا همسان بدترین گناهان چون قتل یاد می کنند:

وَاجْتَنَابِ الْكِبَائِرِ وَهِيَ قَتْلُ النَّفْسِ... وَ أَكْلُ مَالِ الْيَتَامَى ظُلْمًا وَ... وَ أَكْلُ الرِّبَا  
وَ السُّخْتِ بَعْدَ الْبَيِّنَةِ وَ الْمَيْسَرُ وَ الْبَخْسُ فِي الْمِيزَانِ وَ الْمَكْيَالِ وَ قَذْفُ الْمُحْصَنَاتِ وَ

الزَّنا وَاللَّوْاْطُ وَالشَّهَادَاتُ الزُّورُ وَالنَّيَاسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ وَالْأَمْنُ مِنْ مَكْرِ اللَّهِ؛ اجتناب از گناهان کبیره که آن قتل نفس است که خدا آن را حرام کرده است و زنا، دزدی، شراب خوردن، عاق والدین، فرار از جهاد، خوردن مال یتیم از روی ظلم، خوردن مردار، خون و گوشت خوک... و خوردن ربا بعد از وضوح ربا بودن آن و سحت یعنی مطلق کسب حرام یا رشوه گرفتن در حکم خدا... کم دادن در کیل و وزن... دروغ و تکبر و اسراف و تبذیر و خیانت کردن و... (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۳۲۹).

جا دارد این مطلب را نیز بیفزاییم که هر مالی که انسان از راه نامشروع و حرام کسب کند، علاوه بر اینکه معصیت پروردگار را کرده و دارای عقوبت‌های اخروی است، در دنیا نیز آثار متعددی دارد، مانند: بی‌برکتی اموال، عدم پذیرش عبادت، عدم استجاب دعا، قساوت و تیرگی قلب و تأثیر منفی در نسل.

##### ۵. مستحب بودن تجارت از دیدگاه معصومان

از راه‌های بسیار مهمی که همواره در سیره معصومان در طلب روزی حلال به آن سفارش شده، تجارت است. پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> در این باره فرمودند: «تَسَعَةُ أَغْشَارِ الرِّزْقِ فِي التِّجَارَةِ؛ همانا نه‌دهم روزی در تجارت است» (ابن بابویه، ۱۳۶۲ الف، ج ۲: ۴۴۵) و نیز می‌فرمایند: «الْبَرَكَةُ عَشْرَةُ أَجْزَاءٍ تِسْعَةُ أَغْشَارِهَا فِي التِّجَارَةِ؛ برکت ۱۰ جزء دارد که نه‌دهم آن در تجارت است» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق. الف، ج ۱۷: ۱۰).

ولیکن باید توجه داشت که اسلام، هر نوع تجارتي را تأیید نمی‌کند، چنان‌که راضی ماندن به وضعیت فعلی را از ورود به برخی از انواع تجارت

شایسته‌تر دانسته است. در حدیث آمده است که: «الرَّقْفُ فِي الْمَعِيشَةِ خَيْرٌ مِنْ بَعْضِ التَّجَارَةِ؛ مدارا کردن در زندگانی، از بعضی از اشکال بازرگانی بهتر است» (فضاعی، ۱۳۶۱: ۷۸-۷۷).

در روایتی از امیرالمؤمنین، علی<sup>(ع)</sup> برخی از شروطی که برای تجارت قید شده تا مهر تأیید اسلامی را داشته باشد، تبیین شده است: تجارت‌کننده فاجر و بدکار بود الا آنکه حق بود، حق دهد و حق ستاند و هر که بی‌قغه تجارت کند در ربا افتد و آمده است که ایشان هر روز بامداد از بازارهای کوفه عبور کرده و در هر بازاری توقف کرده و خطاب به بازرگانان می‌فرمودند:

يَا مَعْشَرَ التَّجَارِ قَدْ مَوَّاهَا الْاِسْتِخَارَةُ وَ تَبَرَّكُوا بِالسُّهُولَةِ وَ اقْتَرِبُوا مِنَ الْمُتَبَاعِينَ وَ تَزَيُّنُوا بِالْحِلْمِ وَ تَنَاهَوْا عَنِ الْيَمِينِ وَ جَانِبُوا الْكُذْبَ وَ تَجَافَوْا عَنِ الظُّلْمِ وَ انْصِفُوا الْمَظْلُومِينَ وَ لَا تَقْرَبُوا الرِّبَا وَ اَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزَانَ وَ لَا تَبْخُسُوا النَّاسَ اَشْيَاءَهُمْ وَ لَا تَعْنُوا فِي الْاَرْضِ مُفْسِدِينَ؛ از خدا خیر بخواهید، در تجارت سهل باشید، با خریداران نیکوخواه باشید / و بردباری را زیور خود کنید و از سوگند باز ایستید و از دروغ برکنار باشید و از ظلم پهلوی نهی سازید /، انصاف هر کس بدهید، گرد ربا مگردید، تمام پیمائید، تمام سنجید، در اشیای مردم خیانت و در زمین فساد مکنید.

در حدیث دیگری از پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> نقل شده است: «بازرگانان راستگوی در قیامت با شهدا باشند و تاجر باید که دروغ نگوید، مدح متاع خویش نکند، اگر عیش باشد بگوید و عیب نکند آن چیز را که می‌خرد و با آن کس که سهل‌المعامله بود همچنان باشد که با آن که استقصا کند» (همان: ۷۸). همچنین از جسارت و شجاعت به‌عنوان یکی از شروط دیگر تجارت یاد شده است:

«التاجر الجبان محروم و التاجر الجسور مرزوق؛ بازرگان ترسو، محروم است و بازرگان دلیر، روزی‌مند» (همان: ۷۸-۷۹).

#### ۶. توجه به واسطه‌ها و بی‌نیازی جستن از انسان‌های پست در کسب روزی

أَنَّهُ دَخَلَ عَلَيْهِ وَاحِدٌ فَقَالَ أَصْلَحَكَ اللَّهُ إِنِّي رَجُلٌ مُنْقَطِعٌ إِلَيْكُمْ بِمَوَدَّتِي وَقَدْ أَصَابْتَنِي حَاجَةٌ شَدِيدَةٌ وَقَدْ تَقَرَّبْتُ بِذَلِكَ إِلَى أَهْلِ بَيْتِي وَقَوْمِي فَلَمْ يَزِدْنِي بِذَلِكَ مِنْهُمْ إِلَّا بُعْدًا؛ روایت شده است که مردی بر امام صادق (ع) وارد شد و نیاز شدید خود و رویگردانی خویشاوندانش را از برآوردن حاجتش به عرض امام (ع) رساند. امام (ع) فرمودند: فَمَا آتَاكَ اللَّهُ خَيْرٌ مِمَّا أَخَذَ مِنْكَ؛ آنچه خداوند به تو عطا کند بهتر از چیزی است که از تو بگیری. مرد عرضه داشت: جُعِلْتُ فِدَاكَ ادْعُ اللَّهَ لِي أَنْ يُغْنِيَنِي عَنْ خَلْقِهِ؛ جانم به فدایت، از خدا بخواه که مرا از خلقتش بی‌نیاز کند. امام (ع) فرمودند: إِنَّ اللَّهَ قَسَمَ رِزْقَ مَنْ شَاءَ عَلَى يَدَيَّ مَنْ شَاءَ وَلَكِنْ سَلِ اللَّهَ أَنْ يُغْنِيَكَ عَنِ الْحَاجَةِ الَّتِي تَضْطَرُّكَ إِلَيْهَا لِئَامَ خَلْقِهِ؛ همانا خداوند روزی هر که را بخواهد در دستان هر که می‌خواهد قرار می‌دهد؛ اما از خدا بخواه تا تو را از نیاز شدید به لئام خلقتش (انسان‌های پست) بی‌نیاز کند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۲۶۶).

#### ۷. کوشش در استقلال‌گرایی (مکروهیت استخدام)

عمار سابطی می‌گوید به امام صادق (ع) عرض کردم: «الرَّجُلُ يَتَجَرُّ فَإِنْ هُوَ آجَرَ نَفْسَهُ أُعْطِيَ مَا يُصِيبُ فِي تِجَارَتِهِ؛ شخصی تجارت می‌کند، ولی اگر خود را اجیر دیگری کند، به اندازه سود تجارت به او داده می‌شود. [آیا بهتر است اجیر شود؟]» حضرت فرمودند: «لَا يُؤَاجِرُ نَفْسَهُ وَلَكِنْ يَسْتَرْزُقُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَيَتَجَرُّ فَإِنَّهُ إِذَا آجَرَ نَفْسَهُ حَظَرَ عَلَى نَفْسِهِ الرِّزْقَ؛ خود را اجیر دیگری نکند، بلکه از خداوند

طلب روزی کرده و تجارت کند، زیرا کسی که اجیر می‌شود روزی را از خود بازمی‌دارد» (طوسی، ۱۳۹۰ق.الف، ج ۳: ۵۵؛ قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۵ق، ج ۲: ۲۵).

#### ۸. دوری از افراط و تفریط در کسب روزی حلال و مصرف آن

روزی حلال، تأثیری عمیق و ریشه‌دار در واقعیت وجود انسانی و در ساختن بدن و روح آدمی دارد و در جهت شکفتن استعدادهای نیک و حصول تصمیم‌ها و نیت‌های خوب در انسان، از نقشی سرنوشت‌ساز برخوردار است و این روزی، در منطق اسلام، جز میانه‌روی نیست. پس نه چیزهای پاکیزه [و حلال]، حرام است و نه این اجازه را داده‌اند که از همان پاکیزه و حلال- هر کس هر چه دلش می‌خواهد و به هر اندازه که می‌خواهد بخورد و کارش به اتراف و طغیان بکشد. پس حلال طیب آن است که میان دو حد قرار گرفته باشد، یعنی به اندازه کفاف و نیاز و به تعبیری دیگر: حلال چیزی است که در آن مقیاس‌های شرعی، از لحاظ مالکیت و مصرف، مراعات شده باشد. چه بسیار چیزها که بر حسب مالکیت حلال و بر حسب مصرف، حرام است (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۴: ۶۵۱). قرآن مجید، حلال را این‌گونه شناسانده است که در میان دو حد «افراط» و «تفریط» قرار گرفته باشد، «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُحَرِّمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا...؛ ای مردم باایمان، چیزهای پاکیزه‌ای را که خدا بر شما حلال کرده است، حرام نکنید! و از حد، تجاوز نکنید!...» (مائده/۸۷). پس نه چیزهای پاکیزه [و حلال]،

حرام است و باید مصرف نشود و نه می‌توان با مصرف کردن افراطی و اسرافى آنها سبب محروم ماندن دیگران از حق خود در آنها شد و از اینجا معلوم می‌شود که تجاوز و افراط، مغایر با حلال بودن است و قرآن کریم به خوردن حلال فرمان می‌دهد: «كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا... از آنچه خدا روزی حلال شما قرار داده است بخورید» (نحل/۱۱۴). پس خوردن با تعدی و تجاوز- یعنی خوردن مال دیگران یا حق دیگران- یا خوردن اترافی و اسرافى، ممنوع بوده چون نهی شده است (لا تَعْتَدُوا... لا تُسْرِفُوا...). تعدی و تجاوز با میانه‌روی نیز مغایر است (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۴: ۱۷۴).

## ۹. دعا برای طلب رزق حلال

روزی حلال، اهمیت بسیاری دارد و به سبب تأثیرهایی که در زندگی دنیوی و اخروی ما دارد، علاوه بر رعایت اصولی که برشمردیم باید برای به دست آوردن آن، درخواست کردنش از خداوند متعال را نیز در نظر داشته باشیم. امام رضا<sup>(ع)</sup> برای کسب روزی حلال تأثیر دعا را متذکر شده و می‌فرماید:

برای طلب آن بعد از هر نماز واجب بگوییم: یا مَنْ يَمْلِكُ حَوَائِجَ السَّائِلِينَ، یا مَنْ لِكُلِّ مَسْأَلَةٍ مِنْكَ سَمْعٌ حَاضِرٌ وَ جَوَابٌ عَتِيدٌ وَ لِكُلِّ صَامِتٍ مِنْكَ عِلْمٌ بَاطِنٌ مُحِيطٌ أَسْأَلُكَ بِمَوَاعِيدِكَ الصَّادِقَةِ وَ أَنْبَاءِكَ الْفَاضِلَةِ وَ رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ وَ سُلْطَانِكَ الْقَاهِرِ وَ مُلْكِكَ الدَّائِمِ وَ كَلِمَاتِكَ الثَّامَاتِ يَا مَنْ لَا تَنْفَعُهُ طَاعَةُ الْمُطِيعِينَ وَ لَا يَضُرُّهُ مَعْصِيَةُ الْعَاصِينَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ ارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ وَ أَعْطِنِي فِيمَا تَرْزُقُنِي الْعَاقِبَةَ مِنْ فَضْلِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ؛ ای کسی که نیازهای سائلین را مالکی، ای کسی که برای هر مسئله‌ای جواب

حاضری داری و ورای هر ناگفته‌ای، علم باطنی داری، از وعده‌های راستین، از ایادی فاضلت و رحمت گسترده‌ات و قدرت استوارت و فرمانروایی دایم و کلمات تامه‌ات درخواست می‌کنیم، ای کسی که معصیت گناهکاران و اطاعت بندگان به حالت فرقی ندارد، بر محمد و خاندانش صلوات بفرست و مرا از فضل روزی ده و از آنچه روزی دادی عافیت ده از فضل، ای مهربان‌ترین مهربانان (کفعمی، ۱۴۰۵ق.الف: ۱۶۸).

اما باید توجه داشت دعا به عنوان یکی از وظایف مسلمان، پس از تلاش کافی معنا می‌یابد و به عبارت دیگر، فعل دعا کردن ذاتاً با سستی و کاهلی منافات دارد. راوی گوید:

كُنَّا جُلُوسًا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ <sup>(ع)</sup> إِذْ أَقْبَلَ الْعَلَاءُ بْنُ كَامِلٍ فَجَلَسَ قُدَّامَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ <sup>(ع)</sup> فَقَالَ  
ادْعُ اللَّهَ أَنْ يُرْزُقَنِي فِي دَعَايِ فَقَالَ لَا أُدْعُوكَ أَطْلُبُ كَمَا أَمَرَكَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ؛ خدمت  
امام صادق <sup>(ع)</sup> نشسته بودیم که علاء بن کامل آمد و در برابر امام <sup>(ع)</sup>  
نشست. سپس گفت: دعا بفرمایید تا خداوند، روزی بی‌زحمتی به من  
عطا کند. ابوعبداللّه گفت: دعا نخواهم کرد. برو با پیشه و کار، روزیت  
را از پهنه گیتی بجوی. این فرمان خداست (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۷۸).

#### ۱۰. قرائت قرآن، شکر و استغفار

در برخی از روایت‌ها، عواملی همچون: قرائت قرآن، شکرگزاری، استغفار و... از زمینه‌های کسب، جلب و ازدیاد روزی حلال معرفی شده‌اند. در کلام امام رضا <sup>(ع)</sup>، برکت قرائت قرآن برای کسب و افزایش روزی حلال، با نقل روایتی از رسول اکرم <sup>(ص)</sup> بیان شده است:

اجْعَلُوا لِبُيُوتِكُمْ نَصِيبًا مِّنَ الْقُرْآنِ فَإِنَّ الْبَيْتَ إِذَا قُرِئَ فِيهِ تَبَسَّرَ (بُيُوتُ) عَلَى أَهْلِهِ وَ  
كَثُرَ خَيْرُهُ وَكَانَ سُكَّانُهُ فِي زِيَادَةٍ وَإِذَا لَمْ يُقْرَأْ فِيهِ الْقُرْآنُ ضَيَّقَ عَلَى أَهْلِهِ وَقَلَّ خَيْرُهُ  
وَكَانَ سُكَّانُهُ فِي نُقْصَانٍ؛ برای خانه‌های خود نصیب و بهره‌ای از قرآن  
قرار دهید، زیرا هرگاه در خانه قرآن خوانده شود بر اهل آن  
گشایش و آسایش قرار داده شود و خیر آن بسیار شود و ساکنان  
آن در معرض ازدیاد و افزایش باشند و چون در خانه، قرآن خوانده  
نشود، فشار و سختی بر اهل آن رو آورد و خیر و نیکی آن کاهش  
یابد و ساکنان آن در کمبود باشند (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷ق: ۲۸۷).

در حدیثی که امام رضا<sup>(ع)</sup> از پیامبر اسلام<sup>(ص)</sup> نقل می‌فرمایند به موضوع شکر و  
استغفار برای جلب روزی اشاره شده است: «مَنْ أُنْعِمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِنِعْمَةٍ فَلْيُحْمَدِ اللَّهَ وَمَنْ  
اسْتَبْطَأَ الرِّزْقَ فَلْيَسْتَغْفِرِ اللَّهَ؛ کسی که خداوند متعال نعمتی بر او داده است باید شکر  
خدا را به جا آورد و کسی که رسیدن رزق او به تأخیر افتاده [تهیدست شده] باید  
استغفار کند» (خزازرازی، ۱۴۰۱ق: ۲۹۹؛ اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۲: ۱۵۷).

### معرفی شرایط و زمینه‌های کسب درآمد حلال

این بخش از زمینه‌های فردی و اجتماعی لازم برای رسیدن به روزی حلال  
بحث می‌کند و این شرایط را یکی از بسترهای ضروری تشخیص حلال می‌داند.  
یکی از الزام‌های جامعه بشری، ناگزیری انسان‌ها از زندگی دسته‌جمعی  
است و برای بقاء و استمرار آن نیازمند مجموعه‌ای از امکانات زیستی  
هستند. برای کسب این امکانات، به‌ناچار باید در تعامل و ارتباط فکری و  
معنوی با دیگر انسان‌ها قرار گیرند تا بتوانند احتیاج‌های روزمره خود را  
تأمین کنند. در جستجوی رزق، توجه به هدف نهایی که استفاده از دنیا برای

سود آخرت است باید همواره مدنظر باشد. این گونه نیست که رزق به دست آمده از کار و تلاش، همواره رزقی باشد که مرضی پروردگار باشد. بسیاری از افراد، توان و انرژی خود را در راه کسب رزق به کار می گیرند ولی رزق خود را از راهی که پروردگار عالم اذن فرموده و با رعایت قوانینی که وی وضع کرده است، طلب نمی کنند. چنین رزقی خواه اندک یا فراوان باشد برای فرد، سود محسوب نمی شود، چراکه عامل خسران اخروی شده و سرمایه حیات وی را تضییع می کند. با توجه به تأکید فراوانی که از خداوند در قرآن و روایت های متعددی که از ائمه اطهار<sup>(ع)</sup> نقل شده است، درمی یابیم که برطرف کردن نیازهای انسان باید از راه حلال و پاکیزه انجام شود و گرنه به هدفی که خداوند متعال می خواهد، نمی رسیم. به همین منظور، در آموزه های دین مقدس مان، راهکارها، شرایط و زمینه هایی برای کسب درآمد حلال ارائه شده است. این شرایط و زمینه ها، به دو بخش فردی و اجتماعی تقسیم می شوند:

#### ۱. شرایط و زمینه های فردی کسب حلال

خودداری از بیکاری و تنبلی در زندگی

زاره از امام صادق<sup>(ع)</sup> نقل می کند که ایشان فرمودند: «مَنْ كَسَلَ عَمَّا يُصْلِحُ بِهِ أَمْرَ مَعِيشَتِهِ فَلَيْسَ فِيهِ خَيْرٌ لِّأَمْرِ دُنْيَا؛ هر کس از انجام آنچه که به مصلحت روزی و معیشت اوست تنبلی کند، خیری برای او نسبت به امور دنیوی اش نخواهد بود» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۸۵). در روایت دیگری علی بن محمد روایت کرده که امیر مؤمنان<sup>(ع)</sup> فرمودند: «إِنَّ الْأَشْيَاءَ لَمَّا ازْدَوَجَتْ ازْدَوَجَ الْكَسَلُ وَالْعَجْزُ فَتُتَجَا بَيْنَهُمَا الْفَقْرُ؛ هنگامی که اشیا با هم پیوند خوردند، تنبلی و بی تابی با هم پیوند

برقرار نمودند و فقر و نادانی را زادند» (همان: ۸۶).

پرهیز از شرم و حیا در کسب روزی حلال

یکی از مسائلی که افراد را از کسب حلال منصرف کرده و به سمت حرام سوق می‌دهد، تصور کسر شأن در انجام برخی از مشاغل است؛ در حالی که از منظر اسلام، هرگونه تلاش مثبتی که در راه طلب حلال صورت پذیرد مشروط بر رعایت موازین اسلامی، پسندیده و قابل مدح و ستایش است. در مقابل، فعالیت‌هایی که دارای جنبه‌های غیر دینی بوده و با سرپیچی از فرمان الهی انجام می‌گیرد، مردود و ناپسند تلقی می‌شوند. پس در دستورهای اسلامی، شرم و حیای نابجا جایگاهی ندارد. پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> در این زمینه، می‌فرمایند: «مَنْ لَمْ يَسْتَحْيِ مِنْ طَلَبِ الْحَلَالِ مِنَ الْمَعِيشَةِ خَفَّتْ مُتَوَنَّتُهُ وَ رَخِيَ بَالُهُ وَ نُعِمَ عِيَالُهُ؛ هر که از کسب روزی حلال شرم نکند، هزینه‌اش سبک و خاطرش آسوده شود و عیالش رفاه یابد» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۵۸-۵۷).

اختصاص قسمتی از اوقات شبانه‌روز به تهیه روزی حلال

انسان مؤمن بایستی اوقات شبانه‌روز خود را به عبادت، تفکر، محاسبه نفس و تهیه روزی حلال اختصاص دهد. امام صادق<sup>(ع)</sup> در روایتی بر لزوم تخصیص زمانی برای فعالیت و کار و پرهیز از تنبلی تأکید می‌کنند: «قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) مَا فَعَلَ عُمَرُ بْنُ مُسْلِمٍ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَقْبَلَ عَلَى الْعِبَادَةِ وَ تَرَكَ التَّجَارَةَ فَقَالَ وَحَهُ أَمَا عَلِمَ أَنَّ تَارِكَ الطَّلَبِ لَا يُسْتَجَابُ لَهُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۸۴).

سحرخیزی برای طلب روزی

در تعالیم و احادیث رضوی توصیه و سفارش شده است که انسان سه خصلت را از کلاغ یاد بگیرد. یکی از آنها، شتافتن او در اول صبح در طلب

روزی خود است: «تَعْلَمُوا مِنَ الْغُرَابِ ثَلَاثَ خِصَالٍ... وَبُكُورُهُ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ وَ...» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق.د، ج ۱: ۴۸۲؛ طبرسی، ۱۴۱۲ق: ۲۹۳).

تحمل سختی و مشقت در راه طلب رزق

با توجه به اهمیت روزی حلال، خداوند سبحان دوست دارد تا بندگان خود را برای به دست آوردن روزی حلال در تعب و سختی مشاهده کند. در روایتی حضرت امیر<sup>(ع)</sup> درباره سختی و مشقت کسب روزی حلال می فرماید: «ضَرْبَةُ السَّيْفِ عَلَى الْمُؤْمِنِ أَهْوَنُ مِنَ الدَّرْهِمِ مِنْ حِلِّهِ ذَاكَ..؛ شمشیر زدن انسان مؤمن آسان تر از به دست آوردن یک درهم از راه حلال است» (شریف رضی، ۱۴۱۴ق: ۲۷۷).

در حدیث دیگری، ابو عمرو شیبانی می گوید:

رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ <sup>(ع)</sup> وَ يَدُهُ مَسْحَاةٌ وَ عَلَيْهِ إِزَارٌ غَلِيظٌ يَعْمَلُ فِي حَائِطٍ لَهُ وَ الْعَرَقُ يَتَصَابُ عَنْ ظَهْرِهِ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَغْنِيكَ فَقَالَ لِي إِنِّي أَحِبُّ أَنْ يَتَأَذَى الرَّجُلُ بِحَرِّ الشَّمْسِ فِي طَلَبِ الْمَعِيشَةِ؛ امام صادق <sup>(ع)</sup> را در باغچه منزلش دیدم که بیلی در دست دارد و ازاری درشت به کمر بسته، مشغول کار است و عرق از پشت او می ریزد. گفتم: قربانت شوم. بیل را به من بدهید تا زحمت این کار را از دوش شما کم کنم. امام فرمودند: «من دوست دارم که انسان در زیر تفت خورشید بسوزد و برای کسب معیشت بکوشد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۷۶).

البته، نباید فراموش کرد که در آیات فراوانی از قرآن مجید این سعی و کوشش، معیار موفقیت ها شمرده شده است. همان گونه که خداوند فرموده است مردم باید همواره برای کسب روزی تلاش کنند: «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ

الْأَرْضَ ذُلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ؛ او کسی است که زمین را تسلیم و خاضع در برابر شما قرار داد تا بر پشت آن راه بروید و از رزق آن استفاده کنید» (ملک / ۱۵). پس تلاش و کوشش و تحمل سختی در راه کسب روزی حلال، از سوی خدای متعال بدون پاداش نخواهد ماند.

#### استقامت در طلب روزی حلال

کسب روزی حلال گرچه با کمی مشقت و مضیقه همراه بوده، اما استقامت از شروط مهم دیگر برای برخورداری از روزی حلال است. امام صادق<sup>(ع)</sup> از قول رسول بزرگوار اسلام می‌فرمایند:

إِنَّ الرُّوحَ الْأَمِينَ نَفَثَ فِي رُوعِي أَنَّهُ لَا تَمُوتُ نَفْسٌ حَتَّى تَسْتَكْمِلَ رِزْقَهَا فَأَتَقُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَأَجْمِلُوا فِي الطَّلَبِ وَلَا يَحْمِلَنَّكُمْ اِشْتِطَاءُ شَيْءٍ مِنَ الرِّزْقِ أَنْ تَطْلُبُوهُ بِشَيْءٍ مِنْ مَعْصِيَةِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَسَمَ الْأَرْزَاقَ بَيْنَ خَلْقِهِ حَلَالًا وَلَمْ يَقْسِمْهَا حَرَامًا فَمَنْ أَتَقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَصَبَرَ أَنَا اللَّهُ بِرِزْقِهِ مِنْ حِلٍّ وَمَنْ هَتَكَ حِجَابَ السُّتْرِ وَعَجَلَ فَأَخَذَهُ مِنْ غَيْرِ حِلٍّ قُصَّ بِهِ مِنْ رِزْقِهِ الْحَلَالِ وَخُوسِبَ عَلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ آگاه باشید که روح‌الامین به قلبم الهام کرد که هیچ‌کس پیش از استیفای روزی‌اش از دنیا نمی‌رود، پس تقوای خدا را پیشه و به اندازه و به آرامی، طلب روزی کنید و دیرکرد بخشی از روزی، شما را وادار نکند که با معصیت خدا، طلب روزی کنید، زیرا خداوند ارزاق را میان مخلوق به صورت حلال تقسیم کرده نه به صورت حرام. بنابراین، هر کس تقوا پیشه و صبر کند، خداوند روزی او را از راه حلال عطا می‌فرماید و هر کس با معصیت، پرده ستر الهی را دریده و عجله کند و آن را از راه غیر حلال بگیرد، به همان مقدار از روزی حلال کم می‌شود و در روز قیامت نیز به خاطر آن، محاسبه و مورد بازخواست قرار می‌گیرد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۸۰).

## تقوا و پرهیزگاری

کسب درآمد فقط از راه مادی صورت نمی‌گیرد. بسیاری از افراد برای کسب درآمد فقط به مجاری مادی و دنیوی امید دارند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» هر که تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه بیرون شدن برای او می‌گشاید، از جایی که گمان نبرد به او روزی عطا می‌کند و هر که به خدا توکل کند، خدا او را کفایت می‌کند» (طلاق/۳-۲).

## قناعت در زندگی

پیامبر اکرم می‌فرمایند: «خَيْرُ الرِّزْقِ مَا يَكْفِي» بهترین روزی آن است که به‌قدر کفایت باشد» (ورام بن ابی فراس، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۱). گاهی اوقات حرص و فزون‌طلبی انسان را وادار می‌کند تا حلال و حرام را رعایت نکرده و رزقش را حرام کند. این در حالی است که روزی حلال مقدر هر کس، معلوم است و بنده تنها با عجله و شتاب‌زدگی رزق حلال خود را حرام می‌کند. در حدیثی از امام صادق<sup>(ع)</sup> آمده است: «مَنْ اسْتَقْلَ قَلِيلَ الرِّزْقِ حُرِمَ الْكَثِيرُ» هر که رزق و روزی کم را ناپایدار از فراوانش محروم می‌شود» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۳۱۱).

## ۲. شرایط و زمینه‌های اجتماعی کسب حلال

توجه به اولویت‌های اسلامی در انتخاب مشاغل (کشاورزی، تجارت و...)

در اسلام، کار کردن و کسب معاش ارزشمند است؛ اما برخی از مشاغل در آموزه‌های دینی مورد ترغیب مسلمانان قرار گرفته است. در این باره از پیامبر اعظم<sup>(ص)</sup> نقل شده است که فرمودند: «فَرَحِمَ اللَّهُ مُؤْمِنًا كَسَبَ طَيِّبًا وَانْفَقَ مِنْ

قَصْدٌ أَوْ قَدَمٌ فَضْلًا؛ خدا رحمت کند مؤمنی را که پاکیزه کسب کند» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳: ۱۶۷)؛ همچنین می‌فرمایند: «ان أطيّب ما أكل الرجل من كسبه: پاکیزه‌ترین مالی که فرد کسب می‌کند آن است که از دسترنج خود باشد» (همان، ج ۱: ۱۸۴).

برخی از این مشاغل، عبارت‌اند از:

#### - کشاورزی

امام صادق<sup>(ع)</sup> فرمودند: «ارْزَعُوا وَ اغْرِسُوا فَلَا وَاللّٰهِ مَا عَمِلَ النَّاسُ عَمَلًا أَحَلَّ وَ أَطْيَبَ مِنْهُ؛ کشت کنید و نهال بنشانید. به خدا قسم که مردم شغلی رواتر و پاک‌تر از کشاورزی پیشه نکرده‌اند» (همان، ج ۳: ۲۵۰).

#### - تجارت و خرید و فروش

پیامبر اعظم می‌فرمایند: «اطيب الكسب... كل بيع مبرور؛ بهترین درآمدها، سود حاصل از معامله نیک و پاک است» (سیوطی، ۱۴۰۱ق، ج ۱: ۱۷۰).

تقید به حفظ ارزش‌ها و اجتناب از محرمات اسلام

معاویه بن سعد گوید: از امام رضا<sup>(ع)</sup> پرسیدم: «سَأَلْتُهُ عَنْ نَصْرَانِيٍّ أَسْلَمَ وَ عِنْدَهُ خَمْرٌ وَ خَنَازِيرٌ وَ عَلَيْهِ دَيْنٌ هَلْ يَبِيعُ خَمْرَهُ وَ خَنَازِيرَهُ فَيَقْضِي دَيْنَهُ» فَقَالَ: «لا»؛ شخص نصرانی که اسلام آورده و شراب و چند خوک دارد و بدهکار است می‌تواند شراب و خوک‌هایش را بفروشد و بدهی‌اش را بپردازد؟» فرمودند: «خیر» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۲۳۱).

در نظر گرفتن صلاح و منفعت مردم

یونس می‌گوید:

كَتَبْتُ إِلَى الرَّضَا<sup>(ع)</sup> أَسْأَلُهُ عَنْ رَجُلٍ تَقَبَّلَ مِنْ رَجُلٍ أَرْضاً أَوْ غَيْرَ ذَلِكَ سِنِينَ مُسَمَّاةً ثُمَّ إِنَّ الْمُتَقَبِّلَ أَرَادَ بَيْعَ أَرْضِهِ الَّتِي قَبَّلَهَا قَبْلَ انْقِضَاءِ السِّنِّينَ الْمُسَمَّاةِ هَلْ لِلْمُتَقَبِّلِ أَنْ يَمْنَعَهُ مِنَ الْبَيْعِ قَبْلَ انْقِضَاءِ أَجَلِهِ الَّذِي تَقَبَّلَهَا مِنْهُ إِلَيْهِ وَ مَا يُلْزِمُ الْمُتَقَبِّلَ لَهُ قَالَ فَكَتَبَ لَهُ أَنْ يَبِيعَ إِذَا اشْتَرَطَ عَلَى الْمُشْتَرِي أَنْ لِلْمُتَقَبِّلِ مِنَ السِّنِّينَ مَا لَهُ؛ به امام رضا<sup>(ع)</sup> نوشتم و پرسیدم: شخصی زمین یا غیر آن را از کسی به مدت چند سال مشخص به مقاطعه [یعنی اجاره] گرفته، بعد صاحب زمین می‌خواهد زمین خود را پیش از سپری شدن مدت مقاطعه بفروشد، آیا مقاطعه‌گر می‌تواند از فروش زمین توسط صاحب آن پیش از سپری شدن مدت مقاطعه جلوگیری کند؟ حضرت مرقوم فرمودند: صاحب زمین می‌تواند آن را بفروشد، در صورتی که با خریدار شرط کند که زمین به مدت چند سالی که به مقاطعه داده شده مال مقاطعه‌گر باشد (همان: ۲۷۰).

حضرت در این حدیث با تأکید بر حفظ حقوق طرفین معامله، در پی آن است که معامله‌ها به صورت منصفانه انجام شود و در این میان حق کسی ضایع نشود.

#### توجه به بیت‌المال

توجه به بیت‌المال و دقت در مصرف کالاهای عمومی که خود از اموال عموم مردم بوده بر همه لازم است، چراکه استفاده غیرمجاز از این اموال یا ایجاد هرگونه ضرر و زیان حرام است و موجب ابتلا به لقمه حرام می‌شود.

#### پرداخت مالیات‌های اسلامی، خمس و زکات

خمس و زکات از مالیات‌های اسلامی است که برای پاک کردن اموال مردم بر ایشان لازم شده و ثروتی که خمس، زکات و دیگر حقوق شرعی آن پرداخت نشده، مال حلال مخلوط به حرام است. در این زمینه، امیر مؤمنان<sup>(ع)</sup>

می‌فرمایند: «شَرُّ الْأَمْوَالِ مَا لَمْ يُخْرَجْ مِنْهُ حَقُّ اللَّهِ سُبْحَانَهُ؛ بدترین اموال را مالی می‌داند که حق خدا [خمس و زکات] از آن خارج نشده باشد» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۳۶۹). در روایت دیگری فرموده‌اند: «شَرُّ الْأَمْوَالِ مَا لَا يُنْفَقُ مِنْهُ وَ لَا تُؤَدَّى زَكَاتُهُ؛ بدترین اموال آن است که از آن انفاق نشده و زکاتش پرداخت نشود. اگر مردم زکات و حقوق مالی خود را بپردازند، هیچ فقیری پیدا نمی‌شود» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۲۹۳)

امام رضا<sup>(ع)</sup> نیز در مورد علت پرداخت زکات می‌فرمایند:

أَنَّ عَلَّةَ الزَّكَاةِ مِنْ أَجْلِ قُوَّةِ الْفُقَرَاءِ وَ تَحْصِينِ أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى كَفَّفَ أَهْلَ الصَّحَّةِ الْقِيَامَ بِشَأْنِ أَهْلِ الزَّمَانَةِ مِنَ الْبَلْوَى...؛ خداوند زکات را برای تأمین زندگی نیازمندان و در امان ماندن اموال ثروتمندان واجب کرد. خداوند کسانی را که از نعمت سلامت برخوردارند، موظف کرد تا برای رفع نیازهای بیچارگان و مبتلایان آماده باشند و به آنان کمک کنند... (ابن بابویه، ۱۳۸۵ ش. ج ۲: ۳۶۹). در حدیث دیگری از آن حضرت نقل شده است: «إِذَا حُبِسَتِ الزَّكَاةُ مَاتَتِ الْمَوَاسِي؛ چون زکات داده نشود چهارپایان می‌میرند» (طوسی، ۱۴۱۴ ق. ب: ۷۹؛ حرعاملی، ۱۴۱۴ ق. ب، ج ۴: ۹).

یکی از تجار فارس که از پیروان امام رضا<sup>(ع)</sup> بود به آن حضرت نامه

نوشت و درباره خمس اجازه خواست. حضرت برای او نوشتند:

... لَا يَحِلُّ مَالٌ إِلَّا مِنْ وَجْهِ أَحَلَّهُ اللَّهُ وَ إِنَّ الْخُمْسَ عَوْنُنَا عَلَى دِينِنَا وَ عَلَى عِيَالِنَا وَ عَلَى مَوَالِينَا وَ مَا نَبْذُلُهُ وَ نَشْتَرِي مِنْ أَعْرَاضِنَا مِمَّنْ نَخَافُ سَطْوَتَهُ فَلَا تَرَوْهُ عَنَّا وَ لَا تَحْرِمُوا أَنْفُسَكُمْ دُعَاءَنَا مَا قَدَرْتُمْ عَلَيْهِ فَإِنَّ إِخْرَاجَهُ مِفْتَاحُ رِزْقِكُمْ وَ تَمْحِصُ ذُنُوبِكُمْ وَ مَا تَمْهَدُونَ لِأَنْفُسِكُمْ لِيَوْمٍ فَاتِكُمْ...؛ هیچ مالی،

حلال نیست جز از راهی که خدا آنرا حلال کرده و خمس، موجب کمک ما بر دین ماست و عیال‌های ما و پیروان ما و آنچه می‌بخشیم و آبرویی که می‌خریم از کسانی که از قهر و زورش می‌ترسیم. پس آنرا از ما دریغ ندارید و تا می‌توانید خود را از دعای ما محروم نکنید، زیرا دادن خمس، کلید روزی شما و مایه پاک شدن گناهان شماست و چیزی است که برای روز بیچارگی خود آماده می‌کنید (مفید، ۱۳۴۱ق.ب: ۲۸۴؛ احمدی‌میانجی، ۱۳۹۶ق، ج ۵: ۱۴۰).

#### توجه به مال یتیم

یکی از راه‌های ابتلا به لقمه حرام، ورود مال یتیم به زندگی افراد است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ سَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا؛ کسانی که اموال یتیم را به ظلم و ستم می‌خورند، تنها آتش می‌خورند و به زودی در شعله‌های آتش دوزخ می‌سوزند» (نساء/۱۰). در جایی دیگر می‌فرماید: «وَأَتُوا الْيَتَامَى أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَبْدُلُوا الْخَيْثَ بِالْطَّيِّبِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَى أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا؛ و اموال یتیمان را [پس از بلوغ] به‌دست آنها بدهید و مال بد و نامرغوب [خود] را به خوب [آنها] تبدیل نکنید و اموال آنان را به ضمیمه مال خود مخورید که این گناهی بس بزرگ است» (همان: ۲).

### ۳. تأثیر کسب روزی حلال بر کاهش آسیب‌های اجتماعی<sup>۱</sup>

گسترش آسیب‌های اجتماعی<sup>۲</sup>، از جمله مسائل اجتماعی بوده که امروزه گریبان‌گیر بسیاری از جوامع کنونی است، به‌خصوص کشورهای جهان سوم که در حال گذر از دنیای سنتی به دنیای مدرن هستند. در کشور ما نیز با

۱. مطالب این قسمت از مقاله آقای کیامرث محمدی است.

توجه به عنصر اساسی سازمان‌دهنده نظام سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی که برگرفته از آموزه‌های دینی است و همچنین با توجه به ساختار بسیار جوان کشورمان در کنار مشکلات عدیده اقتصادی، آسیب‌های اجتماعی به‌طور عام و انحراف‌های اجتماعی به‌طور خاص از بغرنج‌ترین و پیچیده‌ترین مسائل اجتماعی مطرح شده و موجب جریحه‌دار شدن وجدان جمعی و نگرانی عمده اقشار جامعه در ابعاد مختلف شده است (وامقی و قهفرخی، ۱۳۸۸: ۸۹-۶۷). از جمله آثار مهم افزایش جمعیت کشور و همچنین عدم توجه به آموزه‌های دینی در سال‌های اخیر، گستردگی ابعاد آسیب‌های اجتماعی است و این مسائل به‌طور ویژه با توجه به ساختار جوان کشور در بین جوانان و نوجوانان، به‌صورت ناسازگاری‌های اجتماعی و استفاده از مواد مخدر یا توزیع آن به‌عنوان یک منبع درآمد بروز کرده و از طرف دیگر، وجود پدیده بیکاری و منابع درآمدی مناسب ضمن به بار آوردن اثرهای منفی و مخرب اقتصادی، رشد چشمگیر جرائم را باعث شده است (همان: ۲). کسب حلال، به‌نوعی از فعالیت اقتصادی گفته می‌شود که در چارچوب قوانین اسلامی و شرعی انجام می‌شود. مهم‌ترین خصوصیت آن، نفع خود انسان از لحاظ مادی و معنوی و از طرفی دیگر، رعایت حق مردم است. این سخن، گرچه به آسانی گفته می‌شود اما در مقام عمل بسیار سخت است تا جایی که در بعضی از روایت‌های ائمه طاهرين<sup>(ع)</sup> تلاش برای به‌دست آوردن روزی حلال از شمشیر زدن در میدان جنگ سخت‌تر شمرده شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۱۶۲).

بنا به دستور اسلام، انسان در کسب روزی آزاد نیست که دست به هر کاری بزند و راهی را در پیش گیرد که او را در معرض سقوط قرار دهد یا موجب فساد در جامعه شود. لذا، هر کاری که موجب سود شخصی اما ضرر و بدبختی برای شخص دیگر یا اجتماع بشری باشد و امنیت اقتصادی و سلامت فرد یا جامعه را به خطر بیندازد، جرم و گناه شمرده و بر آنها کیفر سخت در دنیا و عذاب دردناک در آخرت وعده داده شده است. اسلام در این زمینه، نه تنها خرید و فروش و استعمال مواد مخدر، مشروبات الکلی، ربا، احتکار نیازمندی‌های مردم، قمار، کم‌فروشی و... را شغل و منبع درآمد انسان نمی‌داند و راه کسب صحیح نمی‌شناسد بلکه تولید، واسطه شدن و... را نیز در این گونه امور تحریم کرده است. لذا، انسان در این راه، می‌بایست صبر و قناعت پیشه سازد و با تلاش و کوشش، آنچه را که خداوند برای او رزق و روزی مقرر فرموده به دست آورد (مطیعی اردکانی، ۱۳۸۷: ۱۲۳). در همین زمینه، خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ؛ هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست، مگر اینکه روزی او بر خداست. او قرارگاه و محل نقل و انتقالش را می‌داند. همه اینها در کتاب آشکاری ثبت است» (هود/۶).

آثار کسب روزی حلال

- رضایت خداوند

در آیات و روایت‌های بسیاری به این مطلب اشاره شده که بنده با شرایطی در نزد خداوند محبوب و گرامی است. یکی از این راه‌ها، طلب

روزی حلال است. حال چه بنده به این روزی دست پیدا کند و چه با تلاش‌های بسیار دست پیدا نکند در هر صورت در نزد خداوند محبوب و گرامی خواهد بود. امام صادق<sup>(ع)</sup> در این باره فرموده‌اند: بنده، آن زمان نزد خدا گرامی‌تر است که درصدد کسب درهمی حلال برآید و نتواند به آن دست یابد. حضرت محمد<sup>(ص)</sup> فرمودند: هر که روز را شب کند در حالی که از طلب حلال خسته باشد، شب را بگذراند در حالی که آمرزیده باشد و صبح کند در حالی که خدا از او راضی است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۹: ۵۴۲).

#### - زمینه‌ساز عبادت

یکی از ثمره‌های روزی حلال در انسان، این است که اعمال صالح او مورد قبول درگاه خداوند قرار می‌گیرد و همچنین سبب روشنایی و نورانیت دل و جان آدمی می‌شود، زیرا فردی که خود را موظف به کسب روزی حلال می‌داند، آن را یکی از واجبات می‌شمارد و در راه به‌دست آوردن آن تلاش و کوشش فراوان می‌کند، در اعمال دیگر خود نیز وسواس بیشتری به خرج می‌دهد. از این رو، هم اعمال او مورد درگاه خداوند قرار می‌گیرد و هم به سبب روزی حلال، خداوند دل و جانش را روشنایی می‌بخشد.

#### - امحاء فقر

یکی از راه‌های حلال کردن مال، پرداختن زکات، خمس و سایر حقوق مالی است که خداوند بر گردن انسان قرار داده است، پرداخت آنها موجب ریشه‌کن شدن فقر شده و در کاهش تقاضای تهیدستان بسیار مؤثر است. همچنان که امام صادق<sup>(ع)</sup> فرمودند: «مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَلْيَأْخُذْ مِنَ الْفَقْرِ جَلْبَابًا أَوْ تَجْفَافًا»

هر که ما اهل بیت را دوست دارد، باید در مقابل فقر جلاباب یا تجفافی بگیرد.» جلاباب، کنایه از ستر و پوشش نسبت به فقر است و تجفاف (وسیله حفظ در جنگ، مانند زره) کنایه از کسب پاکی است که فقر را دفع کند. امیرمؤمنان<sup>(ع)</sup> فرمودند:

خدای عزوجل به داود<sup>(ع)</sup> وحی فرستاد که تو بنده‌ای نیکو هستی اگر از بیت‌المال نمی‌خوردی و به دست خود کار می‌کردی و چیزی می‌ساختی. پس داود ۴۰ روز گریست و خداوند آهن را فرمود که برای داود نرم شود. داود هر روز یک زره می‌ساخت و هزار درهم می‌فروخت؛ پس ۳۶۰ زره ساخت و ۳۶۰ هزار درهم فروخت و از بیت‌المال بی‌نیاز شد (فراهانی فرد، ۱۳۷۸: ۱۲۶).

#### – افزایش روزی

برای زیاد شدن روزی، علل متعددی در قرآن و روایت‌ها مشاهده می‌کنیم که اجرای آن موجب افزایش روزی و رشد اخلاق و عواطف مردم در خانواده و جامعه است و گاهی بر اثر چشم‌پوشی از مال حرام، چندین برابر آن از حلال به او می‌رسد. امام صادق<sup>(ع)</sup> می‌فرمایند:

در قوم موسی<sup>(ع)</sup> مرد فقیری بود که همسرش اصرار می‌کرد به دنبال کسب و درآمدی برود تا زندگی بهتری داشته باشند (و او به هر طرف که روی می‌آورد، نتیجه‌ای نمی‌گرفت) تا اینکه روزی از روی اخلاص از خداوند متعال کمک خواست. در خواب دید که از او پرسیدند: آیا دو درهم حلال می‌خواهی یا ۲ هزار درهم حرام؟ گفت: دو درهم حلال مرا کفایت می‌کند. گفتند: در زیر سرت

دو درهم حلال قرار داده شده است. از خواب بیدار شد و آن را برداشت. با یک درهم آن ماهی خرید و به سوی منزل آمد. همسرش از کار او ناخرسند بود و از روی ملامت سوگند خورد که به آن دست نمی‌زند. مرد ماهی را آماده پختن کرد. ناگاه دو دانه «دُر» در شکم ماهی یافت و آنها را به ۴۰ هزار درهم فروخت (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۱۵ق، ج ۳: ۱۶۰).

- جهاد در راه خدا

امام رضا<sup>(ع)</sup> می‌فرمایند: کسی که از فضل خدا برای تأمین معاش خانواده‌اش بجوید، پاداش او از مجاهد در راه خدا بیشتر است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۸).

- صبر و قناعت

خداوند متعال برای تمام مخلوقات «روزی حلال» مقدر فرموده است. اگر انسان عجله نکند و قناعت و صبر پیشه سازد، تمام رزق مقدرش به او می‌رسد. کسانی که از کسب حرام پرهیز ندارند، خیال می‌کنند اگر از مال حرام صرف‌نظر کنند، کمبودی در معاششان پدید می‌آید و سخت محتاج و گرفتار می‌شوند. انسان از زمان تولد که پا به عرصه وجود می‌گذارد تا زمان مرگ با دو عنصر اختیار و تکلیف همراه است. او به عالمی آمده که عالم تضادهاست. از یک طرف، او به سمت خواهش‌های نفسانی و لذت‌های دنیوی کشانده می‌شود و از طرف دیگر، او مکلف است که راه سعادت و تکامل خویش را خود برگزیند و آن را طی کند و این راهی است مشحون از سختی‌ها و مسائل خلاف خواست و طبیعت او که می‌بایست به‌طور اختیاری

دست به انتخاب بزنند. او در این میدان، نیازمند نیروی مقاومت و ایستادگی و خودنگهداری در قبال چنین مسائلی است. این نیروی شگرف سعادت‌ساز همان «صبر» است که در سراسر زندگی بشر و در تمام عرصه‌ها برای رسیدن به کمال و سعادت ابدی، یار و مددکار اوست. انسان مؤمن و صابر واقعی از چیزهایی که بیشتر مردم از آنها می‌ترسند- مانند مرگ، فقر و بیماری و گرفتارهای روزگار- نمی‌ترسد و چون مصائب روزگار را آزمایش الهی می‌داند و معتقد است که باید در برابرشان صبر کند، دارای توانایی زیادی در تحمّل گرفتاری‌هاست. بی‌صبری، پیامدهای ناگواری در روند زندگی فرد برجای می‌گذارد و آسیب‌های جسمی، روحی و روانی برای فرد و چه‌بسا دیگران در پی خواهد داشت. بی‌صبری منجر به درماندگی و تشدید تنیدگی‌زایی یک مصیبت می‌شود؛ مثلاً در مرگ یک عزیز، سختی و مصیبت فقدان، از نظر روانی بزرگ‌تر جلوه می‌کند. امام علی<sup>(ع)</sup> می‌فرمایند: «بی‌تابی هنگام مصیبت، باعث شدت یافتن آن می‌شود و پایداری در برابر مصیبت، آن‌را از بین می‌برد.» به‌طور کلی، مهم‌ترین اثر صبر و بردباری، تأمین سلامت جسم و روح انسان است، زیرا صبر، انسان را از اقدام عجولانه و نامعقول باز می‌دارد و او را به تعقل و تأمل می‌کشاند و همین سبب می‌شود از بسیاری از اقدام‌های مضر جسمی و روحی، پیشگیری کند. صبر، انسان را نیرومند، قابل اعتماد و اتکا برای خویشتن و دیگران می‌سازد. صبر برای ایمان به‌منزله سر است نسبت به جسم. همان‌گونه که جسم بی‌سر، بقا و حیاتی نخواهد داشت، ایمان بی‌صبر نیز باقی نمی‌ماند (صفورایی پاریزی).

مال و سرمایه، همیشه مادی نیست و غنا و بی‌نیازی هم همیشه از طریق پول، سرمایه، اعتبار، سپرده و پس‌انداز به‌دست نمی‌آید. غنای برتر و ثروت ماندگارتر، قناعت است. چون ریشه در درون دارد و انسان بی‌طمع خود را غنی حس می‌کند. پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> می‌فرمایند: قناعت، ثروتی بی‌پایان است. همچنین امام علی<sup>(ع)</sup> در توصیف پیامبران الهی که اغلب از مال دنیا تهیدست بودند و زر و سیم و گنج و مال نداشتند تا افراد به‌خاطر مال و منال به آنان بگروند، می‌فرمایند: «گرچه آنان مال و منال فراوان نداشتند ولی قناعتی داشتند که دل‌ها و چشم‌ها را از نظر بی‌نیازی پر می‌کند» (سیدرضی، ۱۴۱۴ق، خطبه ۱۹۲). لذا، انسان باید به اندک بسنده کند و برای به‌دست آوردن مال و پول بیشتر، خود و دیگران را در معرض خطر قرار ندهد.

#### - کار و تلاش سازنده

یکی از مهم‌ترین بحران‌های اجتماعی که دولت‌ها و ملت‌ها را تهدید می‌کند و به بحران اساسی قرن حاضر تبدیل شده، مسئله بیکاری قشر عظیم جوانان جویای کار است. بنا به گفته بعضی از صاحب‌نظران، در آینده، خطر بیکاری به‌عنوان فاجعه‌ای بزرگ، جوامع را به اضمحلال و فروپاشی می‌کشاند. کار و تلاش، رمز اصلی بقا، سرزندگی، بهداشت، سلامت جسمی و روانی فرد و جامعه است. مردمی که با تکیه بر توانمندی‌ها و ذخایر خداداد ملی خویش، بر ضعف و فقر غلبه کرده‌اند، مایه خرسندی درونی، آرامش روحی، امنیت روانی، اجتماعی و اقتصادی و حتی امنیت سیاسی، نظامی و اقتدار ملی خویش شده‌اند. در مقابل، بیکاری، زمینه از دست دادن

همه این مواهب و بلکه گرفتار شدن در دام آسیب‌های متعدد روحی و روانی را، هم برای فرد و هم برای جامعه در پی دارد. از جمله پیامدهای شوم بیکاری، افسردگی، اضطراب و به‌دنبال آن، اعتیادهای خانمان‌سوز و تأخیر ازدواج و هزاران آسیب دیگری است که هر کدام داستان غم‌انگیزی دارد و متأسفانه آنچه امروزه کمتر مورد توجه عملی قرار می‌گیرد، مسئله کار و تلاش و اشتغال‌آفرینی برای نسل جوان - این ذخایر و پشتوانه‌های اصلی جامعه - است.

اگرچه نمی‌توان گفت امروز روحیه راحت‌طلبی بر بسیاری از افراد حاکم است اما می‌توان گفت بسیاری از افراد و به‌خصوص نسل جوان، از انجام کارهایی که مستلزم تلاش و سخت‌کوشی‌اند، کراحت دارند و طالب رفاه و راحتی با کم‌ترین زحمت هستند. پاسکال می‌گوید: «مصدر کلیه مفاسد فکری و اخلاقی، بیکاری است و هر کشوری که بخواهد این عیب بزرگ اجتماعی را رفع کند، باید مردم را به کار وادارد تا آرامش کلی در وجود افراد برقرار شود» (میلانی‌فر، ۱۹۹-۱۹۸). همان‌گونه که خداوند در قرآن فرموده است که مردم باید همواره برای کسب روزی تلاش کنند: «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ؛ او کسی است که زمین را تسلیم و خاضع در برابر شما قرار داد تا بر پشت آن راه بروید و از رزق آن استفاده کنید» (ملک/۱۵).

#### - حریت و آزادگی

تلاش برای کسب روزی حلال در کنار ایمان به آثار فراوان آن در زندگی چنان صفای معنوی به روح و جان انسان‌ها می‌بخشد که انسان را از

قید هرگونه وابستگی به دنیا و ظواهر فریبنده آن دور می‌سازد. امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> فرمودند: «إِنَّ الْعَبْدَ لِيُخْرِمَ نَفْسَهُ الرِّزْقَ الْحَلَالَ بِتَرْكِ الصَّبْرِ وَ لَا يُزِدَادُ عَلَى مَا قُدِّرَ لَهُ؛ جز این نیست که بنده به سبب صبر نکردن و شتاب‌زدگی، رزق حلال را بر خود حرام می‌کند؛ در حالی که بیش از آنچه مقدرش بوده، به دست نمی‌آورد» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۱۵ق، ج ۳: ۱۶۰).

### پیامدهای درآمد حرام

#### ۱. معنای لغوی و اصطلاحی واژه حرام

واژه حرام از ریشه «حرم» در مجموع ۸۳ بار با صور گوناگون و اشاره به موضوع‌ها و حوادث مختلف در قرآن کریم به کار رفته است. در معنای لغوی حرام گفته شده، حرام به معنای ممنوع و ضد حلال است و چیزی است که از آن منع شده باشد. ممنوع بودن از چیزی، یا به تکلیف و قدرت الهی است یا به تکلیف و قدرت بشری یا با منع قهری و اجباری است یا منع از جهت عقلی یا شرعی یا از ناحیه کسی است که فرمانش پذیرفته می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۲۲۹).

بدیهی است شکستن هر ممنوعیتی، تبعاتی به دنبال دارد. در حیطه اقتصادی نیز، عبور از محدوده حلال و ورود به عرصه حرام با پیامدهای منفی فراوانی همراه است. در این زمینه، با عناوینی چون «کسب و کار حرام»، «درآمد حرام» و «رزق و روزی حرام» روبرو هستیم.

در تفاوت آنها باید گفت، گاهی رزق، از همان ابتدا حرام است، زیرا یا از راه حرام به دست آمده مانند دزدی، ربا، قمار و... که همه آنها از نمونه‌های

«کسب حرام» هستند یا آمیخته و مخلوط به حرام شده است مانند، غش در معامله، کم‌فروشی، مالی که خمس و زکات آن پرداخته نشده و... که اینها از نمونه‌های «درآمد حرام» به حساب می‌آیند. در مورد اخیر، این مسئله بسیار روشن است، زیرا استفاده از مال حرام، منحصر به این نیست که حقوق دیگران را زیر پا گذاشته و از اموال غصبی مردم که از طریق غیرمشروع به دست آمده استفاده کنیم، بلکه برای حرام، مصادیق دیگری هم در شرع تعیین شده که یک مورد آن، استفاده از اموال و سرمایه‌هایی است که خمس و زکات آن پرداخت نشده باشد یعنی حق الهی از اموال شخصی انسان پرداخت شده است. همه فقها و علمای دینی بر اینکه استفاده از چنین سرمایه‌هایی حرام است و نماز با آن صحیح نیست، اتفاق نظر دارند.

اما زمانی هم، اصل مال یا همان درآمد، حلال است ولی در راه حرام مصرف می‌شود. مثلاً صرف خرید شراب می‌شود که در این صورت، به‌طور مستقیم مصداقی از «رزق حرام» است.

هر چند هر یک از این مفاهیم سه‌گانه تعریف خاص خود را دارند؛ اما از آنجا که دو مورد اول نیز به همان رزق حرام منتهی می‌شوند، در مطالعه پیامدهایشان آنها را یکسان در نظر می‌گیریم.

از طرفی می‌دانیم که درآمد، به منزله مبدأ هزینه و هزینه به مثابه پایانه درآمد است. بنابراین، پیامدهای حرام‌خواری به صورت غیرمستقیم پیامدهای کسب و درآمد حرام نیز است. لذا، لازم است پیامدهای حرام از مبدأ تا مقصد مورد توجه قرار گیرد.

این پیامدها بسته به انواع حرام، متفاوت هستند. برخی از روایت‌ها به جنبه مطلق و کلی حرام‌خواری اشاره دارند و برای آن پیامدهایی را ذکر می‌کنند و گروه دیگری از احادیث، به صورت موردی به یک حرام پرداخته و آثار منفی مصرف آن را گوشزد می‌کنند. پس شایسته است به هر یک از این دو، به طور مجزا و در جای خود پرداخته شود.

## ۲. پیامدهای مادی و معنوی

منظور از پیامدهای مادی و معنوی، آثار و نتایجی است که به صورت کلی و درباره همه انواع حرام، در آموزه‌های اسلامی به آنها اشاره شده است. باید دانست که حرام نه تنها در زندگی دنیوی که در آخرت نیز نتایج سنگین و گرانباری برای فرد به ارمغان می‌آورد. از سویی دیگر، آثار دنیوی حرام، به طور مشخص متوجه خود فرد نبوده و گاه فراتر از آن، یک اجتماع را درگیر و متأثر می‌سازد تا جایی که در مواردی اقتصاد جامعه را فلج می‌کند.

در جامعه اسلامی، ارزش و کرامت انسان پایه و اصل است و کلیه قوانین با توجه به این اصل تدوین می‌شود و روابط مالی و مبادله‌های اقتصادی همه بر محور این اندیشه دور می‌زند که سرمایه و سود در خدمت بشر قرار گیرد، زیرا آن دو برای رشد و تکامل مادی و معنوی انسان است، نه اینکه انسان برای آن دو بوده و در خدمت سود و سرمایه باشد (خلیلیان اشکدزی، ۱۳۹۰: ۹۱).

بر این اساس، رواج حرام‌خواری و بی‌توجهی به روزی حلال در هر دو بُعد مادی و معنوی مشکل‌آفرین است. چه بسا فرد از موقعیت مادی و معنوی مقبول و پسندیده‌ای برخوردار باشد که تحت تأثیر حرام از آن جایگاه تنزل کرده و

به پست‌ترین رتبه و جایگاه مادی و معنوی افول کند. از جنبه‌ای دیگر، این پدیده شوم، قابلیت دارد که می‌تواند زشتی‌های فراوانی برای فرد به‌بار آورد. در نتیجه، اثرهای سهمگین حرام نه‌تنها جنبه «سلبی» داشته و خیرات و فضائل بسیاری را از انسان سلب می‌کند که از جهات «ایجابی» آن نیز در احادیث و روایت‌ها غفلت نشده و به‌صورت جدی به مواردی که رهاورد حرام بوده پرداخته شده است.

#### کاهش روزی حلال

کسانی که از حرام پرهیز نمی‌کنند، تصورشان بر این است که صرف‌نظر کردن از مال حرام، آنها را دچار کسری روزی می‌کند در حالی که خداوند، رزق هر مخلوقی را ضمانت فرموده است و این رزق مقدر حتماً به او می‌رسد. با این حال، اگر انسان به اختیار خود از طریق حرام امرارمعاش کند، خودش را از روزی حلالی که خداوند مقدر فرموده محروم می‌سازد. عیاشی در تفسیر خود از اسماعیل بن کثیر در روایت مرفوعی<sup>۱</sup> از پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> این مطلب را نقل می‌کند:

هنگامی که آیه ۳۲ سوره مبارکه نساء «وَسْئَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ» نازل

شد، اصحاب رسول الله<sup>(ص)</sup> گفتند چه کسی حاضر است از ایشان

پرسد که منظور از «فضل» در این آیه چیست؟ علی بن ابیطالب<sup>(ع)</sup>

اعلام آمادگی کردند. رسول خدا<sup>(ص)</sup> فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ خَلْقَهُ وَقَسَمَ لَهُمْ أَرْزَاقَهُمْ مِنْ حَلَالِهَا وَعَرَضَ لَهُمُ بِالْحَرَامِ فَمَنْ

۱. حدیث مرفوع در اصطلاح، به حدیثی اطلاق می‌شود که نام یک یا چند نفر از راویان آن در وسط یا آخر سلسله سند ذکر نشده باشد؛ اما در انتهای سند، حدیث به معصوم انتساب یابد (مدیر شانه‌چی، ۱۳۸۵: ۸۸).

اَنْتَهَكَ حَرَامًا تَقْصَ لَهُ مِنَ الْحَلَالِ بِقَدْرِ مَا اَنْتَهَكَ مِنَ الْحَرَامِ وَ حُوسِبَ بِهِ؛  
 خدای تعالی خلقتش را آفرید و روزی‌هایشان را از راه حلال تقسیم  
 و حرام را به آنها عرضه کرد. پس هر که حرمت حرام را بشکند [و  
 روزیش را از حرام به دست آورد] به همان مقدار از روزی حلالش  
 کاسته می‌شود درحالی‌که حساب آن رزق حرام را باید در قیامت  
 پس دهد (۱۳۸۰ق، ج ۱: ۲۳۹).

برکت نداشتن مال حرام

پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

لَا يَكْتَسِبُ الْعَبْدُ مَالًا حَرَامًا فَيَتَصَدَّقَ مِنْهُ فَيُوجَرَ عَلَيْهِ وَلَا يُنْفِقُ مِنْهُ فَيُبَارِكَ اللَّهُ  
 لَهُ فِيهِ وَلَا يَتْرُكُهُ خَلْفَ ظَهْرِهِ إِلَّا كَانَ رَاذَةً [زاده] إِلَى النَّارِ؛ حرام، رشد و نمو  
 نمی‌کند و اگر ظاهراً زیاد شود، برای صاحبش مبارک نباشد که از  
 آن هر چه بخشش و انفاق کند، پاداش نگیرد و هر آنچه را پس  
 نهد، توشه دوزخش شود (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷ق: ۱۰۳).

پس هر چقدر هم از مال حرام، جمع‌آوری شود و فرد به خیال خود ثروتمند  
 باشد، روزی همه آنها به باد می‌رود و فانی و نابود می‌شود، همان‌طور که بادآورده  
 را باد می‌برد. محمدبن احمد از امام صادق (ع) نقل می‌کند که گروهی از اهل  
 خراسان خدمت آن جناب رسیدند. قبل از اینکه سؤال کنند، امام فرمودند: «مَنْ جَمَعَ  
 مَالًا مِنْ مَهاوِشِ أَذْهَبَهُ اللَّهُ فِي نَهَابٍ». خراسانیان عرض کردند: «جُعِلْنَا فِدَاكَ لَا نَفْهَمُ هَذَا الْكَلَامَ؛  
 آقا! ما نفهمیدیم چه فرمودید» (چون به زبان عربی آشنا نبودند)، امام به زبان ایرانی  
 فرمودند: «هر مال که از باد آید بدم شود (بادآورده را باد می‌برد)» (صفار،  
 ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۳۳۶-۳۳۷؛ طبرسی، ۱۳۹۰ق: ۲۷۶؛ ابن شهر آشوب مازندرانی،  
 ۱۳۷۹ق، ج ۴: ۲۱۸؛ بحرانی، ۱۴۱۳ق، ج ۶: ۹۳-۹۲).

امام علی<sup>(ع)</sup> نیز می‌فرمایند: «مَنْ اَكْتَسَبَ مَالًا مِنْ غَيْرِ حِلِّهِ يَصْرِفُهُ فِي غَيْرِ حَقِّهِ؛ هر کس مالی از راه غیر حلال به‌دست آورده، آن مال را در راه‌های حرام و بیهوده‌ای تباه می‌سازد و نفعی به او ندارد» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۴۵۸؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۶۴۵-۶۴۴).

سلطه و احاطه ساختمان و زمین بر فرد حرام‌خوار  
گاهی خداوند بر افرادی که کسب حرام دارند زمین و ساختمان را مسلط می‌کند. امام صادق<sup>(ع)</sup> در این مورد می‌فرمایند:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بَقَاعًا تُسَمَّى الْمُتَقَعَةُ فَإِذَا أُعْطِيَ اللَّهُ عَبْدًا مَالًا لَمْ يُخْرِجْ  
حَقَّ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْهُ سَلْطَ اللَّهِ عَلَيْهِ بُقْعَةً مِنْ تِلْكَ الْبَقَاعِ فَاتْلَفَ ذَلِكَ الْمَالَ فِيهَا ثُمَّ  
مَاتَ وَتَرَكَهَا؛ به راستی برای خداوند بقعه و ساختمان‌هایی است که  
انتقام‌گیرنده نامیده شده است. پس زمانی که خداوند به بنده‌ای مالی  
عطا کند و او حق خداوند را از آن مال نپردازد، خداوند یکی از آن  
بقعه‌ها را بر او مسلط می‌کند. پس مالش را در آن صرف می‌کند و  
می‌میرد و آن بقعه و ساختمان می‌ماند و نمی‌تواند با خود ببرد/و  
در نتیجه، سودی به حالش ندارد/ (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ج ۴: ۴۱۷).

#### فقر و تهیدستی

یکی دیگر از آثار کسب حرام، فقر و تهیدستی است، همچنان‌که رسول  
اکرم<sup>(ص)</sup> فرمودند: «مَنْ كَسَبَ مَالًا مِنْ غَيْرِ حِلِّهِ أَفْقَرَهُ اللَّهُ (عَزَّ وَجَلَّ)؛ هر کس از طریق  
ناروا و حرام مالی به‌دست آورد، خداوند تهیدست و فقیرش فرماید»  
(طوسی، ۱۴۱۴ق: ۱۸۲). منظور از فقر در اینجا، ممکن است فقر معنوی  
باشد یعنی در اثر کسب حرام، توفیق عمل صالح، عبادت و بندگی از انسان

سلب شود یا تأثیر اعمال از بین برود و ممکن است فقر مالی باشد یعنی در اثر کسب حرام، برکت از روزی برداشته می‌شود (گوهری، ۱۳۷۱: ۲۰۴)

عدم مقبولیت عبادت‌ها

عبادت فردی که زندگی خود را از طریق حرام می‌گذرانند، مقبول درگاه الهی واقع نمی‌شود. پیامبر اکرم (ص) در این زمینه، می‌فرمایند: «إِنَّ اللَّهَ مُلْكًا يُنَادِي عَلَى بَيْتِ الْمَقْدِسِ كُلِّ لَيْلَةٍ مَنْ أَكَلَ حَرَامًا لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْهُ صَرْفًا وَلَا عَدْلًا؛ خداوند فرشته‌ای دارد که هر شب بر فراز بیت المقدس ندا سر می‌دهد، هر کس حرامی مصرف کند، خداوند هیچ عمل واجب و مستحبی را از وی نمی‌پذیرد» (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷ق: ۱۵۳). در روایت دیگری، از حضرت علی (ع) روایت شده که در سخنی به کمیل فرمودند: «يَا كُمَيْلُ! فَانْظُرْ فِيمَا تُغْذِي قَلْبَكَ وَجِسْمَكَ فَإِنَّ لَمْ يَكُنْ ذَلِكَ حَلَالًا لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ تَسْبِيحَكَ وَلَا شُكْرَكَ؛ بنگر که قلب و جسمت از چه چیزی تغذیه می‌کند، چراکه اگر مالت حلال نباشد، خداوند تسبیح و شکر تو را قبول نمی‌کند» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۱۷۵).

امام صادق (ع) در این زمینه می‌فرمایند:

إِذَا اكْتَسَبَ الرَّجُلُ مَالًا مِنْ غَيْرِ حِلِّهِ ثُمَّ حَجَّ وَكَبَى نُودَى لَا كَبِيكَ وَلَا سَعْدِيكَ وَ  
إِنْ كَانَ مِنْ حِلِّهِ فَلَتَبَى نُودَى كَبِيكَ وَ سَعْدِيكَ؛ وقتی مردی، مالی را از راه  
غیر حلال کسب می‌کند و با آن مال به حج می‌رود، پس  
هنگامی که لبیک می‌گوید، خطاب می‌رسد: لا لبیک ولا سعدیک. کنایه  
از اینکه خداوند او را نپذیرفته است و اگر از راه حلال کسب مال  
کرده، پس هنگامی که لبیک می‌گوید پاسخ داده می‌شود: لبیک و  
سعدیک (طوسی، ۱۴۰۷ق: ج ۶: ۳۶۸).

در روایت دیگری نزدیک به همین مضمون از رسول خدا (ص) وارد شده است که فرمودند:

مَنْ اكْتَسَبَ مَالًا حَرَامًا لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْهُ صَدَقَةً وَلَا عِتْقًا وَلَا حَجًّا وَلَا اِغْتِمَارًا وَكَتَبَ اللَّهُ جَلًّا وَعَزًّا بَعْدَ اَجْرِ ذَلِكَ اَوْزَارًا وَمَا بَقِيَ مِنْهُ بَعْدَ مَوْتِهِ كَانَ زَادَهُ إِلَى النَّارِ وَمَنْ قَدَرَ عَلَيْهَا فَتَرَكَهَا مَخَافَةَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ دَخَلَ فِي مَحَبَّةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَرَحْمَتِهِ وَيُؤْمَرُ بِهِ إِلَى الْجَنَّةِ؛ کسی که کسبش حرام است خداوند هیچ کار خیری را از او نمی‌پذیرد، چه آن کار صدقه باشد چه آزاد کردن بنده، حج باشد یا عمره و خداوند متعال به عوض پاداش این کارها، گناه برای او ثبت می‌کند و آنچه پس از مرگش باقی می‌ماند توشه دوزخ او خواهد بود و هر که قدرت کسب حرام را داشته باشد ولی از بیم خدای عزوجل آن را ترک کند در محبت و رحمت خداوند وارد شده و دستور داده می‌شود که به سمت بهشت هدایت شود (ابن بابویه، ۱۴۰۶ق: ۲۸۳).

بازماندن از تعالی معنوی

یکی دیگر از پیامدهای حرام‌خواری که عرفا مکرر به آن اشاره کرده‌اند این است که غذای حرام، مانع رسیدن به فیوضات الهی می‌شود. مرحوم کراچکی از علمای به‌نام شیعه در قرن پنجم در بحث اجتناب از حرام می‌نویسد، از مال حرام اجتناب کن که آن اشد انواع مهلکات و اعظم موانع وصول به سعادت‌ها است و اکثر مردمی که از فیوضات محروم ماندند به واسطه آن شد (کراچکی، ۱۳۹۴ق: ۱۲۲).

نظام اقتصاد اسلامی، نگرشی جامع به جنبه‌های مادی و معنوی و همه ابعاد فردی، اجتماعی، دنیایی و آخرتی دارد و درصدد پاسخگویی به انواع خواسته‌های عقلانی و عاطفی اوست (خلیلیان‌اشکدزی، ۱۳۹۰: ۹۱-۹۰).

حرام‌خواری، از بدترین عوامل نابودکننده انسان، از بزرگ‌ترین موانع توفیق و حجاب‌های بین انسان و خدای متعال است که دل را تیره و تار و از عالم انوار و انس با خدای متعال محروم می‌کند. بیشتر افرادی که از فیوضات الهی محروم شده‌اند به علت حرام‌خواری بوده است، چراکه با حرام‌خواری هرگز نمی‌توان به صفای درون و تهذیب نفس دست یافت (نراقی، ۱۳۷۸: ۳۳۲-۳۳۰).

آیت‌الله مظاهری ضمن اشاره به این مطلب مهم می‌نویسد:

کسی که غذای حرام می‌خورد نه تنها توفیق سیر و سلوک و عروج به مقامات عرفانی پیدا نمی‌کند، بلکه ممکن است در اعتقادات خود سست و بی‌دین شود. لقمه حرام، اثرهای سوء فراوان و آفات بی‌شماری به همراه دارد که از آن جمله می‌توان به تجمل‌گرایی اشاره کرد. بسیاری از مردم به زندگی تجملی مبتلا شده‌اند و با این خودخواهی که دارند، انتظار استعجاب دعا هم دارند. دعای آنان در اثر مال‌اندوزی حرام و خودگرایی مستجاب نمی‌شود و بدبختی بدتر این است که خداوند متعال را در گرفتاری‌ها و مستجاب نشدن دعای خود مقصر می‌دانند (۱۳۷۸: ۱۳۳-۱۳۲).

محروم شدن از دوستی اهل بیت<sup>(ع)</sup> و دوری از آنها

دوستی و محبت اهل بیت<sup>(ع)</sup> دارای آثار و برکت‌های فراوانی است و برای بهره‌مند شدن از آن، لازم است که اوامر و نواهی آنها را اطاعت کنیم، چراکه محبت و دوستی، تنها علاقه‌ای قلبی نیست بلکه باید آثار آن در عمل انسان منعکس باشد.

یکی از گناهانی که با روح محبت سازگاری ندارد، لقمه حرام است که

آثار و پیامدهای ناگواری برای آن ذکر شده است و از جمله آثار و پیامدهای آن حدیثی است از امیرالمومنین<sup>(ع)</sup> که فرمودند: «لَيْسَ بَوْلِي لِي مَنْ أَكَلَ مَالَ مُؤْمِنٍ حَرَامًا؛ کسی که به حرام مال مؤمنی را بخورد هرگز دوستدار من نیست» (طبرسی، ۱۳۸۵ق: ۱۵۴؛ ورام بن ابی فراس، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۱۶).

#### محرومیت از استجابت دعا

در حدیثی قدسی آمده است که خداوند متعال می‌فرماید: «فَمِنْكَ الدُّعَاءُ وَ عَلَى الْإِجَابَةِ فَلَا تَحْجُبْ عَنِّي دَعْوَةً إِلَّا دَعْوَةَ أَكَلِ الْحَرَامِ؛ بنده من! تو دعا کن، من اجابت می‌کنم. بدان که تمام دعاها به پیشگاه اجابت من می‌رسد؛ مگر دعای کسی که مال حرام می‌خورد» (ابن‌فهد حلی، ۱۴۰۷ق: ۱۳۹).

شخصی به محضر رسول خدا<sup>(ص)</sup> شرفیاب شد. به آن حضرت عرض کرد دوست دارم دعایم مستجاب شود؛ چه کنم؟ ایشان فرمودند: «طَهِّرْ مَا أَكَلَكَ وَلَا تُدْخِلْ بَطْنَكَ الْحَرَامَ؛ لقمه‌ات را پاک کن [تا مبدا به حرامی آلوده باشد] و مراقب باش هیچ نوع حرامی را مصرف نکنی» (همان). در حدیث دیگری از ایشان نقل شده است که «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُسْتَجَابَ دَعْوَتُهُ فَلْيُطَيِّبْ مَكْسَبَهُ؛ کسی که از مستجاب شدن دعایش مسرور می‌شود، کار و کسبش را پاک کند» (ابن‌اشعث، بی‌تا: ۲۲۴).

#### فساد نسل

نقش اصلی پدر خانواده در تربیت فرزند این است که تغذیه مناسبی برای خانواده‌اش تأمین کند. پدر باید دقت کند که فرزندش چه لقمه‌ای از چه مالی می‌خورد، چراکه لقمه، تأثیر بسیاری بر روح و شخصیت فرزند

دارد. لقمه حرام، چنان در جان و روان طفل اثر می‌گذارد که نمی‌تواند به آسانی از افاضات نورانی حق تعالی کسب نور کند و به سعادت اخروی راه یابد (مطیعی اردکانی، ۱۳۸۷: ۱۲۶)

امام صادق<sup>(ع)</sup> می‌فرمایند: «كَسْبُ الْحَرَامِ يَبِينُ فِي الذَّرِيَّةِ؛ آثار سوء درآمد حرام در نسل و ذریه انسان آشکار می‌شود.» پدر و مادر با تغذیه حرام، برای تربیت فرزند، مانع درست می‌کنند. بدین لحاظ رسول گرامی اسلام<sup>(ص)</sup> تأمین روزی حلال و پاکیزه را از جمله حقوق فرزند بر پدر شمرده و می‌فرمایند: «حق الولد علی والده... و أن لا يرزقه إلا طيباً» (متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶: ۴۴۲).

امام رضا<sup>(ع)</sup> نیز می‌فرمایند:

وَإِنَّا فَعَلْنَا لِلنَّاسِ هَذِهِ الْأَشْيَاءَ [المنهيات] وَارْتَكَبَ كُلُّ إِنْسَانٍ مِمَّا يَشْتَهِي... فِي ذَلِكَ خَرَابُ الدُّنْيَا وَهَلَاكُ الْخَلْقِ وَفَسَادُ الْحَرْثِ وَالنَّسْلِ؛ زمانی که مردم به کارهای ممنوع دست بزنند و هرکس هر چه خواست انجام دهد... در آن، خرابی دنیا است و خلق همه هلاک می‌شوند و زمین‌ها و نسل‌ها به فساد و تباهی کشیده می‌شوند (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۹۹).

ابتلا به شقاوت اخروی

هر انسانی با اعمال، رفتار و طریقه زندگی خود، راه سعادت و شقاوت را برمی‌گزیند. کسب درآمد حرام، هیچ خیری ندارد که صاحبش را سعادت‌مند کند؛ لذا، او را شقی و بدبخت می‌کند. پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> فرموده‌اند: «مَنْ اكْتَسَبَ مَالًا مِنْ غَيْرِ حِلِّهِ كَانَ رَادًّا إِلَى النَّارِ؛ کسی که مالی را از راه غیر حلال به دست آورد، آن مال توشه و مرکب او به طرف جهنم خواهد بود» (مفید، ۱۴۱۳ق: ۲۴۹).

احادیث وارده نشان می‌دهد که یکی از پیامدهای کسب حرام، جهنمی شدن

فرد است. در طول تاریخ هم می‌بینیم که افراد حرام‌خوار چگونه بدبخت شده‌اند؛ بهترین نمونه آن‌را در سخن اباعبدالله الحسین<sup>(ع)</sup> خطاب به لشکریان عمر سعد می‌توان یافت که به آنها فرمودند: «وای بر شما، شما را چه شده است که حتی حاضر به شنیدن سخنان من هم نیستید؟!» تا آنجا که خطاب به آنان می‌فرمایند: «فقد ملئت بطونکم من الحرام؛ اما به‌خاطر این به جنگ با من آمدید که شکم‌های شما از حرام پر شده است» (بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۷: ۲۵۲).

یکی از مواردی که برای پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> در معراج روشن شد، ملکوت اشیاء بود. یعنی باطن آنچه اکنون ظاهر است. خدای عالم در معراج، ملکوت امت‌هایی را به پیامبرش نشان داد، از جمله: رباخواران و مال حرام‌خواران. حضرت می‌فرمایند: «دیدم جماعتی که خوراک لذیذی یک طرفشان بود و خوراک متعفن طرف دیگرشان، اما آن گروه از خوراک متعفن خوردند و لذیذ را کنار گذاشتند! سؤال کردم، گفتند: اینها مردمی هستند که حلال را رها کرده و از حرام می‌خورند» (دستغیب، ۱۳۷۸: ۵۰).

#### حبط و ابطال اعمال

عمل صالح در مبانی اسلام، بهترین نوع تجارت و عاملی سودمند برای کسب ثواب و حسنات است و در هر تجارتی، حفظ سرمایه و کسب منفعت از اصول اولیه آن محسوب می‌شود. بنابراین، آنچه از نظر اسلام و از نظر عقلی دارای اهمیت و تأکید بیشتری است، حفظ و نگهداری حسنات است (پورقاسم میانجی، ۱۳۸۹: ۲۵۸).

از حدیقه نقل است که رسول خدا<sup>(ص)</sup> فرمودند:

أَنَّ قَوْمًا يَجِيئُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَهُمْ مِنَ الْحَسَنَاتِ أَمْثَالُ الْجِبَالِ فَيَجْعَلُهَا اللَّهُ هَبَاءً مَنُورًا ثُمَّ يُؤْمَرُ بِهِمُ إِلَى النَّارِ فَقَالَ سَلْمَانُ صِفْهُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ أَمَّا إِنْهُمْ قَدْ كَانُوا يَصُومُونَ وَيُصَلُّونَ وَيَأْخُذُونَ أَهْبَةَ مِنَ اللَّيْلِ وَلَكِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا عُرِضَ لَهُمْ نَسِيءٌ مِنَ الْحَرَامِ وَتَبَوَّأُوا عَلَيْهِ؛ در قیامت افرادی را می‌آورند که به اندازه کوه‌ها عمل به همراه دارند؛ ولی خداوند همه اعمالشان را باطل اعلام می‌کند و آنها را به دوزخ می‌فرستد. سلمان پرسید، صفاتشان چیست؟ فرمودند: ایشان روزه می‌گیرند، نماز می‌خوانند و مقداری از شب را هم برای عبادت بیدارند؛ اما چون حرامی به آنها عرضه می‌شود از خوردنش ابایی ندارند (دیلمی، ۱۴۱۲ق: ج ۱: ۱۹۱).

در روایت دیگری از ایشان نقل شده است: «الْعِبَادَةُ مَعَ أَكْلِ الْحَرَامِ كَالْبِنَاءِ عَلَى الرُّمْلِ؛ عبادت و بندگی با حرام‌خواری، مانند بنایی در ریگزار شن است» (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷ق: ۱۵۳). اگر کسی بر روی خاک نرم یا شن و ماسه ساختمان بسازد چنین ساختمانی نه تنها به پایان نمی‌رسد و سودی نخواهد داشت بلکه بودجه و مصالح آن نیز به هدر می‌رود. به تعبیر دیگر، مال مردم خوردن و نماز خواندن، دزدی کردن و کم‌فروشی و حج رفتن، چون نقشی بر روی یخ در زیر آفتاب است.

محرومیت از شفاعت رسول خدا<sup>(ص)</sup> در قیامت

حضرت علی<sup>(ع)</sup> بنابر نقل امام زین‌العابدین<sup>(ع)</sup> در بخشی از وصیت‌نامه خویش به امام مجتبی<sup>(ع)</sup> می‌فرماید:

وَلَا يَرِدُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ<sup>(ص)</sup> مَنْ أَكَلَ مَالًا حَرَامًا لَا وَاللَّهِ لَا وَاللَّهِ لَا وَاللَّهِ لَا يَشْرَبُ مِنْ حَوْضِهِ وَلَا تَنَالُهُ شَفَاعَتُهُ؛ هر که مال حرامی بخورد به خدا سوگند، به خدا سوگند، به خدا سوگند، بر رسول خدا<sup>(ص)</sup> وارد نمی‌شود، از حوض رسول الله<sup>(ص)</sup> نمی‌نوشد و به خدا قسم، از

شفاعتش بهره‌مند نمی‌شود (ابن حیون، ۱۳۸۵ق، ج ۲: ۳۵۱).

ابتلا به حسرت روز قیامت

حسرت به معنای اندوه و غم بر چیزهایی است که از دست رفته و پشیمانی به‌بار آورده است. روز قیامت را از آن‌رو «یوم الحسرة» نامیده‌اند که روز آشکار شدن حقایق امور است و انسان در آن وقت، انگشت حسرت به دندان می‌گیرد که چرا در اثر غفلت و گناه، خودش را از سعادت ابدی محروم کرده است. این حسرت و پشیمانی با هیچ مقیاسی قابل اندازه‌گیری نیست و این در حالی است که اموالی در راه حرام به‌دست آورده و آن‌را برای وارثان به ارث گذاشته‌اند و ورثه، آن مال و ثروت را در راه اطاعت خداوند سبجان خرج کرده و به‌خاطر آن داخل بهشت شده‌اند؛ اما خود آنها گرفتار مکافات و عذاب الهی شده‌اند. در همین رابطه، از امیرالمومنین<sup>(ع)</sup> نقل شده است که فرمودند:

إِنَّ أَكْظَمَ النَّاسِ حَسْرَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَجُلٌ أَكْتَسَبَ مَالًا مِنْ غَيْرِ طَاعَةِ اللَّهِ فَوَرَّثَهُ  
رَجُلًا اتَّفَقَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ فَدَخَلَ بِهِ الْجَنَّةَ وَدَخَلَ الْأَوَّلُ النَّارَ؛ به راستی در روز  
قیامت، بزرگ‌ترین حسرت و دریغ برای مردمی است که مال و  
دارایی خود را در غیر طاعت و فرمان خدا به‌دست آورده و دیگری  
آن‌را به ارث برده است و در طاعت و فرمان خدا انفاق کرده و  
به‌خاطر آن داخل بهشت شده و مرد نخستین به‌سبب همان، وارد  
دوزخ شده است (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۱۵۷).

خروج از جرگه پرهیزگاران و محرومیت از ورود به بهشت

یکی دیگر از آثار و پیامدهای لقمه حرام، محروم شدن از بهشت است. رسول خدا<sup>(ص)</sup> می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ الْجَنَّةَ أَنْ يَدْخُلَهَا جَسَدٌ غُذِيَ بِحَرَامٍ؛ همانا

خداوند، ورود بدنی را که از حرام تغذیه کرده به بهشت ممنوع کرده است» (ورام بن ابی فراس، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۶۱)، چراکه بهشت، خانه و جایگاه پاکان است تا زمانی که انسان، آلوده به گناه باشد، وارد بهشت نمی‌شود. در قرآن کریم می‌خوانیم: «وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ غُرُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ؛ و شتاب کنید برای رسیدن به آمرزش پروردگارتان و بهشتی که وسعت آن، آسمان‌ها و زمین است و برای پرهیزگاران آماده شده است» (آل عمران/۱۳۳). در

حدیث دیگری از رسول اکرم (ص) آمده است که خطاب به ابوذر فرموده‌اند:

يَا أَبَا ذَرٍّ لَا يَكُونُ الرَّجُلُ مِنَ الْمُتَّقِينَ حَتَّىٰ يُحَاسِبَ نَفْسَهُ أَتَشَدُّ مِنْ مُحَاسَبَةِ الشَّرِيكِ شَرِيكَهٖ فَيَعْلَمُ مِنْ أَيْنَ مَطْعَمُهُ وَ مِنْ أَيْنَ مَشْرَبُهُ وَ مِنْ أَيْنَ مَلْبَسُهُ أَمِنْ حِلِّ أَمٍ مِنْ حَرَامٍ؛ ای ابوذر، فرد، از زمره پرهیزگاران نیست تا اینکه به گونه‌ای شدیدتر از حسابرسی یک فرد از شریکش از خود حسابرسی کند. پس بداند که خوردنی، آشامیدنی و لباسش از کجاست. آیا از راه حلال به دست آمده است یا از راه حرام؟ (ورام بن ابی فراس، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۶۲).

بنابراین، کسی که از «متقین» نباشد به جایگاه «متقین» نیز راهی نخواهد داشت.

لعنت فرشتگان، غضب الهی و آتش جهنم

یکی از پیامدهای مال حرام این است که عذاب الهی را در پی دارد.

رسول خدا (ص) در این زمینه فرمودند:

إِذَا وَقَعَتِ اللَّقْمَةُ مِنْ حَرَامٍ فِي جَوْفِ الْعَبْدِ لَعَنَهُ كُلُّ مَلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ مَا دَامَتْ تِلْكَ اللَّقْمَةُ فِي جَوْفِهِ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَ مَنْ أَكَلَ اللَّقْمَةَ مِنَ الْحَرَامِ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ فَإِنْ تَابَ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ فَإِنْ مَاتَ فَالْنَّارُ أَوْلَىٰ بِهِ؛ هرگاه لقمه‌ای حرام در شکم بنده‌ای از بندگان خدا قرار گیرد، تمام فرشتگان

زمین و آسمان، او را لعنت می‌کنند و مادامی‌که آن لقمه در شکم اوست خداوند به او نظر نمی‌کند و کسی‌که لقمه حرامی بخورد به غضب خداوند گرفتار می‌شود. پس اگر توبه کرد، خداوند توبه‌اش را می‌پذیرد و اگر از دنیا برود، آتش جهنم سزاوار اوست» (فتال‌نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۲: ۴۵۷؛ طبرسی، ۱۴۱۲ق: ۱۵۰).

ایشان در حدیث دیگری برای توجه به اهمیت راه‌های کسب درآمد، هشدار می‌دهند که خداوند عزوجل می‌فرماید: «مَنْ لَمْ يُبَالِ مِنْ أَيِّ بَابٍ اكْتَسَبَ الدِّينَارَ وَ الدَّرْهَمَ لَمْ يُبَالِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ أَيِّ أَبْوَابِ النَّارِ أُدْخِلَتْهُ؛ هر کس برایش مهم نباشد که از چه راهی کسب درآمد می‌کند، من هم برایم مهم نیست که او را از چه دری به داخل جهنم کنم» (مفید، ۱۴۱۳ق: ۲۴۹).

در اهمیت مال مردم و دوری از حرام‌خواری همین بس که در روز قیامت، عذاب حرام‌خوار افزون‌تر و بیشتر از همه عذاب‌شدگان است. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «أَرْبَعَةٌ يَزِيدُ عَذَابُهُمْ عَلَى عَذَابِ أَهْلِ النَّارِ رَجُلٌ مَاتَ وَ فِي عُنُقِهِ أَمْوَالٌ فَيَكُونُ فِي تَابُوتٍ مِنْ جَمْرِ الْخَبَرِ؛ چهار گروه هستند که عذابشان بیشتر از سایر جهنمیان است. یکی از آنها، کسی است که بمیرد در حالی که اموال مردم بر دوش او باشد گویی در تابوتی از گلوله‌های آتشین است» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۷: ۸۹).

### ۳. پیامدهای اختصاصی و مصداقی

آنچه در پیامدهای اختصاصی مدنظر بوده، مواردی است که به دنبال یکی از انواع حرام‌گریبانگیر فرد می‌شود. می‌دانیم که ورود حرام به زندگی انسان به شکل‌های مختلفی صورت می‌گیرد و علاوه بر پیامدهایی که به‌طور کلی

بر انواع حرام مترتب است، هر شکل آن نیز منتج به نتایجی بوده که منحصر به همان حرام است.

همچنان‌که در روایتی از امام باقر<sup>(ع)</sup> برای چهار مورد از مجاری حرام، آثار مشخصی برشمرده شده‌اند:

مَنْ أَصَابَ مَالًا مِنْ أَرْبَعٍ لَمْ يُقْبَلْ مِنْهُ فِي أَرْبَعٍ مَنْ أَصَابَ مَالًا مِنْ غُلُولٍ أَوْ رِبَا أَوْ خِيَانَةٍ أَوْ سَرَقَةٍ لَمْ يُقْبَلْ مِنْهُ فِي زَكَاةٍ وَلَا فِي صَدَقَةٍ وَلَا فِي حَجٍّ وَلَا فِي عُمْرَةٍ؛ هر که مالی را از چهار راه به دست آورد در چهار چیز از او قبول نیست! هر که از اختلاس، ربا، خیانت در امانت و دزدی، مال به دست آورد، در ادای زکات و نه در صدقه و نه حج و نه عمره پذیرفته نیست. بنابراین، هیچ‌کدام از اعمال عبادی فردی که در آمدش از راه حرام باشد، مقبول پروردگار نیست (ابن بابویه، ۱۳۷۶ ش: ۴۴۲).

از این رو، چند نمونه از مصادیق حرام را گزینش کرده و آثار و عواقب خطرناک آن را بررسی می‌کنیم.

خوردن مردار، خون و شراب

اعمال فوق آثار متعددی دارند از جمله:

- انقطاع نسل، قساوت قلب، بیماری‌های جسمی و...؛

از امام صادق و امام رضا<sup>(ع)</sup> درباره علت تحریم برخی از خوردنی‌ها نقل شده است:

أَمَّا الْمَيْتَةُ فَلَا يَدْخُلُهَا أَحَدٌ إِلَّا ضَعُفَ بَدَنُهُ وَنَحَلَ جِسْمُهُ وَذَهَبَتْ قُوَّتُهُ وَانْقَطَعَ نَسْلُهُ وَلَا يَمُوتُ أَكَلُ الْمَيْتَةِ إِلَّا فُجَاءَةً وَأَمَّا الدَّمُ فَإِنَّهُ يُورِثُ أَكْلُهُ الْمَاءَ الْأَصْفَرَ وَيُبْخِرُ الْفَمَ وَيُسِيءُ الْخُلُقَ وَيُورِثُ الْكَلْفَ وَالْقَسْوَةَ لِلْقَلْبِ وَقِلَّةَ الرَّافَةِ وَالرَّحْمَةَ حَتَّى لَا يُؤْمِنَنَّ أَنْ يُقْتَلَ وَلَدَهُ وَالِدَيْهِ وَلَا يُؤْمِنَنَّ عَلَى حَمِيمِهِ وَلَا يُؤْمِنَنَّ عَلَى مَنْ يَصْحَبُهُ وَ...

أَمَّا الْخَمْرُ... وَقَالَ مُدْمِنُ الْخَمْرِ يُورِثُ الْإِرْتِعَاشَ وَ يَذْهَبُ بُنُورُهُ وَ يَهْدِمُ مُرُوءَتَهُ؛ اما «مردار»، کسی به خوردنش ادامه نمی‌دهد مگر آنکه بدنش ضعیف و جسمش بیمار و لاغر می‌شود، توانش را از دست می‌دهد، نسلش منقطع می‌شود و خورنده آن نمی‌میرد مگر به صورت ناگهانی. اما «خون»، خورنده آن مبتلا به ماءالاصفر می‌شود [یعنی خلط صفراوی]، دهانش بدبو و خلطش بد شده، رنگ چهره‌اش سرخ و تیره و دچار قساوت قلب، قلت رأفت و رحمت می‌شود به حدی که خورنده خون از اینکه فرزند، پدر و مصاحب خود را بکشد، ایمن نیست. اما «شراب»، خداوند آن را حرام کرد و فرموده: تداوم در خوردن شراب فرد را گرفتار ارتعاش کرده، نورش را برده و جوانمردی‌اش را نابود می‌کند (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۲: ۳۳۵-۳۳۴).

- محرومیت شراب‌خوار از ولایت اهل بیت<sup>(ع)</sup>

امام رضا<sup>(ع)</sup> می‌فرماید: «كُلُّ شَرَابٍ مُسْكِرٍ فَإِنَّهُ لَا عِصْمَةَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ شَارِبِيهَا؛ پس هر کس به خدا و قیامت ایمان دارد، ولایت ما خاندان نبوت را داراست و دوستی ما را ادعا می‌کند باید از هر نوع مست‌کننده‌ای بپرهیزد. زیرا میان ما و شراب‌خوار هیچ‌گونه رابطه‌ای برقرار نیست» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق: ۹۹/۲) [یعنی شراب‌خوار امیدوار به ولایت و دوستی ما نباشد که در دنیا از آن بهره‌مند بوده و در آخرت نجاتش بدهد. چون از شفاعت ما محروم است].

- سستی اعتقادات و فسادانگیزی

محمدبن سنان از امام رضا<sup>(ع)</sup> روایت کرده است:

حَرَّمَ اللَّهُ الْخَمْرَ لِمَا فِيهَا مِنَ الْفَسَادِ وَ مِنْ تَغْيِيرِهَا عُقُولَ شَارِبِيهَا وَ حَمْلِهَا إِيَّاهُمْ عَلَى إِنْكَارِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الْفِرْيَةِ عَلَيْهِ. وَ عَلَى رُسُلِهِ وَ سَائِرِ مَا يَكُونُ مِنْهُمْ مِنَ الْفَسَادِ

وَالْقَتْلَ وَالْفُضْوَ وَالزَّانَا وَوَقْلَةَ الْإِحْتِجَازِ مِنْ شَيْءٍ مِنَ الْحَرَامِ...؛ خداوند، شراب را به علت فسادی که در آن است، حرام کرد. فکر و اندیشه شراب را دگرگون می‌سازد، او را به انکار خدای عزوجل وادار می‌کند و به افترا بستن بر خدا و پیغمبران او می‌انجامد و دیگر فسادهایی که در آن است از قبیل: قتل، تهمت و ناسزاگویی، زنا و کاهش امتناع از هر حرام دیگری... (همان: ۹۸).

#### غضب

غضب یعنی تصرف در چیزی از روی ظلم بدون اینکه حقی در آن داشته باشد. این معنا بر مفاهیمی همچون گرفتن چیزی از روی اجبار یا ظلم قابل صدق است (مصطفوی، ۱۳۶۸ش: ۷/ ۲۲۹) و یکی از گناهانی است که خشم و غضب الهی را به همراه دارد. پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند:

مَنْ اقْتَطَعَ مَالَ مُؤْمِنٍ غَضَبًا بَغَيْرِ حَقِّهِ لَمْ يَزَلِ اللَّهُ مُعْرِضًا عَنْهُ مَا قَبِلَ الْأَعْمَالِ الْتَبِي يَعْمَلُهَا مِنَ الْبِرِّ وَالْخَيْرِ لَا تُثَبِّتُهَا فِي حَسَنَاتِهِ حَتَّى يُتُوبَ وَيُرَدَّ الْمَالُ الَّذِي أَخَذَهُ إِلَى صَاحِبِهِ؛ هر کس مال مؤمنی را غضب کند، خداوند از او روی برمی‌تابد، حتی از اعمالش اظهار تنفر می‌کند و به کارهایش پاداش نمی‌دهد تا اینکه آنچه را غضب کرده به صاحبش برگرداند (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵ق، ج ۱: ۳۶۴؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶: ۵۳).

#### خوردن مال یتیم

یکی دیگر از دروازه‌های ورود به حرام، خوردن مال یتیم است. از نگاه اسلامی، این مسئله به قدری زشت و ناپسند است که در آیات چندی از قرآن کریم به مذمت آن پرداخته شده است. مثلاً خدای متعالی در آیه دوم سوره نساء از آن به عنوان گناهی بزرگ یاد کرده و می‌فرماید: «وَأَتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَبَدَّلُوا

الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَى أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا؛ و اموال یتیمان را به آنان [باز] دهید، [مال] پاک و [مرغوب آنان] را با [مال] ناپاک [خود] عوض نکنید و اموال آنان را همراه با اموال خود مخورید که این، گناهی بزرگ است» (نساء/۲).

امام صادق<sup>(ع)</sup> نیز در این زمینه فرموده‌اند: «شَرُّ الْمَآكِلِ أَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ ظُلْمًا؛ بدترین خوردنی‌ها، خوردن مال یتیم از روی ظلم است» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ج ۴: ۳۷۷).

برخی از پیامدهای خوردن مال یتیم عبارت‌اند از:

- مقابله به مثل خداوند با فرزندان مال یتیم‌خوار

عیاشی در تفسیر خود از امام رضا یا امام صادق<sup>(ع)</sup> نقل می‌کند:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ وَعَدَ فِي مَالِ الْيَتِيمِ عُقُوبَتَيْنِ أَمَّا أَحَدُهُمَا فَعُقُوبَةُ الْآخِرَةِ النَّارُ وَأَمَّا عُقُوبَةُ الدُّنْيَا فَهُوَ قَوْلُهُ عَزَّوَجَلَّ - وَلَيُخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكُوا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَةً ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَلْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا يَعْنِي بِذَلِكَ لَيُخْشَ أَنْ أَخْلَفَهُ فِي ذُرِّيَّتِهِ كَمَا صَنَعَ هُوَ بِهَؤُلَاءِ الْيَتَامَى؛ خدای عزوجل در مورد مال یتیم دو عقوبت را وعده داده است: یکی، در آخرت که همان آتش است و دیگری، در دنیا که در قرآن کریم می‌فرماید: و آنان که اگر فرزندان ناتوانی از خود بر جای بگذارند بر [آینده] آنان بیم دارند باید [از ستم بر یتیمان مردم نیز] بترسند، از خدا پروا دارند و سخنی [به‌جا و] درست گویند (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱: ۲۲۳؛ ابن بابویه، ۱۴۰۶ق: ۲۳۴).

در روایت دیگری نزدیک به همین مضمون، معلی بن خنیس می‌گوید وقتی بر امام صادق<sup>(ع)</sup> وارد شدیم حضرت بدون آنکه چیزی از ایشان پرسیده شود، بدون مقدمه فرمودند: «مَنْ أَكَلَ مَالَ الْيَتِيمِ سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِ مَنْ يَظْلِمُهُ وَعَلَى عَقِبِهِ؛ هر که مال یتیم را بخورد، خداوند کسی را بر او و نسلش مسلط می‌کند که بر آنان ظلم می‌کند و سپس آیه فوق را در بیان علت آن، تلاوت فرمودند» (ابن بابویه، ۱۴۰۶ق: ۲۳۴).

طبق این دو روایت، همچنان‌که امام معصوم به آیه‌ای از قرآن استناد فرموده‌اند، عاقبت دنیوی خوردن مال یتیم، مقابله به مثل با نسل و فرزندان این فرد حرام‌خوار است که برای دفاع از حق یتیمان در نظر گرفته شده است.

- عدم قبول توبه تا زمان بازگرداندن مال یتیم

سماعه از امام صادق<sup>(ع)</sup> روایت می‌کند درباره مردی که مال یتیم را می‌خورد از ایشان سؤال کرده که آیا جایی برای توبه‌اش وجود دارد؟ حضرت چنین پاسخ فرمودند:

يُودَى إِلَى أَهْلِهِ لِأَنَّ اللَّهَ يَقُولُ: إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا - إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ سَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا (نساء/ ۱۰) [و قال: إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا]؛ در صورتی‌که آن مال را به صاحبش بازگرداند. زیرا خداوند می‌فرماید: در حقیقت، کسانی‌که اموال یتیمان را به ستم می‌خورند، جز این نیست که آتشی در شکم خود فرو می‌برند و به‌زودی در آتشی فروزان وارد شوند [و فرموده: همانا آن گناهی بزرگ است] (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱: ۲۱۸-۲۱۷).

امام هشتم<sup>(ع)</sup> در پاسخ کتبی به سؤال‌های محمدبن سنان یکی از نکاتی را

که یادآور می‌شوند، تحریم خوردن مال یتیم و علت آن است:

أَوَّلُ ذَلِكَ إِذَا أَكَلَ مَالَ الْيَتِيمِ ظُلْمًا فَقَدْ أَغَانَ عَلَى قَتْلِهِ إِذِ الْيَتِيمُ غَيْرُ مُسْتَعْنٍ وَلَا مُحْتَمِلٍ لِنَفْسِهِ وَلَا قَائِمٍ بِشَأْنِهِ وَلَا لَهُ مَنْ يَقُومُ عَلَيْهِ وَيَكْفِيهِ كَقِيَامِ وَالِدَيْهِ فَإِذَا أَكَلَ مَالَهُ فَكَأَنَّهُ قَدْ قَتَلَهُ وَ صَبَّرَهُ إِلَى الْفَقْرِ وَالْفَاقَةِ؛ اولین علت، آن است که وقتی فرد، مال یتیم را می‌خورد در حقیقت، به قتل او کمک کرده است. زیرا یتیم، بی‌نیاز، مستقل و خودکفا نیست و کسی را ندارد که بر او تکیه دهد تا او را همچون والدینش کفایت کند. پس وقتی مالش را

می‌خورد گویا او را به قتل رسانده و به فقر و بیچارگی سوق داده است (ابن بابویه، ۱۳۸۵ش: ج ۲: ۴۸۱-۴۸۰).

- انگشت‌نما بودن در قیامت به دلیل عذابی منحصر به فرد

امام صادق<sup>(ع)</sup> در روایتی، ضمن تفسیر تعدادی از آیات قرآن در شرح آیه: «إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ سَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا» (نساء/۱۶۹)، درباره خوردن مال یتیم می‌فرمایند:

ذَلِكَ أَنَّ أَكْلَ مَالِ الْيَتِيمِ يَجِيءُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالنَّارُ تَلْتَهُبُ فِي بَطْنِهِ حَتَّى يَخْرُجَ لَهَبُ النَّارِ مِنْ فِيهِ حَتَّى يَرَفَهُ كُلُّ أَهْلِ الْجَمْعِ أَنَّهُ أَكَلَ مَالِ الْيَتِيمِ؛ خورنده مال یتیم در قیامت وارد می‌شود در حالی که آتش در درونش زیانه می‌کشد و زیانه‌هایش از دهان او خارج می‌شود، تا جایی که همه اهل محشر او را می‌شناسند که او خورنده مال یتیم است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۳۲-۳۱).

- خلود و جاودانگی در آتش

از امام رضا<sup>(ع)</sup> روایت شده است: «مَنْ أَكَلَ مِنْ مَالِ الْيَتِيمِ دِرْهَمًا وَاحِدًا ظُلْمًا مِنْ غَيْرِ حَقِّ خَلَدَهُ اللَّهُ فِي النَّارِ؛ هر که یک درهم از مال یتیم را از روی ظلم و به ناحق بخورد، خداوند او را در آتش جاودانه می‌کند» (۱۳۸۱: ۳۳۲).

رشوه

رشوه چیزی است که شخص به حاکم یا فرد دیگری می‌دهد تا به سود او حکم کند یا خواسته‌اش را برآورد (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲: ۲۲۸). رشوه‌خواری از لحاظ مبانی اسلام، یکی از گناهان کبیره و از مصادیق مال حرام به‌شمار می‌رود تا آنجا که در قرآن کریم نیز مورد نهی واقع شده است: «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَ تُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْأَثَمِ وَ

أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ؛ و اموالتان را میان خودتان به ناروا مخورید و [به‌عنوان رشوه قسمتی از] آن را به قضات مدهید تا بخشی از اموال مردم را به گناه بخورید، در حالی که خودتان [هم خوب] می‌دانید» (بقره/۱۸۸).

مطلب قابل توجه آنکه زشتی رشوه گاه سبب می‌شود که این هدف شوم در قالب عبارت‌ها و عناوین فریبنده دیگر انجام گیرد و رشوه‌خوار و رشوه‌دهنده از نام‌هایی مانند: هدیه، تعارف، حق الحساب، حق الزحمه و انعام استفاده کنند ولی روشن است این تغییر نام‌ها به هیچ‌وجه تغییری در ماهیت آن نمی‌دهد و در هر صورت، پولی که از این طریق گرفته می‌شود، حرام و نامشروع است (پورقاسم میانجی، ۱۳۸۹: ۲۳۰).

امام صادق<sup>(ع)</sup> می‌فرماید: «لَعَنَ اللَّهُ الرَّاشِيَ وَالْمُرْتَشِيَ وَالْمَاشِيَ بَيْنَهُمَا؛ رشوه‌دهنده، رشوه‌گیرنده و واسطه بین آنها، ملعون هستند» (شعیری، بی تا: ۱۵۶). این عمل ناروا، علاوه بر ایجاد تأثیرهای اجتماعی منفی، از جمله: گسترش فساد و بی‌عدالتی در دستگاه‌های اداری جامعه در آخرت نیز راه بهشت را بر روی صاحبانش مسدود می‌سازد، چراکه رشوه، هم‌ردیف با کفر قرار گرفته است. امام ششم<sup>(ع)</sup> در این باره فرموده‌اند: «إِيَّاكُمْ وَالرُّشْوَةَ، فَإِنَّهَا مُحَضُّ الْكُفْرِ وَلَا يَشْمُ صَاحِبُ الرُّشْوَةِ رِيحَ الْجَنَّةِ؛ از رشوه‌خواری بپرهیزید، زیرا این کار، در حقیقت، کفر محض است و رشوه‌خوار بوی بهشت را استشمام نمی‌کند» (همان).

ربا

ربا از ماده رَبَوَ به معنی افزایش و رشد است. ربا یعنی افزونی بر سرمایه، ولی واژه ربا در شرع، مخصوص به افزون شدن سرمایه با سود غیر شرعی

است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۳۴۰). به اعتبار این فزونی و زیادی، خداوند می‌فرماید: «وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رِبَاً لِيُرِيُوْا فِيْ اَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يُرِيُوْا عِنْدَ اللّٰهِ؛ وَ اَنْجِهْ بِهِ [قصد] رِبَاً می‌دهید تا در اموال مردم سود و افزایش بردارد، نزد خدا فزونی نمی‌یابد» (روم/۳۹).  
امام رضا<sup>(ع)</sup> می‌فرماید:

اعْلَمُ يُرْحَمُكَ اللهُ اَنَّ الرِّبَا حَرَامٌ سَخَتْ مِنَ الْكَبَائِرِ وَمِمَّا قَدْ وَعَدَ اللهُ عَلَيْهِ النَّارَ فَنَعُوْذُ  
بِاللهِ مِنْهَا وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَى لِسَانِ كُلِّ نَبِيٍّ وَفِي كُلِّ كِتَابٍ؛ خداوند تو را رحمت  
کند. بدان که ربا، حرام و از گناهان کبیره‌ای است که دین را از بین  
می‌برد و از جمله مواردی است که خداوند بر آن وعده آتش جهنم را  
داده است. پس، از آن به خدا پناه می‌بریم و ربا در زبان همه انبیاء و  
در همه کتاب‌های آسمانی حرام است (۱۳۸۱: ۲۵۶).

رباخواری نزد خداوند در ردیف زنا با محارم محسوب می‌شود. امام  
صادق<sup>(ع)</sup> می‌فرماید: «دَرَهْمٌ رِبَاً اَشَدُّ عِنْدَ اللّٰهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ ثَلَاثِيْنَ زَنِيَةً كُلُّهَا بِذَاتِ مَحْرَمٍ مِّثْلِ  
الْخَالَةِ وَالْعَمَّةِ؛ یک درهم ربا از ۳۰ بار زنا با محارم نزدیک، مثل خاله و عمه  
بدتر است» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ۳: ۲۷۴ و حرعاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۱۸: ۱۱۹).

شماری از پیامدهای ربا عبارت‌اند از:

– ابتلای رباخوار به جنون

شهاب‌بن عبدربه از امام صادق<sup>(ع)</sup> نقل می‌کند که فرمودند: «أَكَلِ الرِّبَا لَا  
يُخْرَجُ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَتَخَبَطَهُ الشَّيْطَانُ؛ رباخوار از دنیا بیرون نمی‌رود مگر اینکه  
به نوعی از جنون، مبتلا شود» (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱: ۱۵۲).

– جنگ رباخوار با خدا و رسول<sup>(ص)</sup>

خداوند در قرآن کریم خطاب به مسلمانان می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ \* فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْتِغُوا فَلَكمُ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلُمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا بترسید و زیاده‌ری را بگیرید اگر به راستی اهل ایمانید. پس اگر ترک ربا نکردید، آگاه باشید که به جنگ خدا و رسول او برخاسته‌اید و اگر از این کار پشیمان شدید، اصل مالتان برای شماست. پس شما به کسی ستمی نکرده‌اید و ستمی از کسی ندیده‌اید (بقره/۲۷۹-۲۷۸).

- لعن و نفرین رسول خدا(ص) بر رباخواران

حضرت علی<sup>(ع)</sup> می‌فرمایند: «لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) الرِّبَا وَآكِلَهُ وَمُؤْكِلَهُ وَبَائِعَهُ وَ مُشْتَرِيَهُ وَكَاتِبَهُ وَشَاهِدِيهِ؛ رسول خدا(ص) لعنت کرد ربا و رباخوار و فروشنده و خریدار و نویسنده و شاهد آن‌را» (ابن بابویه، ج ۳: ۲۷۴).

- عذاب اخروی شدید رباخواران

خداوند سبحان، عذاب‌های مختلفی را به رباخواران وعده داده است. از جمله آنکه درباره چگونگی برانگیخته شدن رباخوار در قیامت می‌فرماید: الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَن جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ؛ آن کسانی که رباخوارند از قبرها در قیامت برنخیزند جز مانند آنکه به وسوسه و فریب شیطان مُخْبَط و دیوانه شده و آنان بدین سبب در این عمل زشت افتند که گویند هیچ فرقی میان معامله تجارت و ربا نیست، حال آنکه خداوند، تجارت را حلال و ربا را حرام کرده است. پس هر که پس از آنکه پند و اندرز کتاب خدا بدو رسید از این عمل، [ربا خوردن] دست کشید خدا از گذشته او

درگذرد و عاقبت کار او با خدای مهربان باشد و کسانی که از این کار دست نکشند، آنان، اهل جهنم‌اند و در آن ماندگار خواهند بود (بقره/۲۷۵).  
 آنگاه که رسول خدا<sup>(ص)</sup> به معراج رفته و در آن مکان مقدس، حقیقت‌های فراوانی را دیدند، از مشاهده‌هایشان دربارهٔ تجسم اعمال رباخواران چنین می‌فرمایند:

ثُمَّ مَضَيْتُ فَإِذَا أَنَا بِأَقْوَامٍ يُرِيدُ أَحَدُهُمْ أَنْ يَقُومَ فَلَا يَقْدِرُ مِنْ عَظَمِ بَطْنِهِ فَقُلْتُ مَنْ هَؤُلَاءِ يَا جِبْرِيلُ قَالَ فَهُمْ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَخْبِطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ وَإِنَّهُمْ لِبَسِيلِ آلِ فِرْعَوْنَ يُعْرَضُونَ عَلَى النَّارِ غُدُوًّا وَعَشِيًّا يَقُولُونَ رَبَّنَا مَتَى تَقُومُ السَّاعَةُ وَلَا يَعْلَمُونَ أَنَّ السَّاعَةَ أَذْهَى وَأَمَرٌ؛ هنگامی که مرا به آسمان‌ها بردند، کسانی را دیدم که شکم آنان به قدری بزرگ بود که هر چه تلاش می‌کردند تا برخیزند و راه بروند، نمی‌توانستند و پی در پی بر زمین می‌افتادند. از جبرئیل پرسیدم اینان چه کسانی هستند و جریشان چیست؟ در پاسخ گفت، اینها کسانی هستند که ربا می‌خوردند و بر نمی‌خیزند مگر همانند کسی که به‌خاطر تماس شیطان، دیوانه شده است و این گروه، مانند آل فرعون هر صبح و شام بر آتش عرضه می‌شوند. در آن حال می‌گویند، چه زمانی قیامت فرا می‌رسد؟ اما نمی‌دانند که قیامت به مراتب وحشتناک‌تر و تلخ‌تر است (قمی، ۱۴۰۴ق: ج ۲: ۷).

حرام‌خوار در آتش کافران می‌سوزد:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿۷۰﴾  
 اتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ؛ ای کسانی که ایمان آوردید، ربا نخورید و به دنبال افزودن پی در پی مال نباشید، از خداوند بترسید تا رستگار

شوید، از آتشی که برای کافران آماده شده است، بپرهیزید. از خدا و رسول او اطاعت کنید تا مورد رحمت و لطف قرار بگیرید.

این آیه به رباخواران گوشزد می‌کند که اگر از ربا خوردن دست نکشید در آتشی داخل می‌شوید که برای کافران آماده شده است (آل عمران/۱۳۱-۱۳۰). علامه طباطبایی معتقد است این آیه، اشاره به کفر رباخواران دارد (۱۴۱۷ق، ج ۴: ۱۹).

- رویگردانی مردم از کسب‌های حلال و قرض الحسنه

از دیگر پیامدهای ربا که جنبه اجتماعی داشته و گاه تمامی اجتماع را تحت الشعاع قرار می‌دهد، دور کردن جامعه از راه‌های کسب درآمد حلال است.

امام صادق<sup>(ع)</sup> در جواب هشام بن حکم که از علت تحریم ربا پرسیده بود می‌فرماید:

إِنَّهُ لَوْ كَانَ الرَّبَا حَلَالًا لَتَرَكَ النَّاسُ التَّجَارَاتِ وَمَا يَحْتَاجُونَ إِلَيْهِ فَحَرَّمَ اللَّهُ الرَّبَا لِیَفِرَّ النَّاسُ مِنَ الْحَرَامِ إِلَى الْحَلَالِ وَإِلَى التَّجَارَاتِ وَإِلَى الْبَيْعِ وَالشِّرَاءِ؛ اگر ربا حلال بود، مردم تجارت و هر آنچه را که مورد نیاز است رها می‌کردند. پس خداوند ربا را حرام فرمود تا مردم از حرام دوری کرده و به حلال، تجارت و خرید و فروش روی آورند (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ج ۳: ۵۶۷).

امام رضا<sup>(ع)</sup> نیز در نامه‌ای به محمد بن سنان، علت تحریم ربا را چنین

عنوان می‌فرمایند:

وَعَلَّتْ تَحْرِیمُ الرَّبَا بِالنَّسِیَةِ لِغَلَةِ ذَهَابِ الْمَعْرُوفِ وَتَلَفِ الْأَمْوَالِ وَرَغْبَةِ النَّاسِ فِي الرِّیْحِ وَتَرْكِهِمْ لِلْقَرْضِ وَالْقَرْضُ صَنَائِعُ الْمَعْرُوفِ وَلَمَّا فِي ذَلِكَ مِنَ الْفَسَادِ وَ الظُّلْمِ وَفَنَاءِ الْأَمْوَالِ؛ خدا، ربا را حرام کرد زیرا در اثر ربا، مردم کارهای خیر و معروف را رها می‌کنند و اموال تباه می‌شود. مردم، سودپرست می‌شوند و دیگر به یکدیگر قرض نمی‌دهند، حال آنکه قرض، از کارهای معروف و پسندیده است. به علاوه، در ربا، فساد،

ظلم و نابودی اموال وجود دارد (همان: ۵۶۶).

– از بین رفتن تعادل اقتصادی و اجتماعی توسط ربا

همان‌گونه که در روایت قبل ملاحظه می‌شود، ربا موجب فساد مالی و اقتصادی و ظلم و نابودی اموال می‌شود. طلبکار (دریافت‌کننده ربا) در اثر ربا، روز به روز ثروتمندتر شده و بدهکار (پرداخت‌کننده ربا)، فقیرتر می‌شود. در نتیجه، فاصله طبقاتی ایجاد می‌شود و تعادل نظام اقتصادی و اجتماعی به هم می‌خورد.

– نزول عذاب اجتماعی از نتایج ربا

مال حرام، سبب نزول عذاب‌هایی برای افراد جامعه است. چنانچه امام صادق<sup>(ع)</sup> فرمودند: «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ هَلَاكًا ظَهَرَ فِيهِمُ الرِّبَا؛ نشانه اینکه خداوند بخواهد قومی را به هلاکت برساند آن است که آشکارا رباخواری کنند» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۱۸: ۱۲۳).

کم‌فروشی

یکی از مصادیق کسب حرام، کم‌فروشی است که از گناهان بزرگ شمرده شده و عذابی دردناک در انتظار کم‌فروشان است. اهمیت این موضوع تا حدی است که در قرآن کریم، سوره‌ای مستقل به آن اختصاص داده شده و به صراحت و با شدیدترین بیان با کم‌فروشان مقابله شده است (قرآن کریم/مطففین). همچنین، خداوند سبحان در سوره شعراء، کم‌فروشی را در ردیف فساد در زمین برشمرده و از آن نهی می‌کند: «أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ\* وَ زِنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ\* وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْنُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ؛ پیمان‌ها را تمام دهید، از کم‌فروشان مباشید، با ترازوی درست بسنجید، از ارزش اموال مردم نکاهید و در زمین سر به فساد بر مدارید» (شعراء/ ۱۸۳-۱۸۱).

در آیات دیگری از قرآن کریم نیز از جمله: اعراف/۸۵، هود/۸۵ و مطففین/۳-۱، به این معضل اقتصادی پرداخته شده است.

نکته قابل توجه در این نوع کسب حرام، این است که هر نوع کم‌کاری و کوتاهی در انجام وظایف را شامل می‌شود؛ به این ترتیب، کارگری که از کار خود کم می‌گذارد، آموزگار و استادی که درست درس نمی‌دهد، کارمندی که در کار خود دلسوزی به خرج نمی‌دهد و در ساعت اداری به کارهای شخصی خود می‌پردازد، همه این موارد، شامل کم‌فروشی است. پس لازم است انسان در تمام فعالیت‌های خود دقت داشته باشد تا دچار این حرام الهی نشود و در حسابرسی قیامت ایمن باشد.

در این روایت، از جانب پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup>، پیامدهای کم‌فروشی چنین عنوان شده است: «مَا يُخْسِرُ قَوْمَ الْمِكْيَالِ وَالْمِيزَانِ إِلَّا أَخَذُوا بِالسِّنِينَ؛ هیچ قومی در مکیال و میزان خیانت نکردند مگر آنکه گرفتار قحطی شدند» (دیلمی، ۱۴۱۲ق: ج ۱: ۷۱). امام صادق<sup>(ع)</sup> نیز این گونه به این موضوع اشاره دارند: «إِنَّ فِيكُمْ خَصْلَتَيْنِ هَلَكَ بِهِمَا مَنْ قَبْلَكُمْ مِنَ الْأُمَمِ قَالُوا وَمَا هُمَا يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ الْمِكْيَالُ وَالْمِيزَانُ؛ در میان شما دو خصلت وجود دارد که امت‌های قبل از شما به وسیله آن دو هلاک شدند. پرسیدند ای فرزند رسول خدا آن دو خصلت چیست؟ فرمودند: مکیال و میزان [آلت پیمانه و وزن]» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۱۷: ۳۹۴).

بنابراین، قحطی، نابودی و هلاکت از مهم‌ترین نتایج کم‌فروشی است.

#### احتکار

احتکار، یکی دیگر از موارد زمینه‌ساز روزی حرام برای خانواده‌ها است.

ابن منظور آن را این گونه تعریف می‌کند: «الْإِخْتِكَارُ جَمْعُ الطَّعَامِ وَنَحْوُهُ مِمَّا يُؤْكَلُ وَاحْتِبَاسُهُ أَنْتِظَارَ وَقْتِ الْغَلَاءِ بِهِ؛ احْتِكَارُ ذَخِيرَةٍ كَرْدَنِ طَعَامٍ وَ مَا نَسَدُ أَنْ اَزْ مَوَادِّ خَوْرَاكِي وَ نَگَهِدَارِي آن به انتظار گران شدنش است» (۱۴۱۴ق، ج ۴: ۲۰۸).

ظاهر اخبار حاکی از حرمت احتکار است بلکه ظاهر بسیاری از آنها حرمت شدید است و گویای اینکه احتکار، موجب رفتن به دوزخ و همچون محرمات بزرگ دیگر است (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۵: ۶۵۹). ظاهر این است که کیفر دادن محتکران بر حسب زمان‌ها، مکان‌ها، محیط‌ها و اوضاع و احوال مختلف فرق می‌کند. مثلاً عقوبت ایشان در زمان جنگ با زمان صلح و در دوران انقلاب با حالت عادی متفاوت است (همان: ۶۳۳-۶۳۲).

از رسول گرامی اسلام<sup>(ص)</sup> نقل شده است: «الْإِخْتِكَارُ فِي عَشْرَةِ الْبَرِّ وَالشَّعِيرِ وَ التَّمْرِ وَ الزَّيْبِ وَ الذَّرَّةِ وَ السَّمْنِ وَ الْعُسْلِ وَ الْجُبْنِ وَ الْجَوْزِ وَ الزَّيْتِ؛ احتکار در ۱۰ چیز است: گندم، جو، خرما، کشمش، ذرت، روغن، عسل، پنیر، گردو و روغن زیتون» (مستغفری، ۱۳۸۵ق: ۲۲).

امام علی<sup>(ع)</sup> در نامه ۵۳ نهج البلاغه، به مالک اشتر سفارش می‌کند که: «فَامْنَعْ مِنَ الْإِخْتِكَارِ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) مَنَعَ مِنْهُ؛ پس، از احتکار جلوگیری کن که رسول خدا<sup>(ص)</sup> آن را منع فرمود» (شریف‌رضی، ۱۴۱۴ق: ۴۳۸).

برخی از پیامدهای احتکار به این شرح است:

- عامل محرومیت از نعمت

از مولای متقیان<sup>(ع)</sup> روایت شده است: «الْإِخْتِكَارُ دَاعِيَةُ الْحِرْمَانِ؛ احتکار، خواننده حرمان (باعث محروم شدن) است» (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰ق: ۲۷).

همچنین ایشان فرمودند: «الْمُحْتَكِرُ مَحْرُومٌ مِنْ نِعْمَتِهِ؛ فردی که به انگیزه سود و منفعت بیشتر اقدام به احتکار می‌کند نه تنها از سود بیشتر که شاید از اصل مال نیز محروم شود و نعمتش را از دست بدهد (همان: ۳۴).

- عامل ابتلا به جدام و مفلس شدن

پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> می‌فرمایند: «مَنْ اخْتَكَرَ عَلَى الْمُسْلِمِينَ طَعَامًا ضَرَبَهُ اللَّهُ تَعَالَى بِالْجُدَامِ وَالْأَفْلَاسِ؛ هر کس، طعامی را بر مسلمانان احتکار کند، خداوند او را به جدام (خوره) و مفلس شدن (نداری) مبتلا می‌کند» (مستغفری، ۱۳۸۵ق: ۲۲).

- محتکر، ملعون است.

ابن قدام از امام صادق<sup>(ع)</sup> روایت می‌کند که پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> فرمودند: «الْجَالِبُ مَرْزُوقٌ وَالْمُحْتَكِرُ مُلْعُونٌ؛ بازرگان، روزی‌دهنده و احتکارکننده، ملعون است» (طوسی، ۱۳۹۰ق: ج ۳: ۱۱۴).

از امیرمؤمنان<sup>(ع)</sup> در این باره روایت می‌شود که: «الْحُكْرَةُ فِي الْخُصْبِ أَرْبَعُونَ يَوْمًا وَفِي الشَّدَّةِ وَالْبَلَاءِ ثَلَاثَةُ أَيَّامٍ فَمَا زَادَ فَصَاحِبُهُ مُلْعُونٌ؛ احتکار در روزگار فراوانی، ۴۰ روز و در دوران سختی و بلا، سه روز است و افزون بر آن، احتکارکننده ملعون است» (ابن حیون، ۱۳۸۵ق، ج ۲: ۳۶).

- دزد بهتر از محتکر است.

پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> به روایت امام رضا<sup>(ع)</sup> فرمودند: «... لَأَنْ يُلْقَى اللَّهُ الْعَبْدُ سَارِقًا أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ يُلْقَاهُ قَدْ اخْتَكَرَ طَعَامًا أَرْبَعِينَ يَوْمًا؛... اگر بنده‌ای به عنوان «دزد» نزد خدا رود در نظر من بهتر است تا به عنوان «محتکر» که ۴۰ روز ارزاق را احتکار کرده باشد» (طوسی، ۱۴۰۷ق: ج ۶: ۳۶۲).

- جدایی محترک از خدا

پیامبر اعظم<sup>(ص)</sup> فرمودند: «من حبس طعاماً یتربّص به الغلاء أربعین يوماً فقد برئ من الله و برئ منه؛ هر کس ۴۰ روز مواد خوراکی را به انتظار گران شدن نگهداری کند، به تحقیق از خداوند جدا و خدا نیز از وی جدا شده است» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۳: ۲۷۵).

- محترک، محروم از بهشت

هشام بن عروه روایت می‌کند که پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> فرمودند: «مَنْ اخْتَكَرَ فَوْقَ أَرْبَعِينَ يَوْمًا فَإِنَّ الْجَنَّةَ تَوْجَدُ رِيحُهَا مِنْ مَسِيرَةِ خَمْسِمِائَةِ عَامٍ وَ إِنَّهُ لَحَرَامٌ عَلَيْهِ؛ هر کس بیش از ۴۰ روز احتکار کند، بوی بهشت که از مسیر ۵۰۰ سال شنیده می‌شود، بر وی حرام خواهد بود» (همان: ۲۷۳).

غش در معامله

غش در اصطلاح معامله، آن است که فروشنده، عیب آنچه را که می‌فروشد پنهان کند و این کار در مکتب اهل بیت<sup>(ع)</sup>، حرام اعلام شده است مگر آنکه این عیب را تبیین و آشکار کند (ابن حیون، ۱۳۸۵ق، ج ۲: ۴۷). هشام بن حکم می‌گوید:

كُنْتُ أَبِيعُ السَّابِرِيَّ فِي الظَّلَالِ فَمَرَّ بِي أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى<sup>(ع)</sup> فَقَالَ لِي يَا هِشَامُ إِنَّ أَلْبَيْعَ فِي الظِّلِّ غِشٌّ وَإِنَّ الْغِشَّ لَا يَجِلُّ؛ در سایه مشغول فروختن سابری (زهر ریزبافت و استوار) بودم که امام رضا<sup>(ع)</sup> از آنجا عبور کرده و به من فرمودند: ای هشام! فروختن (این نوع از لباس) در سایه، غش است و به درستی که غش، حلال نیست (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۱۶۰).

در روایت دیگری، مسعده از امام صادق<sup>(ع)</sup> نقل می‌کند که فرمودند: «لَيْسَ لَكَ أَنْ تَأْتِمِنَ مَنْ غَشَّكَ، وَلَا تَتَّهِمَ مَنْ اتَّهَمْتَ؛ شایسته نیست به کسی که با تو غش

کرده اعتماد نموده و او را امین خود بدانی و کسی که تو را امین خود دانسته است متهم سازی» (حمیری، ۱۴۱۳ق: ۷۲).

برخی از مصادیق غش در معامله که به‌نوعی مشتری را فریب می‌دهد، عبارت‌اند از: مخلوط کردن برنج خارجی با ایرانی، فروختن جنس ایرانی به اسم خارجی، تبلیغ و تخفیف ویژه برای فروش بیشتر (در حالی که تخفیفی ندارد)، دستچین کردن میوه مرغوب، روی جعبه (برای اینکه تصور کنند میوه‌های زیر نیز مرغوب است)، استفاده از برچسب تقلبی، آب زدن به سبزی مانده برای اینکه تازه جلوه کند، فروختن بیش از اندازه استخوان همراه با گوشت، کم کردن از مترآز پارچه، آب در شیر کردن و....

برخی از پیامدهای غش عبارت‌اند از:

- مورد غش واقع شدن غش‌کننده

امام صادق<sup>(ع)</sup> می‌فرمایند:

إِيَّاكَ وَالْغِشَّ فَإِنَّ مَنْ غَشَّ غُشَّ فِي مَالِهِ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ مَالٌ غُشَّ فِي أَهْلِهِ؛

بر تو باد به دوری از غش. زیرا هر که غش کند، در مالش غش

می‌شود. اگر مالی نداشته باشد در اهلش غش می‌شود [شاید منظور

امام<sup>(ع)</sup> این باشد که در مال متعلق به اهلش یا در یکی از امورشان

غش می‌شود] « (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۱۶۰).

فهم این مسئله دشوار نیست، چراکه «هر چه بکاری، همان را درو می‌کنی».

- خارج شدن غش‌کننده از دایره اسلام و ولایت

از امام هشتم<sup>(ع)</sup> نقل شده است: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ غَشَّ مُؤْمِنًا أَوْ ضَرَّهُ أَوْ مَكَرَهُ؛

کسی که با مسلمانی غش کند یا به او ضرر برساند یا فریبش بدهد، از ما

نیست» (منسوب به امام هشتم<sup>(ع)</sup>، ۱۴۰۶ق: ۳۶۹). روایتی نیز از امام صادق<sup>(ع)</sup> به همین مضمون، وارد شده که می‌فرمایند: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ<sup>(ص)</sup> لِرَجُلٍ يَبِيعُ التَّمْرَ يَا فُلَانُ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّهُ لَيْسَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ مَنْ غَشَّهَمْ؟ رَسُولُ خُدا<sup>(ص)</sup> به مردی که خرما می‌فروخت فرمودند: آیا می‌دانی کسی که با مسلمانان غش کند از آنان نیست؟» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۱۶۰).

– غش‌کننده، مورد خشم خداوند است.

امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup>: «وَمَنْ بَاتَ وَفِي قَلْبِهِ غَشٌّ لِأَخِيهِ الْمُسْلِمِ بَاتَ فِي سَخَطِ اللَّهِ وَأَصْبَحَ كَذَلِكَ حَتَّى يُتُوبَ؛ هر که شب را به صبح رساند در حالی که در قلبش نسبت به برادر مسلمانش غشی باشد، در خشم خداوند شب را به صبح رسانده و با همین خشم صبح می‌کند تا اینکه توبه کند» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ج ۴: ۱۵).

– محشور شدن غش‌کننده با یهودیان

«مَنْ غَشَّ الْمُسْلِمِينَ خُسِرَ مَعَ الْيَهُودِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لِأَنَّهُمْ أَغَشَّ النَّاسَ لِلْمُسْلِمِينَ؛ هر که با مسلمانان غش کند، روز قیامت با یهودیان محشور می‌شود، زیرا آنها، غش‌کننده‌ترین (فریب‌کارترین) مردم نسبت به مسلمانان بودند» (همان، ج ۳: ۲۷۳).

– غش‌کننده در آتش

از امام صادق<sup>(ع)</sup> نقل شده است: «مَنْ غَشَّ أَخَاهُ وَحَقَّرَهُ وَنَاوَأَهُ جَعَلَ اللَّهُ النَّارَ مَأْوَاهُ؛ هر که با برادرش غش، تحقیر، فخرفروشی و دشمنی کند، خداوند جایگاه او را در آتش قرار می‌دهد» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۲ش: ۳۰۳).

### ایجاد انگیزه در نیروی انسانی خانواده برای کسب روزی حلال

ایجاد شناختی کلی نسبت به حلال و معرفی راهکارهای درآمد حلال به

اعضای خانواده، نخستین رسالتی است که بر عهده یک خانواده دینی است. پس از این مرحله، هر فردی ملزم به رعایت قانون حلال‌محوری در خانواده خواهد بود. در مقابل، خانواده نیز با تمسک به نظام تشویق و تنبیه، به اجرایی شدن این قانون کمک می‌کند. همان‌گونه که خدای تعالی این مسئله را در دستور کار پیامبر عزیزش قرار داده و می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا؛ و ما تو را نفرستادیم جز بشارت‌گر و بیم‌دهنده» (فرقان/۵۶). در این زمینه، تشویق برای تثبیت مسیر صحیح درآمد و تذکر و تنبیه برای تغییر مسیر ناصحیح آن، کارایی دارد.

### ۱. نقش زن در کسب روزی حلال خانواده<sup>۱</sup>

بشر، همواره در طول تاریخ به دنبال بر خورداری هر چه بیشتر از بهره‌های دنیوی، ثروت و نعمت‌های الهی بوده است. با در نظر داشتن این موضوع که خداوند سبحان، روزی هر جنبنده‌ای را تضمین کرده است (هود/۶)، داشتن ثروت و امکانات، برای تأمین رفاه و آرامش روحی و سکون‌خاطر است. به‌دست آوردن رزق حلال، در زندگی فردی و اجتماعی هر انسانی تأثیر بسزایی دارد و می‌توان آن را به‌عنوان یک ارزش اخلاقی تلقی کرد. یعنی اینکه انسان باید هر لحظه که در پی رزق و روزی خود است فراموش نکند که آن را باید از طریق حلال به‌دست آورد و در جهت درست مصرف کند، زیرا به‌واسطه رزق حلال، خداوند نعمت‌های زیادی به انسان می‌بخشد و هم اینکه باعث آرامش روحی و روانی افراد می‌شود. رعایت نکردن اصول شرعی در کسب مال و تأمین معاش، آفت‌ها و صدمه‌های روحی و مادی بسیاری

---

۱. مطالب این قسمت از مقاله خانم زهره معماریانی است.

دارد که نه تنها دامنگیر زندگی حال افراد می شود بلکه حتی زندگی آینده فرزندان را هم تحت تأثیر قرار می دهد. «درآمد حرام، بر فرزندان اثر (نامطلوب) می گذارد (و هدایت آنها را دچار مشکل می کند)» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۱۲۴).

در اسلام، درآمد زن برای خودش بوده و او، وظیفه ای برای تأمین اقتصادی خانواده ندارد: «هر که از مرد و زن از آنچه به دست آورند بهره مند شوند و هر چه می خواهید از فضل خدا درخواست کنید که خدا، به همه چیز داناست» (نسا/۳۲). خداوند حکیم در آیاتی مانند آیه ۲۳۳ سوره بقره، وظیفه مخارج خوراک، پوشاک و نیازهای زندگی را بر عهده مرد گذاشته است:

مادران، فرزندان خود را دو سال تمام شیر می دهند. (این) برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند و بر آن کس که فرزند برای او متولد شده [پدر]، لازم است خوراک و پوشاک مادر را به طور شایسته (در مدت شیر دادن بپردازد حتی اگر طلاق گرفته باشد). هیچ کس موظف به بیش از مقدار توانایی خود نیست....

بدین ترتیب، پرداخت هزینه خوراک زن و فرزندان (نفقه)، مسکن، درمان و بهداشت، نیازهای رفاهی و روحی و مانند اینها، همه بر عهده پدر خانواده است. اسلام این هزینه را به دو دسته «ضروریات» و «نیازهای درجه دو» تقسیم می کند که بخش اول، جزء حقوق مسلم و قانونی زن، فرزند و اعضای خانواده است و ترک آن علاوه بر غضب خداوند، دارای ضمانت اجرای قانونی و قضایی است. بخش دوم را حقوق دانان مسلمان، مستحبات می نامند و اگرچه ترک آن، ضمانت اجرایی قضایی ندارد ولی کاملاً ترجیح دارد و به هر حال مرد برای آنکه بتواند این هزینه ها را بپردازد بایستی دارای کار و درآمد باشد و از این رو، «کار»

برای مرد در اسلام، واجب شرعی است و کار اضافه برای تأمین نیازهای درجه دوم رفاهی، ستوده (مستحب) است.

با وجود این، هر زن با توجه به نقش‌های ویژه همسری و مادری می‌تواند در کسب روزی حلال در خانواده سهم بسزایی داشته باشد، چه در خانواده‌هایی که به علل مختلف مانند جدایی، طلاق، فوت همسر و... زنان نقش نان‌آور خانه را به عهده دارند و چه در خانواده‌های عادی که زنان با مدیریت اقتصادی، مراقبت و کنترل درآمد می‌توانند تأثیر زیادی در این زمینه داشته باشند.

یکی از عواملی که مردان را به سوی کسب درآمدهای نامشروع سوق می‌دهد، فشار ناشی از تأمین هزینه‌های بالا و غیرمتعارف خانواده است. این هزینه‌ها، می‌توانند علل مختلفی چون ناکارآمد بودن برنامه اقتصادی خانواده، چشم و هم‌چشمی، اسراف، مصرف‌گرایی، زیاده‌خواهی و پرتوقعی فرزندان و... باشد که در همه این موارد می‌توان گفت زن نقش اساسی و کلیدی در مهار مشکلات اقتصادی خانواده دارد. در ادامه، به برخی از اموری که زنان می‌توانند برای حلال بودن درآمد خانواده و کمتر شدن زمینه کسب روزی حرام انجام دهند، اشاره می‌شود.

#### تعیین میزان مهریه

متأسفانه در جامعه کنونی، مهریه‌های بالا، صدمه‌های زیادی بر پیکر خانواده و جامعه وارد ساخته است. بعضی از دختران به جای تلاش برای شناخت، ادراک متقابل و اعتقادات و اخلاق همسر آینده‌شان، با تعیین مهریه‌های نجومی با دید سوداگری و معامله به امر ازدواج می‌نگرند که نتیجه آن، بالا رفتن تعداد

زندانیانی است که یا به علت تأمین مبالغ بالای مهریه دست به اعمال خلاف قانون و درآمدهای نامشروع زده‌اند یا به علت عدم توانایی در پرداخت مهریه و شکایت همسران خود، در زندان‌ها به سر می‌برند.

بالارفتن سن ازدواج، بی‌سرپرست شدن خانواده، بیکار شدن نیروهای انسانی در جامعه، گسترش ناامنی روانی و اخلاقی در جامعه و زندانیان غیربزه‌کار، از مهم‌ترین آسیب‌های مهریه‌های بالاست. دختران باید بدانند که تعیین مهریه سنگین نمی‌تواند ضامن خوشبختی زندگی زناشویی شود بلکه اخلاق، انسانیت و ایمان، ملاک انتخاب همسر است نه داشتن ثروت، چراکه خداوند خود وعده کرده است که اگر طرفین در ازدواج، مسلمان و اهل ایمان بودن را ملاک قرار دهند، از فضل خودش آنان را بی‌نیاز سازد (نور/۳۲).

#### فراگیری مسائل حرام و حلال

انسان برای کسب رزق حلال ابتدا باید به مسائل حلال و حرام آگاهی پیدا کند تا راه‌های تحصیل حلال از حرام را تشخیص دهد و بدین منظور بر هر فرد مسلمانی واجب است به دنبال آموختن مسائل و احکام مورد نیاز خود و مسائل شرعی کار و معامله برود. چه بسا به دلیل ناآگاهی به مسائل شرعی کسب و کار، زیان‌های مادی و معنوی بسیاری به خانواده‌ها وارد می‌شود.

از امام جوادی<sup>(ع)</sup> نقل شده است: «هر کس بدون آگاهی از مسائل مربوط به موضوعی در آن گام نهد، آنچه خراب می‌کند بیشتر از چیزی است که به دست می‌آورد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶: ۴۴).

آگاهی داشتن از اصول شرعی و حلال و حرام با توجه به نقش عاطفی و

تربیتی زن در خانواده، بستر مناسبی برای انتقال آموزه‌ها به محیط خانواده و همسر و به‌کارگیری این اصول در تربیت فرزندان ایجاد خواهد کرد.

امر به معروف و نهی از منکر

زن و مرد از وقتی زندگی مشترک را شروع می‌کنند در برابر هم وظایفی دارند. مهم‌ترین وظایفی که زوجها در مقابل هم دارند، این است که همدیگر را از لغزش‌ها آگاه کنند. آیه ۱۷۷ سوره بقره می‌فرماید: «زن و مرد لباس همدیگر هستند.» کارکردهای لباس متفاوت است. یکی از کارکردهای آن این است که عیب‌ها را می‌پوشاند. این، برداشت مستقیمی از آیه قرآن است. برداشت دیگر، این است که زن و مرد رازداری می‌کنند و راز زندگی‌شان را به دیگران نمی‌گویند. کارکرد دیگر لباس، محافظت از بدن در مقابل سرما، گرما، جراحت آفت‌ها و آسیب‌هاست. لذا، زن و مرد لباس همدیگر هستند و باید همدیگر را حفظ کنند. لغزش‌ها و گناهان در زندگی مشترک دو گونه است: یکی، گناهی است که فردی بوده و ضررش به فرد می‌رسد. در اینجا هم، همسران از نظر امر به معروف و نهی از منکر وظیفه دارند. دیگری، گناهی هستند که فردی نیستند یعنی روی دیگران هم اثر می‌گذارد و این اثر بر اعضای خانواده کاملاً محسوس است. بنابراین، اگر پولی که مرد به خانه می‌آورد حرام باشد، بر همسر و فرزندان اثرگذار است. اینجا سازش جایز نیست و زن وظیفه دارد با محبت و عطف، همسرش را امر به معروف و نهی از منکر کند و احساس رضایت خود را از درآمد حلال ولو کم، نسبت به درآمد حرام بیشتر اعلام دارد و در صورت داشتن منبع درآمد دیگر، از مصرف درآمد حرام حتی المقدور امتناع کند.

### قناعت

امیرمؤمنان فرمودند: «لاکُنْ أَغْنَى مِنَ الْقَنَوعِ؛ بی‌نیازکننده‌تر از قناعت نیست» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸: ۱۹).

امام رضا (ع) می‌فرمایند: «کسی که جز به روزی زیاد قناعت نکند، جز عمل بسیار برایش کافی نیست (همان، ج ۲، «باب القناعة»، حدیث ۵).  
- آثار قناعت

۱. پرورش قناعت، مانع تن دادن به هرگونه پستی در انسان است؛
  ۲. قناعت، آدمی را از احساس هرگونه ناامنی در زندگی (همچون دلهره و اضطراب) باز می‌دارد و به او فرصت می‌دهد که با تسلط بر نفس، نیروهای خود را در جهت سازنده به کار اندازد؛
  ۳. روح قناعت به انسان شخصیت اجتماعی می‌بخشد و او را به احترام حقوق دیگران وادار می‌دارد؛
  ۴. قناعت، انسان را در برابر ارتکاب بسیاری از گناهان (ناشی از حرص) مصون می‌دارد؛
  ۵. هر که در زندگی قناعت پیشه کند، رنج او کمتر است و خود و خاندانش در آسایش و سبکباری زندگی می‌کنند؛
  ۶. فرد قانع، اسیر و مقهور جلوه‌های فریبنده دنیا نیست بلکه با دید وسیعش، عیوب دنیا و کیفیت رفع نقایص را کاملاً شناخته و دلبستگی به امور گذرای دنیوی ندارد.
- آنچه گفته شد، آثار کلی قناعت بود اما در اداره اقتصادی خانواده نیز

داشتن روحیه قناعت، ایجاب می‌کند که همسران از «چشم و هم‌چشمی» و رقابت‌های کمرشکن یا حسادت‌های خانمان‌برانداز پرهیز کنند و اجازه ندهند صفای زندگی از میان برود. «قناعت»، یکی از شیوه‌های خردمندانه در مصرف و خرج است. مدیریت اقتصادی خانه در دست مرد است ولی برای رسیدن به «سطح تعادل» این زن است که می‌تواند با مواظبت و هوشیاری، حسابگری هزینه‌های خانواده را کنترل کرده و در برابر کمبودها و درآمد کم همسر خود سازگاری و قناعت کند. پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> در یکی از خطبه‌های پیش از وفات فرمودند:

...زنی که با همسرش سازگاری ندارد و بر آنچه خداوند روزی او کرده، صبور نیست، بر او سخت می‌گیرد و تکلیفی بیش از طاقتش از او می‌خواهد، خداوند هیچ حسنه‌ای که با آن از آتش جهنم مصونیت یابد، از او نپذیرد و مادامی که آن‌گونه است خداوند بر او غضبناک خواهد بود» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۶: ۳۶۷).

البته، این نکته را نباید فراموش کرد که گرچه زن باید صبوری، تحمل و قناعت پیشه کند و مرد را نیز بدان تشویق کند اما مرد هم باید در حد توان و وسع خویش بر زن و فرزندان خود وسعت و گشایش دهد و از آنچه خداوند روزی کرده است خرج کند و تأمین نفقه زن و فرزندان امری است که در آموزه‌های قرآنی و روایی مورد تأیید قرار گرفته است.

زندگانی و سیره پیامبر اعظم<sup>(ص)</sup> و ائمه معصومین<sup>(ع)</sup> به‌واقع، الگوی تمام و کمال ساده‌زیستی و قناعت برای همه مسلمانان است. منش و روش پیامبر عظیم‌الشان اسلام<sup>(ص)</sup> و خاندانش بر ساده‌زیستی استوار بود، طوری که

حضرت خدیجه<sup>(س)</sup> پیش از ازدواج با پیامبر<sup>(ص)</sup> خانه‌ای باشکوه و مجلل داشت. پس از ازدواج، تمام این جلال و شکوه را به پای همسرش ریخت و آن خانه که پیش از طلوع اسلام پناهگاه مستمندان بود پس از اسلام، پایگاه مؤمنان شد.

فاطمه زهرا<sup>(س)</sup> نیز مظهر قناعت و از خودگذشتگی است. ابن‌شهر آشوب در مناقب، درباره‌ی آغاز زندگی بسیار ساده و سرشار از صمیمیت او با حضرت علی<sup>(ع)</sup> نقل می‌کند که حضرت اتاق خود را برای عروسی این چنین آماده می‌کنند:

ابتدا مقداری ماسه، کف اطاق، پهن و چوبی تهیه و به دو طرف اتاق وصل کرد تا لباس‌های خود را روی آن بیندازد و پوست گوسفند هم کف اتاق انداخت، پوست گوسفندی را که شب‌ها بر آن می‌خوابیدند در روز وارونه می‌کردند و علوفه‌ی شتر بر آن می‌ریختند. بالشی نیز که داخلش را از لیف خرما پر کرده بودند در آنجا نهاد (رسولی محلاتی، ۱۳۵۷: ۵۶).

روزی امیرمؤمنان<sup>(ع)</sup> از آذوقه‌ی منزل خبر گرفتند. حضرت فاطمه<sup>(س)</sup> فرمودند: «در دو روز گذشته غذای اندکی یافت شده که شما و فرزندانمان را بر خود ترجیح دادم.» امام فرمودند: «چرا به من خبر ندادی تا چیزی تهیه کنم؟» فاطمه<sup>(س)</sup> فرمودند: «من از خدا حیا کردم تو را بر کاری که برایت ممکن نبود وادار کنم» (خراسانی، ۱۳۹۰).

#### از خودگذشتگی و بخشش

چنانچه، گذشت در زندگی زناشویی نباشد زندگی به سختی می‌گذرد. این گذشت، هم می‌تواند در امور اخلاقی و معنوی و هم در امور مادی و ثروت باشد.

از نظر اخلاقی، همسران خوشبخت سعی می‌کنند در همه امور زندگی و باورهای خود هماهنگ باشند. زن و شوهری که در موارد اختلاف، از خود گذشت نشان می‌دهند و خطاهای یکدیگر را تحمل می‌کنند، در جهت سعادت و زندگی شاد و شیرین زناشویی پیش می‌روند.

در امور مادی، از خودگذشتگی و بخشش زنان، در کم کردن هزینه‌های اقتصادی مؤثر است. در اوایل زندگی که معمولاً خانواده‌ها از نظر اقتصادی مشکل دارند، شایسته است در صورت لزوم، زنان با قناعت و از خودگذشتگی، پس‌اندازها و هدیه‌های عروسی (طلا، پول و...) را به‌عنوان سرمایه برای یک شغل آبرومندانه در اختیار همسران صالح خود قرار دهند تا پایه‌های اقتصادی زندگی مشترکشان محکم شود و بنیان خانواده استحکام یابد.

حضرت خدیجه<sup>(س)</sup> در زمینه بخشش و گذشت مادی، اسوه زنان مؤمن است. ایشان قبل از ازدواج با پیامبر<sup>(ص)</sup>، ثروتمندترین شخص جزیره العرب بودند، حدود ۸۰ هزار شتر داشتند، کاروان‌های تجاری ایشان، شب و روز در طائف، یمن، شام، مصر و سایر بلاد در حرکت بودند و برده‌های بسیار داشتند که مشغول تجارت بودند. حضرت خدیجه<sup>(س)</sup> پس از ازدواج با پیامبر<sup>(ص)</sup>، همه اموالشان را قبل از اسلام و بعد از آن، در اختیار پیامبر<sup>(ص)</sup> گذاشتند تا آن حضرت هرگونه که خواست اموال را در راه خدا مصرف کنند، به‌گونه‌ای که پیامبر<sup>(ص)</sup> که فقیر بودند بی‌نیاز شدند. خداوند در مقام بیان نعمت‌های خود به ایشان در آیه هشتم سوره ضحی، می‌فرماید: «و وجدک عائلاً فأغنی؛ خداوند تو را فقیر یافت و بی‌نیاز کرد.» مراد از «بی‌نیاز ساختن

پیامبر<sup>(ص)</sup>، مال و بخشش خدیجه<sup>(س)</sup> بود که همه را در طبق اخلاص گذاشته و برای پیشرفت دین مبین اسلام در اختیار پیامبر<sup>(ص)</sup> قرار دادند.

#### دعا و توکل برای کسب روزی حلال

دعا درخواست از خداوند سبحان و ایجاد ارتباط با اوست. در دعا، انسان با خدا راز و نیاز کرده و از او درخواست کمک و مساعدت برای کسب فیض و سعادت‌مندی می‌کند. ائمه<sup>(س)</sup> همواره برای گشایش و وسعت در رزق و روزی خانواده از خداوند رزاق یاری می‌طلیبیدند. امام صادق<sup>(ع)</sup> هنگام طلوع فجر در دعای خود می‌گفتند: «...خدایا بر من و خانواده‌ام از برکت آسمان‌ها و زمین، روزی حلال، پاک و گسترده نصیب فرما که مرا با آن از مردم بی‌نیاز گردانی» (آیت‌اللہی، ۱۳۹۰: ۱۷۲).

مؤمن در راه کسب معاش باید تلاش کند از تنگناها و پستی بلندی‌های زندگی نه‌راسد و تکیه و توکلش بر خدا باشد، زیرا خدا کارهای او را اصلاح می‌کند، روزی‌اش را می‌رساند و مشکلاتش را حل می‌کند. در این‌باره، خداوند حکیم در قرآن فرموده است: «اگر انسان تقوا داشته باشد، خدا روزی‌اش را از راهی که گمان نمی‌برد می‌رساند» (طلاق/۳).

#### نقش زنان در مدیریت اقتصادی خانواده

آنچه به راستی اقتصاد خانواده را منحصر به فرد می‌کند، وجود ارتباطات درونی بین نقش‌های شغلی و خانوادگی است، یعنی رابطه‌ای که به‌طور معمول و در غیر از مباحث اقتصادی خانواده یافت نمی‌شود. موضوع اصلی این است که برای تأمین هزینه‌ها، به اقتصادی حلال، سودآور و موفقیت‌آمیز

نیاز است. از آنجایی که سهل‌انگاری در درآمدزایی با افزایش مخارج خانواده و محدودیت فرصت‌های مشروع درآمدزایی، انگیزه کسب درآمد «از هر طریق ممکن» افزایش می‌یابد و برای تعداد قابل ملاحظه‌ای از افراد، مشروعیت راه‌های کسب درآمد از میان می‌رود، لذا مدیریت اقتصادی خانواده اهمیت زیادی می‌یابد.

مهم‌ترین نکته در اقتصاد خانوار و مدیریت اقتصادی خانواده، بی‌شک، دستیابی به الگوی صحیح مصرف (برای مدیریت هزینه‌ها) و برقراری نظام درآمدی مناسب و حلال (برای مدیریت درآمد) است.

در قدیم، مصرف، صرفاً یک رفتار اقتصادی بیان می‌شد به‌طوری‌که افراد غنی به‌لحاظ درآمد بالا، از کالاهای بیشتری هم مصرف می‌کردند حال آنکه امروزه، مصرف، وسیله‌ای شده که افراد، شخصیت خود را با آن به دیگران نشان دهند. درواقع، مصرف، به یک رفتار اجتماعی تبدیل شده است. در دنیای امروز افراد به‌دنبال این هستند که با مصرف بیشتر، خود را در سطح افراد غنی و ثروتمند نشان دهند نه اینکه بر اساس میزان درآمد یا دارایی‌شان به مصرف رو آورند.

همان‌طور که نقش مادر به‌عنوان فرد منتقل‌کننده ارزش‌ها به نسل بعد در تنظیم بسیاری از امور خانوادگی نظیر: تربیت فرزندان، رشد عاطفی و اجتماعی، تنظیم روابط فامیلی، رعایت نظم و ترتیب در کارها، تنظیم رفت و آمدها، تصمیم‌گیری برای امور تفریحی، مسافرت‌ها و... دارای اهمیت فراوان و درخور توجه است، نقش او در اصلاح الگوی مصرف و مدیریت اقتصادی

خانواده نیز بسیار با اهمیت است. مادران با تأسی به سیره عملی حضرت زهرا<sup>(س)</sup> می‌توانند نقش مؤثر و کلیدی در پرورش نیروهای فعال و مولد داشته باشند.

همان‌گونه که قبلاً نیز سیره اقتصادی حضرت فاطمه<sup>(س)</sup> مورد اشاره قرار گرفت و با توجه به برخوردهای عاطفی و منطقی ایشان با کودکان می‌بینیم که حضرت در پرورش روح و بنیان‌های شخصیتی فرزندانش به قدری با ظرافت و دقت عمل کرده که هر یک از فرزندان او از بزرگ‌ترین افراد بشر قرار گرفتند و صفحات بزرگی از تاریخ را ورق زدند و عملاً به الگوها و اسوه‌های مقاومت، ایثار، صبر و از خودگذشتگی، شجاعت و ... تبدیل شدند. پس روش تربیتی فاطمه<sup>(س)</sup> بهترین شیوه و روش برای ساختن نسلی سعادتمند و موفق است، هرچند در شکل‌گیری شخصیت فرزندان آن حضرت، عامل وراثت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است اما عامل خانواده و شیوه‌های تربیتی و تعلیم و تربیت زهرا<sup>(س)</sup> به همراه پدر بزرگوارشان علی<sup>(ع)</sup> از تأثیر بسزایی برخوردار بوده است.

از دیگر روش‌های تربیتی فاطمه<sup>(س)</sup>، ایجاد حس نوع‌دوستی و روحیه انفاق و بخشش در کودکان بود. در کتاب‌های حدیثی وارد شده که فرزندان فاطمه<sup>(س)</sup> همواره شاهد آن بودند که مادرشان به مردم کمک کرده، خود گرسنه می‌ماندند و به قیمت گرسنگی خود، دیگران را سیر می‌کردند.

فاطمه<sup>(س)</sup>، نه تنها از نظر اخلاقی به ارشاد و هدایت مردم می‌پرداختند و از این طریق اعمال نیک و عواطف پسندیده را به کودکان خود آموزش

می‌دادند بلکه از نظر اقتصادی نیز الگویی برای فرزندان‌شان بودند. فرزندان فاطمه<sup>(س)</sup> مقاومت و مبارزه با مشکلات را هم از مادر آموخته بودند.

والدین با انجام اقدام‌های زیر در مدیریت اقتصاد خانواده می‌توانند موفق باشند:

۱. هرچند مسئولیت شرعی شخص از زمان بلوغ او آغاز می‌شود، اما والدین در مورد تربیت و به‌طور خاص، تربیت اقتصادی و آموزش مسائل دینی و شرعی مسئولیت دارند. طفولیت و توانمندی اقتصادی توجیه مناسبی برای پاسخگویی بدون شرط به تقاضاهای کودکی نیست. به عبارت دیگر آنچه در نظام تربیتی اسلام لحاظ می‌شود، مصلحت درازمدت فرزندان است نه شادکامی لحظه‌ای آنان. توصیه تربیتی امام کاظم<sup>(ع)</sup> در این زمینه بسیار گویاست: «مناسب آن است که فرزند در خردسالی با مشقت‌ها آشنا شود تا در بزرگسالی، شخصی بردبار شود» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶: ۵۱).

تربیت اقتصادی فرزندان به دو روش مستقیم و غیرمستقیم صورت می‌گیرد. بخش غیرمستقیم که مهم‌تر هم بوده، روش و نوع عملکرد والدین است که خواه و ناخواه حتماً به فرزندان منتقل می‌شود. مادران مدیر، قانع و صرفه‌جو، فرزندان به همین گونه تربیت می‌کنند و مادران اسراف‌کار، تجمل‌پیشه و مصرف‌گرا نیز فرزندان تنوع‌طلب و مصرف‌زده به جامعه تحویل می‌دهند. لذا، اولین و مهم‌ترین گام در تربیت صحیح اقتصادی فرزندان (مثل سایر زمینه‌های تربیتی)، تصحیح عملکرد والدین است. در شیوه دوم، والدین یا مربیان به گونه‌ای مستقیم عمل می‌کنند. مثلاً درباره مسائل اقتصادی با فرزندان گفتگو می‌کنند یا در هنگام خرید، تذکرات لازم

و آموزش‌های ضروری را به آنها می‌دهند یا در خانه در مورد مصرف آب، برق، مواد غذایی، نگهداری وسایل و... امر و نهی می‌کنند.

بہتر است فرزندان با بودجهٔ خانواده آشنا باشند و از مقدار حقوق یا دستمزد والدین خود آگاهی یابند و بیاموزند که از وسایل زندگی به‌طور عاقلانه‌ای استفاده کنند و نسبت به وسایل مشترک و عمومی خانواده دلسوزی لازم را از خود نشان دهند. تعامل مناسب بین اعضای خانواده و همچنین اولویت‌بندی نیازهای اقتصادی سبب تقویت و سلامت اقتصاد خانواده می‌شود.

۲. زن می‌تواند با سازماندهی و مدیریت صحیح بین درآمد و مصرف توازن برقرار سازد و با برنامه‌ریزی برای آینده، توجه به نیازهای آتی و شناخت فرصت‌ها و تهدیدهای اقتصاد خانواده، آینده‌ای توأم با آرامش و امنیت برای خانواده فراهم آورد.

۳. توجه به آموزه‌های دینی و ترویج مسائل اقتصاد اسلامی و دینی (دعوت و تشویق مرد به پرداخت خمس و زکات و وجوهات شرعی) در خانواده و پرهیز از روحیهٔ اسراف و تبذیر می‌تواند اقتصاد خانواده را قوام بخشد.

۴. با آشنایی راه‌های صرفه‌جویی در مصرف غذا، پوشاک، آب، گاز و برق می‌توان هزینه‌های خانواده را کاهش داد.

۵. در صورت بروز بحران و مشکلات مالی، زن نه تنها خود را نمی‌بازد بلکه با تدبیر به سر و سامان دادن اوضاع نابسامان موجود می‌پردازد. روحیهٔ امیدواری و نشاط را در اعضای خانواده ایجاد می‌کند و با توضیح و تشریح

وضعیت موجود به‌خصوص برای فرزندان و توجه دادن آنها به گذرا بودن حوادث و مشکلات و بیان عبرت‌های تاریخی و داستان‌های زندگی انسان‌های دیگر، آنها را به صبر، قناعت، امیدواری، کار بیشتر و حفظ کرامت انسانی دعوت می‌کند. او سعی می‌کند با شناخت شیوه‌های سالم و مشروع راه‌های جدید کسب، مشاور خوبی برای همسر خود باشد.

### نظارت بر فرایند درآمدزایی خانواده به شیوهٔ حلال

ایجاد شناخت و انگیزه برای رفتن به سمت حلال، شرط لازم برای سالم‌سازی اقتصاد خانواده است؛ اما شرط کافی نیست. اجرای صحیح هر قانون نیازمند مرجع نظارتی است تا در صورت تخطی از خطوط مشخص شده به هر طریق ممکن از آن جلوگیری به‌عمل آورده و به روند صحیح بازگرداند. حضرت امیر<sup>(ع)</sup> در بخشی از نامه‌شان به مالک اشتر نسبت به نظارت بر امور بازرگانان توصیه کرده و می‌فرمایند: «فَتَفَقَّدْ أُمُورَهُمْ بِحَضْرَتِكَ وَفِي حَوَاشِي بِلَادِكَ؛ پس به کار آنان نظارت کن، خواه در اقامتگاه تو باشند و خواه در شهرهای دیگر تو» (ابن‌شعبه حرانی، ۱۳۸۲: ۱۴۰ و ۲۳۳).

بنابراین، نظارت و سرپرستی، یکی از لوازمی است که برای تداوم حرکت در مسیر صحیح، ضروری است. بدون تردید، در این راستا، هم وظیفهٔ ایجاد باورها و ارزش‌های صحیح و هم ارزیابی و نظارت مستمر بر آنها بر عهدهٔ خانواده به‌عنوان مرکز تربیتی شکل‌گیری و کنترل شخصیت افراد خواهد بود.



## **فصل سوم**

**بایسته‌های نظام اقتصادی خانواده**

**در بخش هزینه**



پس از حصول اطمینان از حلال بودن درآمد، توجه به راه‌های هزینه آن، از رسالت‌های مهم خانواده محسوب می‌شود که این مسئله نیز در سالم‌سازی اقتصاد خانواده مؤثر است. مطالبی که در ادامه، عنوان و بحث شده ناظر به همین موضوع است.

### **سنجش نیازهای اعضای خانواده، اولویت‌بندی و برخورد عادلانه در تأمین آنها**

هر خانواده‌ای برای جلوگیری از هدر رفت درآمد و هزینه شدن آن در مسیر ناصحیح، ملزم به دسته‌بندی هزینه‌ها و اولویت‌بندی آنهاست. می‌دانیم خانواده متشکل از افرادی است که هر یک از آنها به تناسب موقعیت سنی و اجتماعی‌اش خواسته‌ها و نیازهای منحصر به فردی دارد. این در حالی است که بخشی از نیازهای اقتصادی خانواده، جنبه عمومی داشته و همه افراد خانواده در آن سهیم هستند. در حالت کلی، این نیازها را به اشکال

متفاوتی می‌توان دسته‌بندی کرد. به‌عنوان مثال: هزینه‌های ضروری و غیر ضروری، پیش‌بینی‌پذیر و پیش‌بینی‌ناپذیر، فردی و خانوادگی و... هزینه‌های ضروری همچون: خوراک، پوشاک، مسکن، تهیه امکانات بهداشتی اولیه، امکانات تحصیلی فرزندان، هزینه‌های جابجایی و... که در صورت فقدان آنها، خانواده با مشکلات و تنگناهای عدیده‌ای مواجه می‌شود. هزینه‌های غیرضروری مانند: مخارج جانبی و کالاهای لوکس منزل، انواع تفریح و تجمّل‌های بی‌رویه و خارج از حد معمول و... به این موارد، برخی هزینه‌های پیش‌بینی‌نشده خانواده از جمله مخارج درمانی که به زمان‌ها و شرایط ویژه‌ای اختصاص می‌یابد نیز باید افزود. طبیعی است در مدیریت اقتصادی خانواده، حق تقدم با دسته اول و هزینه‌های ضروری است.

بنابراین، در اولویت‌بندی این نیازها توجه به سه نکته، لازم و مفید به نظر می‌رسد: حفظ اولویت بین نیازهای فردی؛ حفظ اولویت بین نیازهای عمومی؛ حفظ اولویت میان هر دو دسته از این نیازها.

به این ترتیب که از بین نیازهای هر یک از افراد و از میان نیازهای کلی خانواده، مهم‌ترین آنها گزینش شده و در اولویت قرار می‌گیرند و در مرحله بعد نیز هر کدام از این دو که ضروری‌تر باشند، زودتر به آنها ترتیب اثر داده می‌شود.

### **اختصاص بخشی از درآمد یا پس‌انداز آن برای آینده**

از ضروریات اقتصادی هر خانواده آن است که توجه بیش از حد به هزینه‌های روزمره، مانع دوراندیشی نشده و سهمی از درآمد به پس‌انداز برای آینده اقتصادی خانواده تعلق یابد، زیرا چه‌بسا در آینده شرایطی برای

انسان رخ دهد که نبود پس‌انداز کافی او را با بحران اقتصادی مواجه کند. حضرت امیر<sup>(ع)</sup> در خطبه ۱۸۵ نهج‌البلاغه در توصیف آفرینش اقسامی از

جانداران، انسان را به تأمل دربارهٔ مورچه دعوت کرده و می‌فرماید:

انظروا إِلَى النَّمْلَةِ فِي صَغَرِ جَنَّتِهَا وَطَافَةِ هَيْئَتِهَا لَا تَكَادُ تُتَالُ بِالْخَطِّ الْبَصَرِ وَلَا  
بِمُسْتَدْرَكِ الْفِكْرِ كَيْفَ دَبَّتْ عَلَى أَرْضِهَا وَصَبَّتْ عَلَى رِزْقِهَا تُنْقِلُ الْحَبَّةَ إِلَى جُحْرِهَا وَ  
تُعِدُّهَا فِي مَسْتَقَرِّهَا تَجْمَعُ فِي حَرِّهَا لِيَرُدَّهَا وَفِي وَرْدِهَا لِصَدْرِهَا...؛ به مورچه با  
اندام کوچک و هیئت لطیفش بنگرید که نه با چشم به‌خوبی دیده  
می‌شود و نه با اندیشه به‌طور شایسته درک می‌شود. نگاه کنید که این  
حیوان چگونه روی زمین دست و پا می‌زند و برای جمع‌آوری  
روزی خود، خود را روی زمین می‌کشد، دانه را به لانهٔ خود منتقل  
می‌کند و آنها را در قرارگاه خود آماده نگاه می‌دارد. در تابستان برای  
زمستانش ذخیره می‌کند و در ایام توانایی برای روزهای ناتوانی‌اش  
پس‌انداز می‌کند (شریف‌رضی، ۱۴۱۴ق: ۲۷۰؛ ارفع، ۱۳۷۹: ۸۲۱).

موضوع پس‌انداز، خالی از فایده هم نبوده و می‌تواند گوشه‌ای از تشویش و  
نگرانی انسان را از آینده تسکین داده و آسایش روانی را برایش به ارمغان آورد.  
نبی اکرم<sup>(ص)</sup> در این زمینه می‌فرماید: «إِنَّ النَّفْسَ إِذَا أَحْرَزَتْ قُوَّتَهَا اسْتَقَرَّتْ؛ هنگامی که  
انسان روزی‌اش تأمین باشد، آرامش می‌یابد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۸۹).

### انفاق بخشی از درآمد در راه‌های خداپسندانه و انسان‌دوستانه

از مسائل مهمی که شایسته است تا در هزینه‌های خانواده لحاظ شود،  
اختصاص بخشی از درآمد برای کارهای خیر است. هزینه کردن در راه دین  
به مقدار بضاعت، همچون: کمک به ساختن مدارس و مساجد و... ولو به

مقدار مبلغ اندک و ناچیز، وقف کردن بخشی از دارایی در راه خدا، حتی در حد یک خودنویس کوچک، مشارکت در پرداخت بدهی گرفتاران و دستگیری از مستمندان به‌ویژه اگر از بستگان و خویشاوندان باشند و... که همه و همه از مواردی است که می‌تواند در ردیف هزینه‌های ماهیانه و حتی سالیانه خانواده قرار بگیرد. خداوند در قرآن کریم از نمازگزاران مؤمنی که در دارایی‌شان، حق مشخصی برای نیازمندان قرار داده شده است به نیکویی یاد می‌کند: «وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ لِّلْسَائِلِ وَالْمَحْرُومِ؛ و همانان که در اموالشان حقی معلوم است، برای سائل و محروم» (معارف/۲۵-۲۴) و ناگفته پیداست افرادی که در مناطق دورافتاده، از امکانات آموزشی و بهداشتی مانند: مدرسه، درمانگاه و... محروم‌اند، می‌توانند در زمره محرومان نامبرده در این آیه قرار گیرند. بدون شک این کارهای خدایسندانه نزد خداوند بدون اجر نخواهد بود و پیش‌فرستاده‌ای برای مؤمن است. همان‌گونه که امیرمؤمنان<sup>(ع)</sup> در نامه‌ای خطاب به زیاده‌ن آیه فرموده‌اند: «وَأَذْكُرُ فِي الْيَوْمِ غَدًا وَ أُمْسِكُ مِنَ الْمَالِ بِقَدَرِ ضُرُورَتِكَ وَ قَدَمِ الْفَضْلِ لِيَوْمِ حَاجَتِكَ؛ از امروز به فکر فردا باش و از اموال دنیا به اندازه ضرورت و نیاز خویش بگیر و زیادی را برای روز نیازمندیت پیش فرست» (شریفرضی، ۱۴۱۴ق: ۳۷۷).

### ۱. اتفاق در نگاه قرآن و سیره رضوی

#### اتفاق در لغت و اصطلاح

اتفاق از ریشه «ن-ف-ق» به معنای کم شدن، نابود شدن، هزینه کردن، مخفی کردن و پوشاندن است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴: ۲۴۲).

در اصطلاح قرآن و متون دینی، انفاق به اعطای مال یا چیزی دیگر در راه خدا به فقیران و دیگر راه‌های مورد نیاز گفته می‌شود (الجرجانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱: ۵۳).  
به نوشته راجب، انفاق از آن‌رو به بخشیدن مال اطلاق می‌شود که با بخشش، به ظاهر مال فنا و زوال می‌یابد (۱۴۱۲ق: ۸۱۹).

#### انواع انفاق

انفاق در راه خدا را از جهت‌های گوناگون می‌توان تقسیم کرد: انفاق گاه در امور مادی و مال است و گاه در امور معنوی.

#### - انفاق مادی (اموال)

در آیات «انْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ» (بقره/۲۶۷) و «جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ» (توبه/۴۱) به انفاق اموال به‌عنوان بارزترین نوع انفاق مادی اشاره شده است.

در آیه ۲۶۷ سوره بقره، خداوند به مؤمنان فرمان می‌دهد از نیکوترین (طیبات) چیزی که کسب کرده‌اند برای انفاق در نظر بگیرند و هزینه کنند.

#### - انفاق معنوی

در برخی از آیات، مراد از انفاق فراتر از انفاق مادی است؛ ازجمله: انفاق در آیه سوم سوره بقره: «هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ...» \* و مِمَّا رَزَقْنَهُمْ يُنفِقُونَ؛ مایه هدایت تقواییان است... \* و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند که سرمایه‌های معنوی مانند نیروی عقل و دانش را نیز دربر می‌گیرد (طبرسی، ۱۳۹۰ق، ج ۱: ۱۲۲).

واژه «خیر» در «قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِللَّهِ وَالْآقِرِّينَ؛ بگو: هر مالی انفاق کنید، به پدر و مادر و نزدیکان» (بقره/۲۱۵) را نیز بسیاری از مفسران به مال تفسیر

کرده‌اند (طبرسی، ۱۳۹۰ق، ج ۲: ۵۴۶)؛ ولی برخی، آنرا اعم از مال می‌دانند (جوادی‌آملی، ۱۳۷۸، ج ۲: ۱۷۰) که در بردارنده امور معنوی نیز است.

واژه «شئی» در «و مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ وَ هَرَّ حَيْزِي در راه خدا خرج کنید» (انفال/۶۰) نیز به نظر برخی از مفسران افزون بر امور مادی، شامل امور معنوی هم می‌شود (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۷: ۲۲۸). همچنین جمله «تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ؛ از آنچه دوست دارید انفاق کنید» (آل عمران/۹۲) شامل سرمایه‌های غیرمادی همچون عقل و آبرو نیز می‌شود.

#### – انفاق واجب و مستحب

انفاق یا همان هزینه کردن، از جهت حکم شرعی نیز به واجب، مستحب و حرام قابل تقسیم است (البته در این تقسیم‌بندی، رویکرد مالی مورد توجه است) (طبرسی، ۱۳۹۰ق، ف، ج ۲: ۶۶۰).

انفاق واجب، طیف گسترده‌ای از واجبات مالی مانند: زکات، خمس، کفاره‌های مالی، اقسام فدیة و نفقه‌های واجب را شامل می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۴۰۵). به عنوان مثال، زکات از مصادیق بارز انفاق واجب است که مفسران در ذیل برخی از آیات مربوط به زکات (همان، ج ۱۵: ۱۰-۹) و انفاق (طبرسی، ۱۳۶۸، ج ۱: ۱۲۲) این نکته را یادآور شده‌اند (طبرسی، ۱۴۱۵ق: ۴۷/۵) از جمله: «و مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ؛ و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند» (بقره/۳) و «و الَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ؛ و کسانی که زر و سیم را گنجینه می‌کنند و آنرا در

راه خدا هزینه نمی‌کنند، ایشان را از عذابی دردناک خبر ده» (توبه/۳۴).  
از موارد دیگر انفاق‌های واجب، پرداخت خمس است: «وَعَلِّمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ؛ و بدانید که هر چیزی را به غنیمت گرفتید، یک‌پنجم آن برای خداست» (انفال / ۴۱).

کفاره‌های مالی مانند کفاره سوگند (مائده / ۸۹)، افزون بر این، گاه در موارد ضروری به دلایلی، انفاق واجب می‌شود. مانند تأمین هزینه جهاد که آیه ۱۹۵ سوره بقره «و انفقوا فی سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا تُلْقُوا بِأیدیْکُمْ إِلَى التَّهْلُکَةِ؛ و در راه خدا انفاق کنید و خود را با دست خود به هلاکت می‌فکنید» در این باره نازل شده است (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۳۵) یا رفع دیگر نیازهای ضروری جامعه مانند ساختن راه‌ها، پل‌ها، مدارس، مساجد و جز اینها که برخی، انفاق در این موارد را مصداقی از انفاق‌های واجب در آیه ۳۴ سوره توبه دانسته‌اند (صادقی، ۱۳۶۵، ج ۱۰: ۵۴).

از مصادیق انفاق مستحب، صدقه مستحب است که برخی، آیات انفاق را ناظر به آن دانسته‌اند؛ از جمله: «مَنْ ذَا الَّذِی یُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا؛ کیست آن کس که به [بندگان] خدا وام نیکویی دهد؟» (بقره / ۲۴۵؛ طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۱۳۷). همچنین مراد از انفاق را در آیات متعددی اعم از انفاق واجب و مستحب ذکر کرده‌اند، از جمله آیات ۳ و ۲۷۰ سوره بقره (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۱۹۵-۱۹۶).

مصادیقی از انفاق حرام نیز در قرآن کریم تصریح شده است مانند انفاق مشرکان در راه معصیت خداوند (همان، ۱۳۶۸، ج ۴: ۸۳۲): «أَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا

يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدَّوْا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ؛ بی گمان، کسانی که کفر ورزیدند، اموال خود را خرج می کنند تا [مردم را] از راه خدا بازدارند» (انفال / ۳۶).

#### اهمیت و جایگاه انفاق

ارزش و اهمیت انفاق از دیدگاه قرآن کریم را می توان از تعداد دفعات اشاره مستقیم به انفاق (بیش از ۷۰ بار) و طیف وسیعی از واژگان مترادف با آن دلالتی روشن بر اهمیت و ضرورت پرداختن به انفاق دانست. همچنین ویژگی ها و آثار مترتب بر انفاق مطلب دیگری است که ذهن مخاطب را به دنبال خود می کشد:

#### - امر به انفاق

مؤمنان در آیات متعددی مخاطب امر به انفاق هستند از جمله در آیات ذیل اشاره به این امر الهی دارد:

«انْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا يَبْعُ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ؛ از آنچه به شما روزی داده ایم انفاق کنید، پیش از آنکه روزی فرا رسد که در آن نه داد و ستدی است و نه دوستی و نه شفاعتی» (بقره / ۲۵۴). امر به انفاق پیش از رسیدن قیامت

وَأَنْفِقُوا مِنْ مَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْ أَنَا آخِرُتَنِي

إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُنْ مِنَ الصَّالِحِينَ؛ و از آنچه روزی شما

گردانیده ایم، انفاق کنید، پیش از آنکه مرگ یکی از شما فرا رسد و

بگوید: «پروردگارا، چرا تا مدتی بیشتر [اجل] مرا به تأخیر

نینداختی تا صدقه دهم و از نیکوکاران باشم؟ (منافقون / ۱۰).

گاه خداوند به پیامبر اکرم (ص) توصیه فرموده که این فرمان الهی را به بندگان خدا ابلاغ کند: «قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَهُمْ سِرًّا و

عَلَايَةً مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ؛ به آن بندگانم که ایمان آورده‌اند بگو: نماز را بر پا دارند و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم، پنهان و آشکارا انفاق کنند، پیش از آنکه روزی فرا رسد که در آن نه داد و ستدی باشد و نه دوستی» (ابراهیم / ۳۱). گاه مؤمنان را به سبب انفاق نکردن در راه خدا توبیخ کرده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹: ۱۷۵-۱۷۴): «وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ و شما را چه شده که در راه خدا انفاق نمی‌کنید» (حدید/ ۱۰). در شماری از آیات قرآنی امر به انفاق با تعبیری دیگر صورت گرفته است مانند جهاد با اموال «وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَالِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ؛ بسیج شوید و با مال و جانتان در راه خدا جهاد کنید. اگر بدانید، این برای شما بهتر است» (توبه / ۴۱) و قرض دادن به خداوند (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۵۹) «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا؛ و نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید و وام نیکو به خدا دهید» (مزمّل / ۲۰).

#### - انفاق در کنار عبادت

در برخی از آیات نفاق با فضای عمل نیک و عبادی مواجه می‌شویم:

وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَءَاتَى الْمَالَ

عَلَى حُبِّهِ...؛ نیکوکاری آن نیست که روی خود را به سوی مشرق [یا]

مغرب بگردانید بلکه نیکی آن است که کسی به خدا و روز

بازپسین، فرشتگان، کتاب [آسمانی] و پیامبران ایمان آورد و مال

[خود] را با وجود دوست داشتنش بدهد (بقره / ۱۷۷).

(ایتاء مال) همراه با ایمان به خدا، قیامت، ملائکه، قرآن و انبیای الهی از

مصادیق «بر» به شمار رفته است.

در آیاتی دیگر، انفاق همراه با ایمان به غیب (بقره/ ۳)، اقامه نماز (رعد/ ۲۲؛ بقره/ ۳ و ابراهیم/ ۳۱)، جهاد در راه خدا (نساء/ ۹۵؛ توبه/ ۲۰، ۴۱ و حجرات/ ۱۵)، شب زنده‌داری (سجده/ ۱۶)، صبر، صدق، خضوع و استغفار (آل عمران/ ۱۷) آمده است.

#### – انفاق، شاخصه بندگان خاص الهی

در آیات قرآن برای اینکه به مخاطبان خود بفهماند که انفاق کردن از رفتارهای باارزش و مهم است و همگان قادر نیستند هر نوع هزینه‌ای را برای هم‌نوع خود بپردازند، از این‌رو، به معرفی گروه‌هایی می‌پردازد که از سیره عملی برجسته آنان، انفاق کردن است. این گروه‌ها عبارت‌اند از:

##### عباد الرحمن

عباد الرحمن، کسانی هستند که همواره در مسیر اعتدال گام برداشته؛ از این‌رو، حتی در رفتار ارزشمند انفاق نیز از مسیر عدل خارج نشده و اسراف نمی‌کنند.

##### ابرار

ابرار، کسانی هستند که همواره بر اطعام مسکین، یتیم و اسیر مداومت می‌ورزند.

##### باتقویان

در آیات دوم و سوم سوره بقره و ۱۳۳ تا ۱۳۴ آل عمران، سیره انسان‌های باتقوا را در تمام احوال ذکر کرده است.

##### مؤمنان

در آیات سوم و چهارم سوره انفاق، کسانی که برپا دارنده نماز هستند و از روزی الهی که خداوند نصیبشان کرده به دیگران انفاق می‌کنند به‌عنوان مؤمن معرفی شده‌اند.

#### آثار انفاق

انفاق و هزینه کردن در راه خدا و رفع حاجت نیازمندان، آثار و برکات فردی و اجتماعی متعددی دربر دارد. این آثار، اعم از مادی و معنوی و دنیوی و اخروی است (مکارم‌شیرازی و دیگران، ۱۳۷۵، ج ۲: ۳۵۴-۳۵۳).

برخی از مهم‌ترین آثار انفاق را در یک نگاه کلی از نظر می‌گذرانیم:

پاکی نفس که مهم‌ترین اثر انفاق بر انفاق‌کننده، تطهیر و پاکی روح است (توبه/۱۰۳ و لیل/۱۸)، برطرف شدن خوف و حزن (توبه/۲۶۲ و ۲۷۴)، جبران و افزایش اموال (سبا/۳۹)، مورد محبت الهی قرار گرفتن (بقره/۱۹۵ و آل‌عمران/۱۳۴)، رحمت الهی (توبه/۹۹)، پاداش اخروی و فرجام نیک (بقره/۲۷۰ و توبه/۱۲۱).

#### شرایط و آداب انفاق

انفاق مانند بسیاری از اعمال و رفتارها، دارای آدابی است. قرآن درباره چگونگی انفاق و بهره‌مندی انفاق‌کننده و انفاق‌گیرنده نکاتی را مورد توجه قرار داده است که مخاطب این آداب، بیشتر انفاق‌کننده است. قوانینی که انفاق‌کننده باید در هنگام انفاق رعایت کند تا از پاداش الهی بهره‌مند شود، در سه رتبه یادآوری می‌شود:

- توجه به باورهای توحیدی

ایمان و نیت الهی (حدید/۷ و بقره/۲۶۵).

- انفاق از مال طیب و محبوب

در «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ مَا كَسَبْتُمْ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از چیزهای پاکیزه‌ای که به‌دست آورده‌اید انفاق کنید» (بقره/۲۶۷). به مؤمنان

فرمان داده شده است که از اموال پاکیزه‌ای که به‌دست آورده‌اند انفاق کنند. البته، برخی مفسران، مراد از «طیبات» را اموال حلال دانسته‌اند (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۱۹۱). این آیه درباره‌ی گروهی نازل شده که ثروت‌های فراهم‌شده از طریق ربا را در راه خدا انفاق می‌کردند (طوسی، بی‌تا، ج ۲: ۳۴۴). بنابر حدیثی، امام صادق<sup>(ع)</sup> به شخصی که با مال دزدیده شده انفاق می‌کرد، فرمودند: «خداوند تنها از پرهیزکاران (اعمال خیر را) می‌پذیرد: «أَنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ؛ خدا فقط از تقوایندگان می‌پذیرد» (مائدة/۲۷). علاوه بر این شرط که از دیدگاه فقهی در لزوم آن، تردیدی نیست، از برخی آیات دیگر نیز استفاده شده است، از جمله: ۲۴۵ و ۲۷۰ بقره (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۱۳۶).

#### – انفاق از اموال محبوب و مرغوب

از شرایط دیگر بهره‌مندی از پاداش الهی در انفاق این است که از سرمایه‌های مورد علاقه‌ی انفاق‌کننده صورت گیرد: «لَن تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ؛ هرگز به نیکوکاری نخواهید رسید تا از آنچه دوست دارید انفاق کنید» (آل عمران/ ۹۲).

در آیه ۱۷۷ سوره بقره نیز قید مذکور (غلی حُبّه) برای انفاق ذکر شده است. همچنین مؤمنان، مأمور شده‌اند که از اموال مرغوب و سالم انفاق کنند و از انفاق اموال نامرغوب بپرهیزند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا انْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ... وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از چیزهای پاکیزه‌ای که به‌دست آورده‌اید... و در پی ناپاکِ آن نروید که [از آن] انفاق کنید، در حالی که آنرا [اگر به خودتان می‌دادند] جز

با چشم‌پوشی [و بی‌میلی] نسبت به آن، نمی‌گرفتید».

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از چیزهای پاکیزه‌ای که به‌دست آورده‌اید و از آنچه برای شما از زمین برآورده‌ایم، انفاق کنید» (بقره/ ۲۶۷). برخی مراد از «طیبات» را در این آیه، مال بی‌عیب و نقص دانسته‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۶۰۷ و ۶۶۰). همچنین روایت شده که این آیه در مورد مسلمانانی نازل شده که خرمای خشک و نامرغوب را با خرمای خوب می‌آمیختند و به مستمندان می‌دادند (طبرسی، ۱۳۶۸، ج ۳: ۱۱۶-۱۱۵).

- پرهیز از ریا، منت‌گذاری و آزاررسانی

از مهم‌ترین شرایط پذیرش انفاق، عاری بودن انفاق از منت یا آزار دریافت‌کننده است: «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتَّبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنْ أَدَّى لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند. سپس در پی آنچه انفاق کرده‌اند منت و آزاری روا نمی‌دارند، پاداش آنان برایشان نزد پروردگارشان [محفوظ] است و بیمی بر آنان نیست و اندوهگین نمی‌شوند» (بقره/ ۲۶۲). از این رو، در برخی آیات به مؤمنان درباره‌ی منت گذاشتن بر نیازمند در هنگام انفاق هشدار داده و این کار موجب بطلان (حبط) انفاق شمرده شده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صدقه‌های خود را با منت و آزار، باطل نکنید» (بقره/ ۲۶۴). انفاق‌کننده باید هنگام انفاق بر دریافت‌کننده انفاق منت نگذارد یا اینکه با رفتار و حرکت خود، دریافت‌کننده انفاق را تحقیر نکند.

این رفتار را باید برای رضای الهی انجام دهد نه برای خودنمایی و شهرت‌طلبی در برابر دیدگان مردم و اگر چنین عمل کند تا در چشم دیگران محترم شود، از نظر قرآن، مردود است. در قرآن، انفاق آلوده به ریا و تهی از نیت خالصانه به قطعه سنگی تشبیه شده که بر آن لایه نازکی از خاک باشد و با بارش باران درشت قطره، صاف و بی‌ثمر رها شود:

كَأَنَّهُ يُفْقِئُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ قَاصٍ وَابِلٌ فَتَرَكُهُ صَلْدًا؛ مانند کسی که مالش را برای خودنمایی به مردم، انفاق می‌کند و به خدا و روز بازپسین ایمان ندارد. پس مثل او همچون مثل سنگ خارایی است که بر روی آن، خاکی [نشسته] است و رگباری به آن رسیده و آن [سنگ] را سخت و صاف بر جای نهاده است (بقره/ ۲۶۴).

چنین انفاقی نزد خداوند مقبول نیست و هیچ پاداشی ندارد.

#### – میانه‌روی در انفاق

شرط مهم دیگر برای انفاق، رعایت اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط در این کار خیر است: «وَالَّذِينَ إِذَا انْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا؛ و کسانی هستند که چون انفاق کنند، نه ولخرجی می‌کنند و نه تنگ می‌گیرند و میان این دو [روش] حد وسط را برمی‌گزینند» (فرقان/ ۶۷). در تفسیر این آیه، از امام صادق<sup>(ع)</sup> چنین نقل شده که حضرت، مشتی سنگریزه برداشتند، محکم در دست گرفتند و فرمودند: این «اقتار» است و مشتی دیگر برگرفتند و چنان دست را گشودند که همه ریگ‌ها ریخت و فرمودند که این «اسراف» است و بار سوم که سنگریزه‌ها را برداشتند، دست را تا آن حد گشودند که

برخی از ریگ‌ها ریخت و برخی دیگر ماند و فرمودند: این «قوام» است (عروسی حویزی، ۱۳۷۳، ج ۴: ۲۹). برخی گفته‌اند اسراف، انفاق در معصیت خدا، اقتار، خودداری از طاعت خدا و قوام، انفاق در طاعت خداست (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۷: ۳۱۱).

خداوند در آیه ۲۹ سوره اسراء خطاب به پیامبر فرموده که هرگز دست خود را بر گردنت زنجیر مکن و بیش از حد دست خود را مگشای تا مورد نکوهش قرار گیری: «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا» و دستت را به گردنت زنجیر مکن و بسیار [هم] گشاده‌دستی منما تا ملامت‌شده و حسرت‌زده بر جای مانی. «به نظر مفسران، مفاد جمله نخست آیه، نهی از انفاق نکردن و مفاد جمله دوم زیاده‌روی در آن است و این آیه به میانه‌روی در انفاق توصیه می‌کند (همان، ج ۶: ۲۴۴).

#### - انفاق نهانی

هرچند انفاق در راه خدا، چه آشکار باشد و چه نهان، دارای اجر و پاداش است: «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُم بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» کسانی که اموال خود را شب و روز و نهان و آشکارا انفاق می‌کنند، پاداش آنان نزد پروردگارشان خواهد بود و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند» (بقره / ۲۷۴؛ نحل / ۷۵ و فاطر / ۲۹)؛ اما انفاق پنهانی پاداش بیشتری دارد: «إِنْ تُبْدُوا الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ وَإِنْ تُخْفَوْهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهِيَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَيُكَفِّرُ عَنْكُمْ مِنْ سَيِّئَاتِكُمْ؛ اگر صدقه‌ها را آشکار کنید، این کار خوبی است و اگر آنرا پنهان دارید و به مستمندان بدهید، این برای شما بهتر است

و بخشی از گناهانتان را می‌زداید» (بقره/۲۷۱) زیرا در چنین انفاقی ریا قطعاً ممکن نیست و آبروی نیازمندان نیز محفوظ می‌ماند (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۳۴۵). برخی از مفسران گفته‌اند این امر، ویژه انفاق‌های مستحب است؛ اما انفاق‌های واجب بهتر است آشکار باشد (طبرسی، ۱۴۱۵ق: ج ۲: ۱۹۸).

#### – انفاق در شرایط دشوار

انفاق چه در حال گشایش روزی و عدم نیاز شدید خود فرد یا جامعه و چه در حال سختی و نیاز شدید، استحقاق پاداش دارد: «و سَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمُوتُ وَ الْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ \* الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ؛ و برای نیل به آمرزشی از پروردگار خود و بهشتی که پهنایش [به قدر] آسمان‌ها و زمین است [و] برای پرهیزگاران آماده شده است، بشتابید. \* همانان که در فراخی و تنگی انفاق می‌کنند» (آل عمران/ ۱۳۴-۱۳۳). اما انفاق در شرایط بحرانی و دشوار از اجر بیشتری برخوردار است. چنان‌که قرآن کریم انفاق قبل از فتح را که دوره مشقت مسلمانان بود، برتر از انفاق پس از فتح دانسته است:

لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ انْفَقَ قَبْلَ الْفَتْحِ وَقَتْلِ أُولَئِكَ اعْظُمُ دَرَجَةٌ مِّنَ الَّذِينَ انْفَقُوا  
مِن بَعْدُ وَقَتَلُوا وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى؛ و شما را چه شده که در راه خدا  
انفاق نمی‌کنید و [حال آنکه] میراث آسمان‌ها و زمین به خدا تعلق  
دارد؟ کسانی از شما که پیش از فتح [مکه] انفاق و جهاد کرده‌اند،  
[با دیگران] یکسان نیستند. آنان از [حیث] درجه، بزرگ‌تر از  
کسانی هستند که بعداً به انفاق و جهاد پرداخته‌اند و خداوند به هر  
کدام وعده نیکو داده است (حدید/۱۰).

#### مصارف انفاق

در آیات بسیاری، از انفاق در راه خدا به گونه مطلق «فی سَبِيلِ اللَّهِ» سخن به میان آمده مانند: «وَاتَّقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (بقره/ ۱۹۵، ۲۶۲ - ۲۶۱؛ انفال/ ۶۰؛ محمد/ ۳۸ و حدید/ ۱۰). هرچند شأن نزول برخی از این آیات موارد خاصی مانند جهاد در راه خدا بوده (طوسی، بی تا: ج ۵: ۱۴۹)، ولی به تصریح مفسران «فی سَبِيلِ اللَّهِ» تعبیری عام است و همه کارهای خیر و مشروع را دربر می گیرد، مانند: جهاد با دشمن، حج، ساختن پل، مسجد و مانند اینها، کمک کردن به نیازمندان، یتیمان و جز آن (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۳۵). با این همه، در برخی از آیات، مصارف ویژه‌ای برای انفاق ذکر شده و برای برخی از موارد مصرف دارایی، ویژگی‌هایی به‌شمار رفته و بر سایر موارد مقدم شده است. این موارد عبارت‌اند از:

#### - خویشاوندان

در آیات متعددی که از مصارف انفاق سخن رفته، خویشاوندان مقدم بر دیگران ذکر شده‌اند (بقره/ ۱۷۷ و اسرا/ ۲۶).

از میان خویشاوندان، پدر و مادر (وَالدَّيْنِ) بر دیگران مقدم‌اند: «يَسْتَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُ مِنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ؛ از تو می‌پرسند: چه چیزی انفاق کنند [و به چه کسی بدهند]؟ بگو: هر مالی انفاق کنید، به پدر و مادر و نزدیکان» (بقره/ ۲۱۵). مراد از «والدین» در اینجا، پدر و مادر و پدر پدر و مادر پدر است و سلسه مراتب بالاتر، زیرا همه مشمول اسم والدین هستند (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۷۰).

در احادیث هم اولویت خویشاوندان به‌ویژه بستگان نزدیک بر دیگران در انفاق تأکید شده است. «قَالَ سَمِعْتُ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ (ع) يَقُولُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقُولُ ابْدَأْ بِمَنْ تَعُولُ أُمُّكَ وَ أَبَاكَ وَ أَخْتَكَ وَ أَخَاكَ ثُمَّ أَدْنَاكَ فَأَدْنَاكَ وَ قَالَ لَنَا صَدَقَةٌ وَ ذُو رَحِمٍ مُخْتَأَجٌ» (مفید، الف: ۲۱۹).

#### - یتیمان

مورد دیگر صرف مال در انفاق، یتیمان نیازمند هستند (بقره/۲۱۵ و ۱۷۷ و نسا/۸).

یتیم به فردی اطلاق می‌شود که از نعمت پدر محروم است. «يُتِمُّ- جدا شدن کودک از پدر (یتیم شدن) که قبل از سن بلوغ است و برای سایر حیوانات در مردن مادر آنها به‌کار می‌رود (بی‌مادر شدن) و جمعش یتامی است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۸۸۹). «او اطعم فی یوم ذی مَسْغَبَةٍ \* یتیمًا ذا مَقْرَبَةٍ؛ یا در روز گرسنگی، طعام دادن به یتیمی خویشاوند» (بلد/ ۱۵-۱۴).

کلمه «مَسْغَبٍ» به معنای گرسنگی و قحطی است و کلمه «مَقْرَبٍ» به معنای قرابت نسبی است و کلمه «مَتْرَبٍ» از ماده «تراب» (خاک) گرفته شده و معنایش خاک‌نشین از شدت فقر است و معنای آیه این است: «انسان مورد بحث به هیچ عقبه‌ای قدم نهاد نه بنده‌ای آزاد کرد و نه در روز قحطی طعامی داد، نه به یتیمی خویشاوند و نه به مسکینی خاک‌نشین» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰: ۴۹۱).

#### - فقرا و مساکین

در اصطلاح، فقیر به کسی گفته می‌شود که از شدت ضعف و سختی،

تعبیر به شکسته شدن مهره‌های پشت وی شده است. «اصل - فقیر - کسی است که مهره‌های پشتش شکسته شده» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۶۴۱) و مسکین «کسی است که هیچ چیز نداشته باشد و از واژه - فقر - رساتر و بلیغ‌تر است و در آیه: «أَمَّا السَّفِيَّةُ فَكَانَتْ لِمَسَاكِينٍ» (کهف/۷۹)، علت مساکین نامیدن صاحبان کشتی، یا پس از، از بین رفتن کشتی‌شان بوده یا به‌خاطر اینکه کشتی آنها در کنار مسکنتشان قابل توجه نبوده، به حساب نمی‌آمده، «وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمُسْكِنَةُ» (بقره/۶۱) و راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۴۱۸). اهل شرع، کسی را مسکین گویند که هیچ ندارد و کسی را فقیر نامند که آن قدر مال نداشته باشد که زکات بر آن واجب شود. همچنین به فردی اطلاق می‌شود که از فقیر بد حال‌تر باشد.

در آیه ۳۸ سوره روم به پیامبر<sup>(ص)</sup> امر شده که حق مسکینان را بدهد: «فَاتِذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ؛ پس حق خویشاوند و تنگدست را بده.» بیشتر تفاسیر (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۸: ۶۳). مراد از این حق را حقوق واجب مانند: زکات، خمس و رفع نیازهای ضروری نیازمندان و برخی (قرطبی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴: ۲۵) اعم از حقوق واجب و مستحب دانسته‌اند. نیازمندان آبرومند که دست نیاز به‌سوی دیگران نمی‌کشایند بر دیگران مقدم‌اند (بقره/۲۷۳).

شاید ذکر فقیر قانع (آن که نیاز خود را ابراز نمی‌کند) پیش از مُعْتَرَّ (آن که دست نیاز به‌سوی دیگران دراز می‌کند) (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۷: ۱۵۵). در آیه ۳۶ سوره حج: «فَكُلُوا مِنْهَا وَاطْعَمُوا الْفَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ؛ از آنها بخورید و به تنگدست [سائل] و

به بینوا [ی غیر سائل] بخورانید»، به تقدم این گونه نیازمندان اشاره داشته باشد و امر در جمله «فَكُلُوا مِنْهَا» برای اباحه و رفع ممنوعیت است و خلاصه معنای «كُلُوا» این است که می‌توانید بخورید و کلمه «قانع» به معنای فقیری است که به هر چه به او بدهند قناعت می‌کند چه سؤال بکند یا نکند و «مُعْتَرٍّ» فقیری است که برای سؤال نزد تو آمده باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴: ۵۳۰)

#### - ابن السَّيْل

به معنای کسی است که در سفر فقیر شده باشد یا اگر او را (پسر راه) خوانده‌اند، از این بابت است که به غیر از راه، چیزی نیست که وی منسوب به آن باشد. تنها این مقدار به او معرفت داریم که در راه سفر است. به این جهت، او را پسر راه خوانده‌اند (همان، ج ۴: ۵۶۲).

یا در تعبیری دیگر، این گونه معرفی می‌شود: مسافری دور از خانمان و منزل، منسوب شدن او به راه، برای راه رفتن پیوسته اوست که در یک‌جا ثابت و ساکن نیست (راغب‌اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۳۹۵)

و نیز ابن‌السَّيْل کسی را گویند که از وطن خود دور افتاده و در دیار غربت تهیدست شده باشد، هر چند در وطن خود توانگر و ثروتمند باشد، به چنین کسی از مال زکات سهمی می‌دهند تا به وطن خود بازگردد (همان، ج ۹: ۴۱۹). آری، مسافرانی که به علت از دست دادن توان مالی خود از ادامه سفر خود بازمانده‌اند نیز از جمله مصارف انفاق‌اند (بقره/ ۲۱۵).

#### - مهاجران در راه خدا

از دیگر موارد صرف مال در انفاق، کسانی هستند که بر اثر هجرت در

راه خدا، امکان تأمین معاش ندارند.

لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسِبُهُمُ  
الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعْطَفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ  
خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ؛ [این صدقات]، برای آن [دسته از] نیازمندی  
است که در راه خدا فرومانده‌اند و نمی‌توانند [برای تأمین هزینه  
زندگی] در زمین سفر کنند. از شدت خویشتن‌داری، فرد بی‌اطلاع،  
آنان را توانگر می‌پندارد. آنها را از سیمایشان می‌شناسی. با اصرار،  
[چیزی] از مردم نمی‌خواهند و هر مالی [به آنان] انفاق کنید، قطعاً  
خدا از آن آگاه است (بقره/ ۲۷۳).

در این آیه، بهترین مواردی که انفاق در آنجا باید صورت گیرد، بیان شده  
است و آن، کسانی هستند که دارای صفات سه‌گانه‌ای که در این آیه آمده است  
هستند. در بیان اولین وصف آنان می‌فرماید: «لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ انفاق  
شما به‌خصوص باید برای کسانی باشد که در راه خدا، محصور شده‌اند.»  
یعنی کسانی که به‌خاطر اشتغال به جهاد در راه خدا و نبرد با دشمن و  
یادگیری فنون جنگی یا تحصیل علوم لازم دیگر، از تلاش برای معاش و  
تأمین هزینه زندگی بازمانده‌اند، یک نمونه روشن آن، اصحاب صفه در عصر  
پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> بودند.

سپس برای تأکید می‌افزاید: «لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ؛ همان‌ها که  
نمی‌توانند سفری کنند» و سرمایه‌ای به‌دست آورند. تعبیر به «ضَرْبٌ فِي الْأَرْضِ»  
به‌جای سفر، به‌خاطر آن است که مسافران به‌خصوص آنها که برای هدف‌های  
مهمی پیاده به سفر می‌روند، پیوسته پای بر زمین می‌کوبند و پیش می‌روند.

بنابراین، کسانی که می‌توانند تأمین زندگی کنند، باید مشقت و رنج سفر را تحمل کرده، از دسترنج دیگران استفاده نکنند مگر اینکه کار مهم‌تری همچون جهاد در راه خدا یا فرا گرفتن علوم واجب، مانع از سفر شود.

در دومین توصیف از آنان، می‌فرماید: «يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ؛ کسانی که افراد نادان و بی‌اطلاع، آن‌ها را از شدت عفاف غنی می‌پندارند.»

ولی این سخن به آن مفهوم نیست که این نیازمندان با شخصیت قابل شناخت نیستند. لذا، می‌افزاید: «تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ؛ آنها را از چهره‌هایشان می‌شناسی.»

در سومین توصیف از آنان می‌فرماید: آنها چنان بزرگوارند که «لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِحْصَاءً؛ هرگز چیزی با اصرار از مردم نمی‌خوانند.» اصولاً، آنها از مردم چیزی نمی‌خواهند تا چه رسد به اینکه اصرار در سؤال داشته باشند و به تعبیر دیگر، معمول نیازمندان عادی، اصرار در سؤال است؛ اما آنها نیازمند عادی نیستند.

- سائلان

«وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ؛ و در اموالشان برای سائل و محروم حقی [معین] بود» (ذاریات/۱۹).

تعبیر به «حَقِّ» در اینجا یا به‌خاطر این است که خداوند بر آنها لازم شمرده است (مانند زکات، خمس و سایر حقوق واجب شرعی) یا آنها خود، بر خویشان الزام و تعهد کرده‌اند و در این صورت، غیر حقوق واجب را نیز شامل می‌شود.

بعضی معتقدند این آیه تنها ناظر به قسم دوم است و حقوق واجب را شامل نمی‌شود، زیرا حقوق واجب در اموال همه مردم است، اعم از پرهیزگاران و غیر آنها و حتی کفار. بنابراین، وقتی می‌گویید: در اموال آنها

چنین حقی است یعنی علاوه بر واجبات، آنها بر خود لازم می‌دانند که در راه خدا از اموال خویش به سائلان و محرومان انفاق کنند ولی می‌توان گفت که فرق نیکوکاران با دیگران آن است که آنها این حقوق را ادا می‌کنند در حالی که دیگران مقید به آن نیستند.

این تفسیر نیز گفته شده که تعبیر به «سائل» در مورد حقوق واجب است، چراکه حق سؤال و مطالبه دارد و تعبیر به «محروم» در حقوق مستحب است که حق مطالبه در آن نیست.

در حدیثی از امام صادق<sup>(ع)</sup> می‌خوانیم:

وَلَكِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ فَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ حَقَّوَقًا غَيْرَ الزَّكَاةِ فَقَالَ عَزَّوَجَلَّ «وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ» (معارج/۲۵) فَالْحَقُّ الْمَعْلُومُ مِنْ غَيْرِ الزَّكَاةِ وَهُوَ شَيْءٌ يُفْرَضُ الرَّجُلُ عَلَى نَفْسِهِ فِي مَالِهِ يَجِبُ عَلَيْهِ أَنْ يُفْرَضَهُ عَلَى قَدَرِ طَاقَتِهِ وَ سَعَةِ مَالِهِ فَيُؤَدَّى الَّذِي فَرَضَ عَلَى نَفْسِهِ إِنْ شَاءَ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَإِنْ شَاءَ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ وَإِنْ شَاءَ فِي كُلِّ شَهْرٍ وَلِيَ خَدَاوَنَدَ مَتَعَالٍ فِي أَمْوَالِ ثَرَوَتَمَنَدَانِ حَقَّوَقِي غَيْرَ از زَكَاتِ قَرَار داد. از جمله اینکه فرموده است: در اموال آنها حق معلومی برای سائل و محروم است. بنابراین، «حق معلوم» غیر از زکات است و آن، چیزی است که انسان شخصاً بر خود لازم می‌کند که برای هر روز از مالش بپردازد یا اگر بخواهد در هر جمعه و یا در هر ماه.

عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ<sup>(ع)</sup> قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ فَرَضَ لِلْفُقَرَاءِ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ فَرِيضَةً لَا يُحْمَدُونَ إِلَّا بِأَدَائِهَا وَ هِيَ الزَّكَاةُ بِهَا حَقُّوَا دِمَاءَهُمْ وَ بِهَا سُمُّوَا مُسْلِمِينَ وَلَكِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ فَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ حَقَّوَقًا غَيْرَ الزَّكَاةِ فَقَالَ عَزَّوَجَلَّ «وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ» (معارج/۲۵). فَالْحَقُّ الْمَعْلُومُ مِنْ غَيْرِ الزَّكَاةِ وَهُوَ شَيْءٌ يُفْرَضُ الرَّجُلُ عَلَى نَفْسِهِ فِي مَالِهِ يَجِبُ عَلَيْهِ أَنْ يُفْرَضَهُ عَلَى قَدَرِ طَاقَتِهِ وَ سَعَةِ مَالِهِ فَيُؤَدَّى الَّذِي فَرَضَ عَلَى نَفْسِهِ إِنْ شَاءَ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَإِنْ شَاءَ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ

وَإِنْ شَاءَ فِي كُلِّ شَهْرٍ وَقَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَيْضاً - أَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضاً حَسَنًا (حدید/۱۷) وَ هَذَا غَيْرُ الزَّكَاةِ وَقَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَيْضاً - يُنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً (إبراهیم/۳۲) وَ الْمَاعُونُ أَيْضاً وَ هُوَ الْقَرْضُ يُقْرَضُ وَ الْمَتَاعُ يُعِيرُهُ وَ الْمَعْرُوفُ يَصْنَعُهُ وَ مِمَّا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَيْضاً فِي الْمَالِ مِنْ غَيْرِ الزَّكَاةِ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ جَلَّ الَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ (رعد/ ۲۲) وَ مَنْ أَدَّى مَا فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ فَقَدْ قَضَى مَا عَلَيْهِ وَ أَدَّى شُكْرَ مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي مَالِهِ إِذَا هُوَ حَمْدُهُ عَلَى مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِيهِ مِمَّا فَضَّلَهُ بِهِ مِنَ السَّعَةِ عَلَى غَيْرِهِ وَلِمَا وَفَّقَهُ لِإِدَاءِ مَا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ وَ أَغَانَهُ عَلَيْهِ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳: ۴۹۹-۴۹۸).

در اینکه میان «سائل» و «محروم» چه تفاوتی است؟ جمعی گفته‌اند:

«سائل» کسی است که از مردم تقاضای کمک می‌کند ولی «محروم» شخص آبرومندی است که برای معیشت خود نهایت تلاش و کوشش را به خرج می‌دهد اما دستش به جایی نمی‌رسد و کسب و کار و زندگیش به هم پیچیده است و با این حال خویشتن‌داری کرده، از کسی تقاضای کمک نمی‌کند. این، همان کسی است که از او تعبیر به «محارف» می‌شود؛ زیرا در تفسیر محارف در کتاب‌های لغت و روایت‌های اسلامی آمده است «او کسی است که هر قدر تلاش می‌کند درآمدی به دست نمی‌آورد گویی راه‌های زندگی به روی او بسته شده است.»

- جهاد در راه خدا

در آیه ۶۰ سورة انفال مسلمانان به تهیه ابزارآلات نظامی و صرف مال در این راه ترغیب شده‌اند: «وَاَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ... وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ؛ وَ هَرَّ حَظٌّ فِيهِ دَارِدٌ مِنْ نِيرُو وَ اسْبَ هَای آماده بسیج کنید،....»

و هر چیزی در راه خدا خرج کنید پاداشش به خود شما بازگردانیده می‌شود.» همچنین در آیه‌ای دیگر، مؤمنان مأمور شده‌اند که با ترک نکردن انفاق در راه جهاد که موجب غلبه دشمن بر آنان می‌شود، (رشید رضا، ۱۳۷۳ق، ج ۲: ۲۱۳) خود را به هلاکت نیندازند: «و انفقوا فی سبیلِ الله ولا تلقوا بایدیکم الی التهلکة؛ و در راه خدا انفاق کنید و خود را با دست خود به هلاکت می‌فکنید» (بقره / ۱۹۵).

#### - مؤلفی القلوب

از جمله مصارف انفاق‌های واجب (مانند زکات)، کمک کردن به کافران به انگیزه جلب محبت آنان و دلجویی از آنهاست. إِنَّمَا الصَّدَقَتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسْكِينِ وَ الْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَ الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَ فِي الرِّقَابِ وَ الْعَارِمِينَ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ؛ صدقات، تنها به تهیدستان، بینوایان، متصدیان [گردآوری و پخش] آن و کسانی که دلشان به دست آورده می‌شود و در [راه آزادی] بردگان، وامداران و در راه خدا و به در راه مانده، اختصاص دارد. [این]، به عنوان فریضه از جانب خداست و خدا، دانای حکیم است (توبه / ۶۰).

همچنین اصولاً انفاق به آنان مستحب و موجب پاداش الهی است: «لَيْسَ عَلَيْكَ هُدَاهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَن يَشَاءُ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَأَنفُسُكُمْ؛ هدایت آنان بر عهده تو نیست، بلکه خدا هر که را بخواهد هدایت می‌کند و هر مالی که انفاق کنید، به سود خود شماست» (بقره / ۲۷۲). در شأن نزول این آیه نقل شده که ابتدا مسلمانان حاضر نبودند به غیر مسلمانان کمک مالی کنند و این آیه نازل شد و

این کار را روا شمرد (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۱۹۹). همچنین نقل شده که مادر و جدۀ کافر زنی مسلمان به نام اسماء از او درخواست کمک کردند، ولی او به سبب کفر آنان، از انفاق خودداری کرد و این آیه نازل شد (زمخشری، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۳۱۷). البته، انفاق کردن تنها به کافرانی جایز است که با مسلمانان به جنگ برخیزند و آنان را از دیارشان بیرون نکنند: «لَا يَنْهَكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقْتُلُوا فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوا مِنْ دِينِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ؛ [اما] خدا شما را از کسانی که در [کار] دین با شما نجنگیده و شما را از دیارتان بیرون نکرده‌اند، باز نمی‌دارد که با آنان نیکی کنید و با ایشان عدالت ورزید» (ممتحنه / ۸).

#### موانع انفاق

در قرآن کریم به موانع متعدد انفاق در راه خدا، اشاره شده است که برخی از آنها درونی و برخاسته از شخصیت روانی و اخلاقی خود شخص و برخی هم بیرونی است. این موانع، عبارت‌اند از:

#### – شیطان

شیطان که همواره درصدد است تا انسان را از انجام هر کار خیری بازدارد، می‌کوشد با وعده دادن فقر به انسان، وی را از کمک به نیازمندان بازدارد:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا مِنْ طَبَائِعِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَكَأَنَّ تَتَّبِعُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ \* الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از چیزهای پاکیزه‌ای که به دست آورده‌اید و از آنچه برای شما از زمین برآورده‌ایم، انفاق کنید و در پی ناپاک آن نروید که [از آن] انفاق کنید، در حالی که آن را [اگر به خودتان می‌دانند] جز با

چشم‌پوشی [و بی‌میلی] نسبت به آن، نمی‌گرفتید و بدانید که خداوند، بی‌نیاز ستوده [صفات] است. شیطان شما را از تهیدستی بیم می‌دهد و شما را به زشتی وامی‌دارد [ولی] خداوند از جانب خود به شما وعدهٔ آمرزش و بخشش می‌دهد و خداوند، گشایشگر داناست (بقره / ۲۶۸-۲۶۷).

حتی در کار کسانی که موفق به انفاق می‌شوند، دخالت کرده و تلاش می‌کند با آلوده کردن آن به ریا انفاق آنان را باطل سازد:

وَالَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا؛ و کسانی که اموالشان را برای نشان دادن به مردم انفاق می‌کنند و به خدا و روز بازپسین ایمان ندارند و هر کس شیطان یار او باشد، چه بد همدمی است (نساء / ۳۸).

- ضعف یا فقدان ایمان

منافقان - نماد فقدان ایمان در قالب مؤمن - به دیگران توصیه می‌کردند که به مسلمانان کمک نکنند تا از اطراف پیامبر<sup>(ص)</sup> پراکنده شوند: «هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَى مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفَضُوا؛ آنان کسانی‌اند که می‌گویند: «به کسانی که نزد پیامبر خداوند انفاق کنید تا پراکنده شوند و حال آنکه گنجینه‌های آسمان‌ها و زمین از آن خداست ولی منافقان در نمی‌یابند» (منافقون / ۷). همچنین هنگامی که مسئلهٔ جهاد و کمک مالی به آن در میان بود، نزد پیامبر اسلام<sup>(ص)</sup> می‌آمدند و برای فرار از جهاد و انفاق از آن حضرت اجازه می‌گرفتند:

لَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَاللَّهُ عَلَيْهِمُ بِالْمُتَّقِينَ\* إِنَّمَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَارْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِي رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ؛ کسانی که به خدا و روز بازپسین ایمان دارند، در جهاد با

مال و جانسان از تو [عذر و] اجازه نمی‌خواهند و خدا به [حال]  
تقوای پیشگان داناست. تنها کسانی از تو اجازه می‌خواهند [به جهاد  
نروند] که به خدا و روز بازپسین ایمان ندارند و دل‌هایشان به شک  
افتاده و در شک خود سرگردانند (توبه / ۴۵-۴۴).

#### - دوستی مال و اولاد

از دیگر موانع انفاق، حب شدید انسان به مال و فرزندان است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَاؤُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ \* وَأَنْفِقُوا مِنْ مَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُن مِّنَ الصَّالِحِينَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، [زنهار] اموال شما و فرزندان شما را از یاد خدا غافل نگردانید و هر کس چنین کند، آنان خود زیانکارانند. از آنچه روزی شما گردانیده‌ایم، انفاق کنید پیش از آنکه یکی از شما را مرگ فرا رسد و بگوید: «پروردگارا، چرا تا مدتی بیشتر [اجل] مرا به تأخیر نینداختی تا صدقه دهم و از نیکوکاران باشم؟ (منافقون / ۱۰-۹).

سرّ این نکته، آن است که گاه علاقه شدید انسان به آنان باعث می‌شود از ایمان به خدا یا انجام کارهای نیک همچون انفاق در راه خدا بازماند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹: ۳۰۷).

#### - بخل

صفت ناپسند بخل، از دیگر موانع انفاق است:

هَٰأَنْتُمْ هَٰؤُلَاءِ تُدْعَوْنَ لِتَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخُلُ وَمَنْ يَبْخُلْ فَإِنَّمَا يَخِلْ عَن نَّفْسِهِ وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ وَإِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ؛ شما همان [مردمی] هستید که برای انفاق در راه خدا

فراخوانده شده‌اید. پس برخی از شما بخل می‌ورزند و هر کس بخل ورزد تنها به زیان خود بخل ورزیده و [گرنه] خدا بی‌نیاز است و شما نیازمندید و اگر روی برتابید [خدا] جای شما را به مردمی غیر از شما خواهد داد که مانند شما نخواهند بود (محمد/۳۸).

از این رو، در برخی از آیات، مؤمنان را از بخل ورزیدن نسبت به دیگران بر حذر داشته و نسبت به پیامدهای ناگوار آن هشدار داده است:

وَلَا يَحْسِبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ؛ و کسانی که به آنچه خدا از فضل خود به آنان عطا کرده، بخل می‌ورزند، هرگز تصور نکنند که آن [بخل] برای آنان خوب است، بلکه برایشان بد است. به زودی آنچه که به آن بخل ورزیده‌اند، روز قیامت طوق گردنشان می‌شود (آل عمران/ ۱۸۰).

#### - ترس از فقر

از دیگر موانعی که باعث می‌شود عده‌ای از انفاق در راه خدا امتناع ورزند، ترس آنان از فقیر شدن است: «قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا؛ بگو: اگر شما مالک گنجینه‌های رحمت پروردگارم بودید، باز هم از بیم خرج کردن قطعاً امساک می‌ورزیدید و انسان، همواره بخیل است» (اسرا/۱۰۰). مقصود از «خَشْيَةُ الْإِنْفَاقِ» در این آیه، ترس از فقر است (طبرسی، ۱۳۶۸، ج ۶: ۶۸۳).

#### پیامدهای ترک انفاق

آثار ترک انفاق از دیدگاه قرآن از مباحث پیشین قابل دریافت است. با این همه، به دلیل تأکید قرآن بر شماری از این آثار، مهم‌ترین آنها ذکر می‌شود:

## - نامنی و نابودی جوامع

تأمین امنیت جامعه اسلامی در برابر دشمنان خارجی و ناهنجاری‌های داخلی نیاز به صرف هزینه دارد و کوتاهی در این زمینه و فرو گذاشتن انفاق باعث می‌شود که سپر حفاظتی نظام اسلامی و جامعه تضعیف شود و مسلمانان در معرض خطر و نابودی قرار گیرند: «و انفقوا فی سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأیدیْکُمْ إِلَى التَّهْلُکَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ؛ و در راه خدا انفاق کنید و خود را با دست خود به هلاکت می‌فکنید و نیکی کنید که خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد» (بقره/۱۹۵). برخی از مفسران، انفاق به فقیران و نیازمندان جامعه را نیز مصداقی از این آیه دانسته‌اند (مکارم‌شیرازی و دیگران، ۱۳۷۵، ج ۲: ۳۸-۳۷).

## - زوال نعمت

ترک انفاق به نیازمندان، عامل سلب و زوال نعمت است. قرآن در سوره قلم به داستان باغدارانی اشاره کرده که هنگام چیدن میوه‌ها صبحگاهان روانه باغ‌های خود می‌شدند تا مستمندان مطلع نشوند. سرانجام، خداوند عذابی فرستاد و همه درختان و میوه‌های آنان را نابود ساخت (قلم/۲۴-۱۷). همچنین قرآن در آیه ۳۸ سوره محمد به مسلمانان هشدار می‌دهد که اگر در یاری اسلام و انفاق در راه آن کوتاهی کنند خداوند گروهی بهتر از آنان را جایگزین آنان خواهد کرد (فرقان/ ۲۷-۲۶ و ۱۳۹).

## - محرومیت از محبت و نصرت خداوند

خداوند بخیلانی را که به دیگران کمک نمی‌کنند دوست ندارد: «وَاللَّهِ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ\* الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ؛ و خدا هیچ خودپسند

فخرفروشی را دوست ندارد. همانان که بخل می‌ورزند و مردم را به بخل ورزیدن وامی‌دارند» (حدید/ ۲۴-۲۳) و آنان را یاری نخواهد کرد: «وَمَا أَفْقَمْتُمْ مِّنْ نَّفَقَةٍ أَوْ نَذْرٍ مِّنْ نَّذْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ؛ و هر نفقه‌ای را که انفاق یا هر نذری را که عهد کرده‌اید، قطعاً خداوند آن را می‌داند و برای ستمکاران هیچ یابوری نیست» (بقره/ ۲۷۰). ذکر جمله «وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ» به دنبال ترغیب به انفاق اشاره به این دارد که آنان که انفاق را ترک گفته (صادقی، ۱۳۶۵، ج ۳: ۲۹۶) یا شرایط لازم انفاق را رعایت نمی‌کنند (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۱۹۶) ظالم‌اند و از نصرت خداوند محروم خواهند بود.

#### - حسرت هنگام مرگ و قیامت

آنان که از انفاق خودداری کنند، هنگام قبض روح، از خداوند می‌خواهند تا مرگ آنان را به تأخیر اندازد تا در راه خدا انفاق کرده و عمل صالح انجام دهند: «و انفقوا مِن ما رَزَقْنٰكُمْ مِن قَبْلِ اَنْ يَّاتِيَ اَحَدُكُمْ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا اَخَّرْتَنِيْ اِلٰى اَجَلٍ قَرِيبٍ فَاَصَّدَّقَ وَاَكُنْ مِنَ الصَّٰلِحِيْنَ؛ و از آنچه روزی شما گردانیده‌ایم، انفاق کنید، پیش از آنکه یکی از شما را مرگ فرارسد و بگوید: پروردگارا! چرا تا مدتی بیشتر [اجل] مرا به تأخیر نینداختی تا صدقه دهم و از نیکوکاران باشم؟» (منافقون/ ۱۰)؛ ولی فرشتگان الهی تقاضای آنان را رد کرده و پاسخ می‌دهند که خداوند هرگز اجل کسی را به تأخیر نمی‌اندازد: «وَلَنْ يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا اِذَا جَاءَ اَجَلُهَا؛ [ولی] هر کس اجلش فرا رسد، هرگز خدا [آن را] به تأخیر نمی‌افکند» (همان/ ۱۱). همچنین، اینان وقتی گرفتار عذاب دردناک الهی می‌شوند حسرت می‌خورند که ای کاش اعمال خیری را برای این روز خود

پیش می‌فرستادند: «كَلَّا بَلْ لَاتُكْرَمُونَ الْيَتِيمَ \* وَلَا تَحَاضُّونَ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينَ... يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي؛ ولی نه، بلکه یتیم را نمی‌نوازید \* و بر خوراک [دادن] بینوا همدیگر را بر نمی‌انگیزید....گوید: کاش برای زندگانی خود [چیزی] پیش فرستاده بودم» (فجر/۱۸-۱۷ و ۲۴).

#### - عذاب دردناک اخروی

قرآن در آیات متعدد به ترک‌کنندگان انفاق وعده مجازات داده و از عذاب دردناک آنان در قیامت خبر داده است. در آیه ۱۸۰ سوره آل عمران مال‌اندوزی و بخل ورزیدن را برای امساک‌کنندگان از انفاق شری دانسته که در قیامت به‌صورت طوقی از آتش بر گردن آنان افکنده می‌شود.

#### - محرومیت از شفاعت

ترک‌کنندگان انفاق هنگام گرفتار شدن در آتش جهنم، دوست و یآوری نخواهند داشت تا شفیع آنان باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹: ۴۰۱). «وَلَا يُخْضُ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينَ \* فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هُنَا حَمِيمٌ؛ و به اطعام مسکین تشویق نمی‌کرد. پس امروز او را در اینجا حمایت‌گری نیست» (حاقه/۳۵-۳۴) و شفاعت شفاعت‌گران دیگر نیز به حالشان سودی ندارد: «وَلَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمِسْكِينَ \* وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَاطِئِينَ \* فَمَا تَتَّغُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ؛ و بینوایان را غذا نمی‌دادیم. با هرزه‌درایان، هرزه‌درایی می‌کردیم و روز جزا را دروغ می‌شمردیم» (مدثر/۴۸-۴۴).

نمونه‌های علمی و عملی انفاق در سیره امام رضا<sup>(ع)</sup>

در این بخش به ذکر نمونه‌هایی از گفتار و رفتار امام رضا<sup>(ع)</sup> در جایگاه امامت و رهبری مردم به انفاق می‌پردازیم. بر همین اساس، انفاق را در دو قالب معرفی می‌کنیم:

۱. امر و توصیه گفتاری به اطرافیان برای فهم لایه‌های عمیق‌تر و دریافت اثرهای الهی، فردی و اجتماعی این عمل عبادی با تقویت بخش نظری و تشویق به عملی‌سازی.

۲. رفتار عملی امام<sup>(ع)</sup>، برای الگوسازی عملی برای مردم. این قالب اثر عمیق‌تری در تعمیق فرهنگ انفاق دارد.

در ادامه، نمونه‌هایی از این دو قالب می‌آید:

#### - قالب اول

بزنطی گفت: نامه حضرت رضا<sup>(ع)</sup> به فرزندش حضرت جواد<sup>(ع)</sup> را خواندم که نوشته بود:

شنیده‌ام وقتی می‌خواهی خارج شوی غلامان تو را از در کوچک بیرون می‌برند. این کار به واسطه بخلی است که آنها دارند تا کسی از تو بهره‌ای نبرد. تو را سوگند می‌دهم به حقی که بر تو دارم. مبدا بعد از این، خارج یا داخل شوی مگر از در بزرگ. هر وقت می‌خواهی سوار شوی به همراه خود طلا و نقره داشته باش. هر کس تقاضایی کرد به او چیزی بده. از عموهایت هر کدام تقاضای کمک کردند مبدا کمتر از ۵۰ دینار بدهی. بیشتر از این در اختیار خودت هست خواستی بیشتر و از عمه‌هایت هر کدام تقاضا کردند از ۲۵ دینار کمتر مده. بیشتر خواستی می‌دهی. من آرزوی بلندی و رفعت تو را از جانب خدا دارم. ببخش مبدا از تنگدستی ترس داشته باشی (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۸۹-۸۸).

در این نامه، امام<sup>(ع)</sup> به حضرت جواد<sup>(ع)</sup> توصیه‌هایی را می‌کنند که توجه به آنان برای افرادی که الگو و سرشناس هستند نیز مفید است:

بی بهره نگذاشتن مردم از کمک‌های مالی، مخفی نکردن خود برای کم کردن کمک‌های مالی به نیازمندان و البته، توجه به خویشاوندان با در نظر گرفتن جایگاه آنها و البته، از حداقل‌ها نیز نباید صرف نظر شود.

امام رضا<sup>(ع)</sup> درباره سخاوت فرمودند: «السَّخِيُّ يَأْكُلُ مِنْ طَعَامِ النَّاسِ لِيَأْكُلُوا مِنْ طَعَامِهِ وَ الْبَخِيلُ لَا يَأْكُلُ مِنْ طَعَامِ النَّاسِ لِيَتَلَّأ يَأْكُلُوا مِنْ طَعَامِهِ» انسان سخاوتمند از غذای دیگران می‌خورد تا از غذای او بخورند ولی انسان بخیل از غذای دیگران نمی‌خورد تا از غذای او نخورند» (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۲۴ج: ۲۷۰) همراهی و مشارکت در اطعام دیگران، به نوعی مهمان شدن بر سفره دیگران است تا زمینه برای برگزاری مهمانی خود را فراهم آوریم.

احمد بن ابی نصر بزنطی می‌گوید:

به او (امام رضا<sup>(ع)</sup>) گفتم: کوفه به من نمی‌سازد و زندگی در آن توأم با مضیقہ است. زندگی ما در بغداد بود و از این کوه باب روزی بر مردم گشاده است. فرمودند: اگر می‌خواهی بیرون روی برو. چه امسال سال آشفته‌ای است و مردمان را چاره‌ای جز طلب روزی نیست. پس طلب (کوشش برای به دست آوردن امکانات معاشی) را وامگذار (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۵: ۴۶۹).

کمک فکری و انگیزه دادن به افراد برای کسب روزی نیز از مصداق‌های انفاق معنوی به شمار می‌رود.

[یا] أَتَيْهَا النَّاسُ! اتَّقُوا اللَّهَ فِي نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، فَلَا تَتَفَرَّوْهَا عَنْكُمْ بِمَعَاصِيكُمْ، بَلْ اسْتَدِيمُوهَا بِطَاعَتِهِ وَ شُكْرِهِ عَلَى نِعْمِهِ وَ أَيْادِيهِ، وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ لَا تَشْكُرُونَ اللَّهَ تَعَالَى بِشَيْءٍ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ تَعَالَى وَ بَعْدَ الْإِعْتِرَافِ بِحَقِّقِ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ تَعَالَى مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ - أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ مُعَاوَنَتِكُمْ لِإِخْوَانِكُمُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى

دنیاهم‌النی‌هی معبر لهم‌الی جنان ربهم، فإن من فعل ذلك كان من خاصّة الله تبارک و تعالی: ای مردم! تقوای الهی در نعمت‌های خداوند پیشه سازید و نعمت‌ها را با معصیتان دور نسازید بلکه آنان را استمرار بخشید با شکرگزاری خداوند و اطاعت الهی و بدانید که پس از ایمان به خدا و پذیرش حقوق اولیای او از آل محمد (ص)، سپاسگزاری محبوب‌تر نزد خداوند از یاری رسانی به برادران مومن نیست، یاری رسانی به زندگی دنیای آنان که راهی است برای رسیدن به بهشت. کسانی که چنین یاری برسانند از ویژگیان درگاه الهی‌اند (بحرانی، ۱۴۱۳ق، ج ۷: ۱۳۹).

رعایت تقوای الهی، زمینه‌ساز دریافت نعمت‌های بیشتر می‌شود و البته، نقش شکر نیز کمک شایانی می‌کند و یکی از مهم‌ترین شکرگزاری‌های عملی هر فردی، کمک‌رسانی به برادران ایمانی است. «أَجَلُ الْخَلَائِقِ وَ أَكْرَمُهَا اصْطِنَاعُ الْمَعْرُوفِ وَ إِغَاثَةُ الْمَلْهُوفِ وَ تَحْقِيقُ أَمَلِ الْأَمَلِ وَ تَصْدِيقُ مَخِيلَةِ الرَّاجِي: گرامی‌ترین و شریف‌ترین خوبی‌ها، بخشندگی و فریادرسی (همراهی) بیچارگان و برآوردن آرزوی آرزومندان و تصدیق کردن پندار امیدوار (استمرار و دوام) است» (حلی، ۱۴۰۸ق: ۲۹۹).

برترین خوبی‌ها و نیکی‌ها، فریادرسی و برآورده ساختن نیاز محتاجان است.

دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا (ع) فَقَالَ لِي يَا عَلِيُّ مَنْ أَحْسَنُ النَّاسِ مَعَاشًا قُلْتُ يَا سَيِّدِي أَنْتَ أَغْلَمُ بِهِ مِنِّي فَقَالَ (ع) يَا عَلِيُّ مَنْ حَسَنَ مَعَاشٍ غَيْرِهِ فِي مَعَاشِهِ يَا عَلِيُّ مَنْ أَسْوَأَ النَّاسِ مَعَاشًا قُلْتُ أَنْتَ أَغْلَمُ قَالَ مَنْ لَمْ يُعِشْ غَيْرَهُ فِي مَعَاشِهِ يَا عَلِيُّ أَحْسِنُوا جَوَارِ النِّعَمِ فَإِنَّهَا وَخْشِيَّةٌ مَا نَأَتْ عَنْ قَوْمٍ فَعَادَتْ إِلَيْهِمْ يَا عَلِيُّ إِنَّ شَرَّ النَّاسِ مَنْ مَنَعَ رِفْدَهُ وَ أَكَلَ وَحْدَهُ وَ جَلَدَ عَبْدَهُ؛ امام رضا (ع) در پاسخ به یکی از

شاگردانش به نام علی بن شعیب که از وی می‌پرسد: بهترین مردم کیست؟ می‌فرمایند: کسی که زندگی دیگران از ناحیه او نیکو می‌شود. سپس ادامه دادند: می‌دانی چه کسی در جامعه از همه بدتر است؟ کسی که دیگران در رابطه با او از زندگی، بهره‌ای ندارند. باز ادامه دادند: ای علی! نعمت‌هایی را که دارید، نیکو قدرشناسی کنید و اطمینان نداشته باشید که همیشه برای شما برقرار بماند و اگر از دست رفت، چه بسا باز نمی‌گردد. ای علی! بدترین مردم در رابطه با دیگران کسی است که کسی از ناحیه او بهره‌مند نمی‌شود. مهمان یا کسی را که به او حاجتی دارد همراهی (همیاری) نمی‌کند و تنهاخور و به زبردستان خود خشمگین و سخت‌گیر است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵: ۳۴۲-۳۴۱).

بار دیگر امام<sup>(ع)</sup> توصیه به رفع نیازهای هموعان می‌کند. یا اینکه در توصیه‌های متعددی درباره مال به افراد این‌گونه می‌فرمایند: «خَيْرُ مَالِ الْمَرْءِ ذَخَائِرُ الصَّدَقَةِ: بهترین مال انسان، اندوخته‌های صدقه است» (ابی‌فراس، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۱۸۲).

«أَفْضَلُ الْمَالِ مَا وَفَى بِهِ الْعَرَضُ؛ بهترین مال آن است که آبرو با آن محفوظ بماند» (حلی، ۱۴۰۸ق: ۲۹۲).

امام رضا<sup>(ع)</sup> فرمود: مال به داشتن چند خصلت جمع می‌شود: بخل شدید، آرزوی دراز، حرص زیاد، قطع رحم و ایثار دنیا بر آخرت.

و رَوَى عَنِ الرَّضَا<sup>(ع)</sup> أَنَّ الْخُمْسَ عَوْنٌ عَلَى دِينِنَا وَعَلَى عِيَالِنَا وَعَلَى مَوَالِينَا وَمَا نَفَكْتُ وَمَا نَشْتَرِي مِنْ أَغْرَاضِنَا مِمَّنْ نَخَافُ سَطْوَتَهُ فَلَا تُزَوِّدُهُ عَنَّا وَلَا تَحْرِمُوا أَنْفُسَكُمْ دُعَاءَنَا فَإِنَّ إِخْرَاجَهُ مُفْتَاخُ رِزْقِكُمْ وَتَمْحِصُ ذُنُوبَكُمْ - وَمَا تُمْهَدُونَ

لَا تُفْسِكُمْ يَوْمَ فَاتِكُمْ وَالْمُسْلِمُ مَنْ تَقَى اللَّهَ بِمَا عَاهَدَ وَلَيْسَ الْمُسْلِمُ مَنْ أَجَابَ بِاللِّسَانِ وَخَالَفَ بِالْقَلْبِ؛ امام رضا<sup>(ع)</sup> در پاسخ تاجری که از آن حضرت درخواست معافیت از خمس را کرده بود فرمود: نه، باید خمس را بدهید تا ما به وسیله آن دین را ترویج و تقویت کرده و حیثیت خویش را در مقابل دشمنان حفظ و مستمندان را یاری کنیم؛ شاید سهم سادات موجب رفع نیازمندی‌های سادات فقیر، یتیم و درمانده باشد. چنان‌که زکات که بر آنها حرام است برای اداره و رفع گرفتاری‌های مستمندان دیگر جامعه باشد (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵ق، ج ۲: ۷۸-۷۷).

«أَنْ أَجْرَ الْقَرْضِ ثَمَانِيَّةَ عَشَرَ ضِعْفًا مِنْ أَجْرِ الصَّدَقَةِ لِأَنَّ الْقَرْضَ يَصِلُ إِلَى مَنْ لَا يَضَعُ نَفْسَهُ لِلصَّدَقَةِ لِأَخْذِ الصَّدَقَةِ؛ پاداش قرض دادن ۱۸ برابر اجر صدقه است. زیرا قرض به کسی می‌رسد که خود را برای گرفتن صدقه، ضایع (و کوچک) نمی‌کند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰: ۱۴۰).

أَخْبَرْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا<sup>(ع)</sup> أَنِّي أَصْبَيْتُ بَابَيْنِ وَبَقِيَ لِي بُنْيٌ صَغِيرٌ فَقَالَ تَصَدَّقْ عَنْهُ ثُمَّ قَالَ حِينَ خَضَرَ قِيَامِي مَرَّ الصَّبِيِّ فَلْيَتَصَدَّقْ بِيَدِهِ بِالْكَثِيرَةِ وَالْقَبْضَةِ وَالشَّيْءِ وَ إِنْ قَلَّ فَإِنَّ كُلَّ شَيْءٍ يُرَادُ بِهِ اللَّهُ وَإِنْ قَلَّ بَعْدَ أَنْ تَصَدَّقَ النَّبِيُّ فِيهِ عَظِيمٌ؛ به کودک دستور بده که با دست خودش صدقه بدهد گرچه به اندازه تکه‌نانی یا یک مشت از چیزی باشد، زیرا هر چیزی که در راه خدا داده شود اگر با نیت پاک صورت گیرد هر چند کم باشد، بسیار زیاد است. همچنین آن حضرت فرمودند: بعد از انجام واجبات، کاری بهتر از ایجاد خوشحالی برای مؤمن نزد خداوند بزرگ نیست (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۹: ۳۷۶).

در این روایت، امام<sup>(ع)</sup> به آموزش عملی انفاق در دوران کودکی

می‌پردازند و نکات ارزشی اتفاق را بازشناسی می‌کنند.

«صَاحِبُ النِّعْمَةِ يَجِبُ عَلَيْهِ التَّوَسُّعُ عَنْ عِيَالِهِ؛ بِرِ صَاحِبَانِ نِعْمَتٍ وَاجِبٌ اسْتِ كِه بِرِ خَانَوَادَهٗ خُودِ تَوْسِعَه دِهِنْد و بِه زَنْدَگِیِ اَنَانِ گِشَايشِ بَخِشِنْد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶: ۱۳۷) یا اینکه در اولین گام، افراد را توصیه به توسعه بر خانواده خود می‌کنند.

زکریا گوید:

سَأَلْتُ الرُّضَا <sup>(ع)</sup> عَنْ قَوْمٍ مِنَ الْعَدُوِّ إِلَيَّ أَنْ قَالَ وَ سَأَلْتُهُ عَنْ أَهْلِ الدِّمَّةِ أَصَابُهُمْ جُوعٌ فَأَتَاهُ رَجُلٌ يُولَدُهُ فَقَالَ هَذَا لَكَ أَطْعَمُهُ وَ هُوَ لَكَ عَبْدٌ فَقَالَ لَا تَتَّبِعْ حُرًّا فَإِنَّهُ لَا يَصْلُحُ لَكَ وَ لَا مِنْ أَهْلِ الدِّمَّةِ؛ اَزِ اِمَامِ رِضَا <sup>(ع)</sup> پَرَسِیدِم کِه مَرْدِی اَزِ اِهْلِ ذِمَّه (غیر مسلمانان مقیم در کشورهای اسلامی) کِه بِه فُقَر و گِرَسَنگیِ مَبْتَلَا شُدِه بُوْد، فِرْزَنْدَش را اَوْرَد و گِفْت: فِرْزَنْدَم! بِرایِ تُو، اُو را خُوراکِ بَدِه و اُو بَرْدَه تُو باشَد. اِمَام <sup>(ع)</sup> فِرْمُود: اِنْسَانِ اَزْزَادِه خَرِیدِه و فِرُوختِه نَمِی‌شُود. اِین کَار شایِسْتَه تُو نِیست. اَز ذَمِیانِ نِیز رُوا نِیست (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۷: ۲۴۶).

کمک مالی به غیر هم‌کیش نیز در دستور کار مسلمانان قرار دارد و علاوه بر خود و هم‌کیشان باید به هم‌نوعان خود توجه داشته باشد. در نگاه امام <sup>(ع)</sup> از همان آغاز تربیت کودکان باید نمونه‌های عملی و رفتاری، آموزش داده شود و خود ایشان به فرزند گرامی خود همین توصیه عملی را می‌کنند و به سرپرست خانواده یادآوری می‌کنند که باید برای توسعه و رفاه خانواده خویش بکوشد. از طرفی به مؤمنان یادآوری می‌کنند از مصادیق شکر نعمت‌های الهی کمک به دیگران است. هم‌سفره شدن با

دیگران برای مهمان کردن دیگری بر سفره خویش نیز از راهکارهای عملی معرفی شده است. تأکید بر رسیدگی و کمک به هم‌نوع و هم‌کیش نیز از اصولی است که باید در آموزش و تربیت افراد جامعه نهادینه‌سازی شود.

- قالب دو

ابراهیم بن عباس می‌گوید:

مَا رَأَيْتُ وَلَا سَمِعْتُ بِأَحَدٍ أَفْضَلَ مِنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا وَشَاهَدْتُ مِنْهُ مَا لَمْ أَشَاهِدْ مِنْ أَحَدٍ وَمَا رَأَيْتُهُ جَفَا أَحَدًا بِكَلَامِهِ وَلَا رَأَيْتُهُ قَطَعَ عَلَى أَحَدٍ كَلَامَهُ حَتَّى يَفْرَغَ مِنْهُ وَمَا رَدَّ أَحَدًا عَنْ حَاجَةٍ يَقْدِرُ عَلَيْهَا وَلَا مَدَّ رَجُلٌ يَدَيْ جَلِيسٍ لَهُ قَطُّ وَلَا رَأَيْتُهُ يَسْتُمِ أَحَدًا مِنْ مَوَالِيهِ وَمَمَالِيكِهِ وَمَا رَأَيْتُهُ تَغْلُ وَلَا رَأَيْتُهُ يُفْتَقِهَ فِي ضَحِكِهِ بَلْ كَانَ ضَحِكُهُ التَّبَسُّمَ وَكَانَ إِذَا خَلَا وَنُصِبَتْ مَائِدَتُهُ أَجْلَسَ عَلَى مَائِدَتِهِ مَوَالِيَهُ وَمَمَالِيكَهُ حَتَّى الْتَوَابَ وَالسَّائِسَ وَكَانَ قَلِيلَ النَّوْمِ بِاللَّيْلِ كَثِيرَ السَّهْرِ يُخَبِّي أَكْثَرَ لَيَالِيهِ مِنْ أَوَّلِهَا إِلَى الصُّبْحِ وَكَانَ كَثِيرَ الصُّوْمِ وَلَا يُفُوتُهُ صِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الشَّهْرِ وَيَقُولُ ذَلِكَ صَوْمُ الدُّهْرِ وَكَانَ كَثِيرَ الْمَعْرُوفِ وَالصَّدَقَةِ فِي السَّرِّ وَأَكْثَرَ ذَلِكَ يَكُونُ مِنْهُ فِي اللَّيَالِي الْمُظْلِمَةِ فَمَنْ زَعَمَ أَنَّهُ رَأَى مِثْلَهُ فِي فَضْلِهِ فَلَا تُصَدِّقُوهُ؛ هِيَچ گاه ندیدم که امام ابوالحسن الرضا<sup>(ع)</sup> کلمه‌ای به زیان کسی بگوید، نه سخن کسی را پیش از پایان آن قطع کند، نه حاجت کسی را که به ادای آن توان داشت، رد کند. هِیچ گاه نزد کسی که در حضور او نشسته بود پایش را دراز نکرد، بر متکا در برابر افراد تکیه نداد، همه کارکنان و غلامانش را بر سر سفره می‌نشاند، حتی دربانان و مهتران را، بسیار احسان می‌کرد و بسیار صدقه می‌داد و این کار را بیشتر در شب‌های تاریک انجام می‌داد.

امام<sup>(ع)</sup> تا مرز قدرت نیاز نیازمندان را برمی‌آورد و خواسته کسی را رد نمی‌کرد و هرگاه بر سر سفره می‌نشست همه

خدمت‌گزاران را در کنار خود می‌نشاند و با آنان غذا می‌خورد. به ناتوانان فراوان رسیدگی می‌کرد. پول و غذا و... به صورت پنهانی به خانه‌های مستمندان می‌برد و بیشتر این کارها را در دل شب‌های تاریک انجام می‌داد (طبرسی، ۱۳۹۰ق: ۳۲۷).

و بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُعْمَرِ بْنِ خَلَادٍ قَالَ قَالَ لِي الرَّيَّانُ بْنُ الصَّلْتِ أَحِبُّ أَنْ تَسْتَأْذِنَ لِي عَلِيًّا أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا <sup>(ع)</sup> فَأَسْلَمَ عَلَيْهِ وَأَحِبُّ أَنْ يَكْسُوَنِي مِنْ ثِيَابِهِ وَأَنْ يَهَبَ لِي مِنَ الدَّرَاهِمِ الَّتِي ضَرَبَتْ بِاسْمِهِ فَدَخَلْتُ عَلَى الرِّضَا فَقَالَ مُبْتَدِّئًا إِنَّ الرَّيَّانَ بْنَ الصَّلْتِ يُرِيدُ الدُّخُولَ عَلَيْنَا وَالْكِسْوَةَ مِنْ ثِيَابِنَا وَالْعَطِيَّةَ مِنْ دَرَاهِمِنَا فَأَذِنْتُ لَهُ فَدَخَلَ وَسَلَّمَ فَأَغْطَاهُ ثَوْبَيْنِ وَثَلَاثِينَ دِرْهَمًا مِنَ الدَّرَاهِمِ النَّضْرُوبَةِ بِاسْمِهِ؛ مَعْمَرُ بْنُ خَلَادٍ گوید: ریان بن صلت گفت: از حضرت رضا <sup>(ع)</sup> برای من اذن بگیرد تا خدمت او برسم و سلام عرض کنم، من دوست دارم وی از جامه مخصوص خود مرا بپوشاند و از دراهمی که به نام وی سکه زده‌اند به من مرحمت کند. من خدمت حضرت رسیدم. وی ابتدا فرمودند: ریان بن صلت می‌خواهد نزد ما بیاید و از ما لباس و دراهم بگیرد، من اذن ورود به وی دادم. او هم خدمت آن جناب رسید و از وی لباس و دراهم گرفت (همان: ۳۲۲).

معمربن خلاد می‌گوید: و فی الصحیح، عن معمر بن خلاد قال: کان أبو الحسن الرضا <sup>(ع)</sup> إذا أكل أتى بصفحة فتوضع بقرب مائدته فيعمد إلى أطيب الطعام مما يؤتى به فيأخذ من كل شيء شيئاً فيوضع في تلك الصفحة ثم يأمر بها للمساكين، ثم يتلو هذه الآية فلا اقتحم العقبة. ثم قال: علم الله عز وجل أنه ليس كل إنسان يقدر على عتق رقبة فجعل لهم السبيل إلى؛ هنگامی که امام رضا <sup>(ع)</sup> غذا می‌خورد، سینی می‌آوردند و نزدیک سفره می‌گذاشتند. او به بهترین غذایی که برایش می‌آوردند می‌نگریست و از هر غذا مقداری برمی‌داشت و در آن سینی می‌نهاد. سپس دستور می‌داد آن

سینی غذا را با احترام برای بینوایان ببرند. سپس این آیه را تلاوت فرمودند: «فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ» پس فرمودند: خداوند می‌داند که انسان قادر نیست بنده‌ای را

آزاد سازد پس برایش این راه را قرار داد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳: ۱۹۰).

مَرَّ رَجُلٌ بِأَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا<sup>(ع)</sup> فَقَالَ لَهُ أَغْطِي عَلَى قَدْرِ مُرُوتِكَ قَالَ لَا يَسْعُنِي ذَلِكَ فَقَالَ عَلَى قَدْرِ مُرُوتِي قَالَ أَمَّا إِذَا فَتَعَمُّ ثُمَّ قَالَ يَا غُلَامُ أَغْطِيهِ مِائَتِي دِينَارٍ؛ مردی بر امام رضا<sup>(ع)</sup> وارد شد و به ایشان عرضه داشت: به من به اندازه مروتتان اعطا کنید. امام<sup>(ع)</sup> فرمودند: در وسعم این چنین اعطایی نیست. پس مرد گفت به اندازه مروت خودم. امام<sup>(ع)</sup> در آن هنگام فرمودند: خوب شد. پس به غلام خویش دستور دادند ۱۰۰ دینار به وی بدهد (همان، ۴۹: ۱۰۰).

وَفَرَّقَ<sup>(ع)</sup> بِخُرَاسَانَ مَالَهُ كُلَّهُ فِي يَوْمٍ عَرَفَةَ فَقَالَ لَهُ الْفَضْلُ بْنُ سَهْلٍ إِنَّ هَذَا لَمَغْرَمٌ فَقَالَ بَلْ هُوَ الْمَغْنَمُ لَا تَعْدَنَّ مَغْرَمًا مَا ابْتِغَيْتَ بِهِ أَجْرًا وَكَرَمًا؛ امام رضا<sup>(ع)</sup> در خراسان، همه اموال خویش را در روز عرفة میان مردم و نیازمندان تقسیم کرد. در این هنگام، فضل بن سهل گفت: این کار زیان است. امام<sup>(ع)</sup> فرمودند: بلکه این کار غنیمت و سود است. آنچه را برای دستیابی به پاداش الهی و کرامت انسانی بخشیدی، زیان مشمار (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۴: ۳۶۱).

اینها مواردی از رفتار عملی امام<sup>(ع)</sup> به عمل نیکوی انفاق بود. امام<sup>(ع)</sup> هم به گونه عملی و هم توصیه‌ای به مؤمنان انفاق مادی و معنوی را آموزش می‌دهند.



## **فصل چهارم**

شایسته‌های اخلاقی

نظام اقتصادی خانواده



علاوه بر مواردی که دربارهٔ بایدهای مبتنی بر آموزه‌های اسلامی در حیطهٔ اقتصاد خانواده ذکر شد، گزینه‌هایی وجود دارد که شاید در هیچ‌یک از نظام‌های اقتصادی دنیا، به این نحو به آنها پرداخته نشده باشد. در احادیث اسلامی به این مسائل، به‌عنوان جزء جدایی‌ناپذیر اقتصاد خانواده نگریسته شده و مورد توصیهٔ اکید بزرگان دین قرار دارد. در این قسمت، به برخی از آنها اشاره می‌شود:

### **تلاش برای بهبود اقتصاد خانواده و گریز از فقر و تنگدستی**

از نظر اسلام، اقتصاد باید سالم باشد- اقتصاد سالم یعنی اقتصاد قائم به ذات و بی‌عیب و غیر قائم به غیر- قابلیت رشد و نمو و پرهیز از اسراف و تبذیر از اصول اقتصاد سالم است.

در اسلام، دو نگاه مورد نکوهش است: یکی افراط و دیگری تفریط. در زمینهٔ اقتصادی نیز زاویهٔ دید اسلامی بر نقطهٔ تعادل متمرکز است. یعنی از

یک‌سو، اسراف، تبذیر، پایمال کردن بسیاری از ارزش‌ها و نابودی شخصیت‌های انسانی را برای رسیدن به ارتقای اقتصادی آن‌هم به هر قیمتی مذموم می‌شمارد و از دیگر سو، با فقر و تنگدستی و اکتفا به حداقل داشته‌ها و قناعت بیش از حد به عنوان پنداری نادرست مبارزه کرده و افراد را به تلاش بیشتر برای بهبود اقتصاد خانواده فرامی‌خواند. این تلاش و همت در بیان علی بن ابیطالب<sup>(ع)</sup> به زیبایی ترسیم شده است: «قَدَّرُ الرَّجُلُ عَلَى قَدَرِ هِمَّتِهِ؛ ارزش و منزلت هر کس به قدر همت اوست» (رضی، ۱۴۱۴ق: ۴۷۷).

### قناعت و اکتفا به میزان معقول درآمد

در حیطه مسائل اقتصادی همواره محدودیت‌هایی وجود دارد که مانع از برآورده شدن تمامی خواسته‌های فردی یا عمومی در خانواده می‌شود. یک خانواده هر چند هم که از میزان درآمد بالایی برخوردار باشد، همیشه با نیازهایی مواجه است که اتفاقاً درآمد بالا در ایجاد آنها نقش انکارناپذیری دارد. هرچه درآمد خانوار رو به رشد و فزونی می‌گذارد به همان میزان، سطح تقاضای افراد نیز بالاتر رفته و افزایش می‌یابد. همان‌گونه که حضرت امیر<sup>(ع)</sup> به زیبایی فرموده‌اند: «مَنْهُوَ مَنْ لَا يَشْبَعَانِ طَالِبُ عِلْمٍ وَ طَالِبُ دُنْيَا؛ دو گرسنه‌اند که سیر نمی‌شوند؛ طالب علم و طالب دنیا» (رضی، ۱۴۱۴ق: ۵۵۶؛ کراجکی، ۱۴۱۰ق: ۲۵). برای توقف این روند افزایشی، تنها یک راه‌حل وجود دارد و آن هم قناعت است که بدون آن، این گرسنگی سیری نمی‌پذیرد. حضرت رضا<sup>(ع)</sup> این‌گونه به قناعت تشویق می‌فرمایند: «أَرْضَ بِمَا آتَيْتُكَ تَكُنْ أَغْنَى النَّاسَ؛

به آنچه داری راضی باش تا ثروتمندترین مردم باشی» (منسوب به امام هشتم<sup>(ع)</sup>، ۱۴۰۶ق: ۳۶۴) و نخستین پیشوای شیعیان، قناعت را خیری می‌دانند که از جانب خداوند به بنده‌اش الهام می‌شود: «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بَعْدَ خَيْرٍ أَلْهَمَهُ الْقَنَاعَةَ [أَلْهَمَهُ الطَّاعَةَ وَ حَبَّ إِلَيْهِ الْقَنَاعَةَ] فَكَتَفَى بِالْكَفَافِ وَ اكْتَسَى بِالْعَفَافِ؛ هنگامی که خدا، خیر بنده‌ای را بخواهد، قناعت را به او الهام می‌کند [طاعت را به وی الهام و قناعت را محبوب او می‌کند]. پس بنده به حد کفاف، بسنده و لباس عفاف را بر تن می‌کند» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۳۹۱).

همین امام بزرگوار، برای قناعت، آثار و فواید فراوانی بیان می‌دارند، از جمله: عزت، غنا و بی‌نیازی، عفاف، کاهش طمع، سلامت دین، زندگی راحت و... (همان: ۳۹۳-۳۹۰).

از شاخه‌های اصل محدودیت در مصرف، تقدیر در معیشت زندگی است که به معنای اندازه داشتن در هزینه، حساب کردن امور زندگی و برقراری هماهنگی میان نیازها و چگونگی برآوردن آنهاست. این اصل، به رعایت حدود لازم و پیروی از حد میانه و دوری از اسراف می‌انجامد. امام رضا<sup>(ع)</sup> کمال ایمان را بعد از شناخت ژرف دین، اندازه داشتن در زندگی می‌داند: «لا يستكمل عبد حقيقة الايمان حتى تكون فيه خصال ثلاث: التفقه في الدين و حسن التقدير في المعيشة و الصبر على الرزاق؛ تا سه خصلت در آدمی نباشد، حقیقت ایمان او کمال نیابد: شناختن ژرف دین و اندازه داشتن در زندگی و پایداری در مصیبت‌ها» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۴۴۶).

### صبر در تنگدستی

بدون‌تردید، فقر و تنگدستی، یکی از مقوله‌های مذموم و نکوهیده در نظام اقتصادی اسلام است. حضرت علی<sup>(ع)</sup> خطاب به فرزند بزرگوارشان<sup>(ع)</sup> می‌فرماید:

يَا بُنَيَّ مَنْ ابْتُلِيَ بِالْفَقْرِ فَقَدْ ابْتُلِيَ بِأَرْبَعٍ خِصَالٍ بِالضَّعْفِ فِي يَقِينِهِ وَ النُّقْصَانِ فِي عَقْلِهِ وَ الرِّقَّةِ فِي دِينِهِ وَ قِلَّةِ الْحَيَاءِ فِي وَجْهِهِ فَتَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْفَقْرِ؛ ای فرزندم، کسی که در زندگی به فقر مبتلا می‌شود، چهار ویژگی در شخصیتش شکل می‌گیرد: ضعف در یقین، نقصان در عقل، آسیب‌پذیری در دین و کم‌حیایی، پس من از فقر به خداوند پناه می‌برم.

اما گاه ناخواسته دامنگیر برخی از خانواده‌ها می‌شود. در چنین شرایطی، بهترین راه برای برون‌رفت از فقر، چاره‌اندیشی و تلاش و جدیت بیشتر است که این مهم جز در سایه طمأنینه و حفظ آرامش و چشم‌پوشی هر فرد از اعضای خانواده از تعدادی از خواسته‌هایش میسر نیست. صبر، موهبتی است که می‌تواند همه این موارد را برای فرد به ارمغان آورد. همچنان‌که خدای صبار در قرآن کریم به آن دستور می‌فرماید: «فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا؛ پس صبر کن، صبوری نیکو» (معارج/۵) و در جای دیگری، پاداش صابران را این‌گونه بیان می‌دارد: «... إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ؛ هر که تقوا و صبر پیشه کند، خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند» (یوسف/۹۰).

## نتیجه گیری



اقتصاد سالم در خانواده جز از طریق مدیریت صحیح حاصل نمی‌شود. مدیریت اقتصادی خانواده تابع دو عامل است: مدیریت درآمد از راه برقراری نظام درآمدی مناسب و حلال<sup>۱</sup> و مدیریت هزینه از طریق دستیابی به الگوی

---

۱. از مجموع آنچه گذشت روشن می‌شود که ریز عناوین ذیل، دربرگیرنده برخی از مهم‌ترین شاخص‌های روزی حلال است:

۱. کسب روزی حلال از راه‌های درست و سالم؛
۲. کسب روزی حلال از طریق اطاعت از خدا و پیامبر خدا حاصل می‌شود؛
۳. کسب باید از راهی صورت پذیرد که دین و ایمان انسان صدمه نیند؛
۴. شناخت دین و آشنا شدن با مسائل خرید و فروش؛
۵. تشخیص زمان دقیق معامله؛
۶. رعایت حقوق موازنه در خرید و فروش؛
۷. معامله همراه با رعایت ارزش‌ها؛
۸. احتیاط در بازار و تلاش برای حفظ سرمایه؛
۹. داشتن برنامه‌ریزی برای طلب و کسب روزی حلال؛⇐

صحیح مصرف. تلاش کافی برای دستیابی به منافع اقتصادی در صورتی که با مجموعه‌ای از اصول همراه باشد اقتصاد خانواده را سالم و پایدار می‌کند. نوع جهت‌گیری خانواده در مسائل اقتصادی در شیوه جهت‌گیری نیروی انسانی‌ای که متکفل کسب درآمد خانواده هستند، تأثیر بسزایی دارد. به‌عنوان مثال

- 
- ⇐ ۱۰. اجتناب از روزی‌های مشکوک و نامشروع و دقت در انتخاب منبع درآمد؛
۱۱. استحباب تجارت و ملازمت بر آن در طلب روزی؛
۱۲. توجه به واسطه‌ها و بی‌نیازی جستن از انسان‌های پست در کسب روزی؛
۱۳. کوشش در استقلال‌گرایی (مکروهیت استخدام)؛
۱۴. دوری از افراط و تفریط در کسب روزی حلال و مصرف آن؛
۱۵. دعا برای طلب رزق حلال؛
۱۶. قرائت قرآن، شکر و استغفار؛
۱۷. خودداری از بیکاری و تنبلی در زندگی؛
۱۸. پرهیز از شرم و حیا در کسب روزی حلال؛
۱۹. اختصاص قسمتی از اوقات شبانه‌روز به تهیه روزی حلال؛
۲۰. سحرخیزی در پی طلب روزی؛
۲۱. تحمل سختی و مشقت در راه طلب رزق؛
۲۲. استقامت در طلب روزی حلال؛
۲۳. تقوا و پرهیزگاری؛
۲۴. قناعت در زندگی؛
۲۵. توجه به اولویت‌های اسلامی در انتخاب مشاغل (تجارت، طبابت، کشاورزی و...)
۲۶. تقید به حفظ ارزش‌ها و اجتناب از محرمات اسلام؛
۲۷. در نظر گرفتن صلاح و منفعت مردم؛
۲۸. توجه کردن به بیت‌المال؛
۲۹. پرداخت مالیات‌های اسلامی، خمس و زکات؛
۳۰. توجه به مال یتیم.

اگر همسر یا مادر خانواده، مدیریت اقتصادی آن یعنی مرجعیت ایجاد تعادل میان دو حیطه هزینه و درآمد را بر عهده دارد، سیاست‌هایی که برای هزینه‌ها و مخارج منزل یا برای کسب درآمد و راه‌های مشروع و پسندیده آن در پیش می‌گیرد، بسیار حائز اهمیت است.<sup>۱</sup>

بنابر آنچه گذشت، اقتصاد خانواده اسلامی بر دو رکن اساسی استوار است: بینشی و اجرایی. باید دانست که مدیریت اقتصادی موفق در خانواده مرهون و وابسته به ایجاد تعادل میان این دو رکن، خواهد بود.

---

۱. بیشترین میزان هشدارها و تهدیدهای ائمه معصومین<sup>(ع)</sup> در زمینه اقتصادی، مربوط به حیطه حرام و همگی در راستای هدایت اقتصاد به سمتی سالم و محفوظ از آسیب‌های پیش‌بینی شده، بوده است. بر این اساس، آنچه در تقریر حاضر مورد بازشناسی قرار گرفت با تکیه بر این آموزه‌ها و برای به تصویر کشیدن بخش کوچکی از تأثیرهای نامطلوب حرام در اقتصاد خانواده بود. نتایجی که به موجب آن تمامی اعضای خانواده و در زمینه‌هایی گوناگون متضرر شده و از خطرهای دنیوی و اخروی‌اش بی‌نصیب نخواهند بود. این پیامدها در عناوین کلی ذیل قابل طرح هستند:

۱. حرام‌خوار، فضائل اخلاقی فراوانی را از دست می‌دهد؛
۲. حرام‌خوار، به دلیل لقمه حرام، فرصت‌های معنوی را از خود سلب می‌کند؛ زیرا نه عبادت و توبه‌اش مقبول است و نه دعایش مستجاب می‌شود؛
۳. حرام‌خوار، با از دست دادن قسمتش از روزی حلال، به رزقی بی‌برکت دست یافته و عاقبت به فقر مبتلا می‌شود؛
۴. حرام‌خوار، مورد بغض و خشم خداوند در دنیا و آخرت بوده و نه تنها در آخرت دست خالی است که به دلیل قطع پیوند با ولایت، در قیامت از نعمت شفاعت محروم است و در نهایت، او را به بهشت پروردگار راهی نیست؛
۵. حرام‌خوار، نه فقط خودش که نسل و ذریه و گاه، اجتماعش را نیز در سرنوشت ناگوار خود شریک می‌سازد.

### رکن بینشی

۱. شناخت سلسله‌ای از بایدها و نبایدهای اسلامی در زمینه اقتصاد؛
۲. شناخت سلسله‌ای از بایدها و نبایدهای اسلامی در زمینه اخلاق.

### رکن اجرایی

۱. پیوند اقتصاد با اخلاق از طریق خانواده؛
۲. جهت‌گیری اسلامی فعالیت‌های اقتصادی؛
۳. هدف‌گذاری اقتصادی برخاسته از شناخت؛
۴. برنامه‌ریزی اقتصادی بر مبنای اهداف تعیین‌شده؛
۵. پیاده‌سازی جدی و صحیح برنامه‌ها.

## منابع و مأخذ

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

(۱۴۱۲ق). **إرشاد القلوب إلى الصواب**. قم: الشريف الرضى.

ابن أبی جمهور، محمد بن زین الدین (۱۴۰۵ق). **عوالی الثالی العزیزة فی الأحادیث الدینیة**. قم، دار سید الشهداء للنشر.

ابن شعبه، حسن بن علی، (۱۳۸۲ش). **تحف العقول**. ترجمه حسن زاده، قم: آل علی<sup>(ع)</sup>.

ابن ابی الحدید المعتزلی (۱۴۱۵ق). **شرح نهج البلاغه**. چاپ اول، بیروت: مؤسسه اعلمی.

ابن اشعث، محمد بن محمد، (بی تا). **الجعفریات (الأشعثیات)**، تهران: مکتبه النینوی الحدیثه.

ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۶۲ش). **الخصال**. قم: جامعه مدرسین.

ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۶ش). **الأمالی** (للصدوق)، تهران: کتابچی.

ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۸ق). **عیون أخبار الرضا<sup>(ع)</sup>**. تهران: جهان.

ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۸۵ش/۱۹۶۶م). **علل الشرائع**. قم: کتاب فروشی داوری.

ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۰۶ق). **ثواب الأعمال و عقاب الأعمال**، قم: دار الشريف الرضى للنشر.

ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۱۳ق). **من لا یحضره الفقیه**. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، (۱۳۸۵ق). **دعائم الإسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الأحکام**. قم، مؤسسه آل البيت<sup>(ع)</sup>.

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۴۰۴/۱۳۶۳ق). **تحف العقول عن آل الرسول<sup>(ص)</sup>**. قم: جامعه مدرسین.

ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، (۱۳۷۹ق). **مناقب آل أیطان<sup>(ع)</sup>**. قم: علامه.

ابن طاووس، علی بن موسی، (۱۴۰۹ق). **إقبال الأعمال**. تهران: دار الكتب الإسلامیه.

ابن عاشور، (بی تا). **تفسير التحرير و التنوير**. دوم، تونس: الدار التونسية للنشر.

ابن فهد حلی، احمد بن محمد، (۱۴۰۷ق). *عدة الداعی و نجاح الساعی*. [بی جا]، دار الکتب الإسلامی. ابن کثیر، اسماعیل، (۱۴۰۹ق). *تفسیر القرآن العظیم*. دمشق، به کوشش یوسف مرعشلی، سوم، بیروت: دار المعرفة.

ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر.

احمدی میانجی، علی، (۱۴۲۶ق). *مکاتیب الأئمة*<sup>(ع)</sup>. قم: دار الحديث.

اربلی، علی بن عیسی، (۱۳۸۱ق). *کشف الغمة فی معرفة الأئمة*. تبریز، بنی هاشم.

ارفع، سید کاظم (۱۳۷۹). *ترجمه روان نهج البلاغه* (ارفع)، تهران: فیض کاشانی.

آلوسی، سید محمود، (۱۴۱۷ق). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*. به کوشش محمدحسین عرب، چاپ اول، بیروت: دارالفکر.

آیت اللهی، زهرا، (۱۳۹۰). *مهارت های زندگی خانوادگی در آئینه آیات و روایات*. تهران: معارف.

بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، (۱۴۱۳ق). *مدینه معاجز الأئمة الإثني عشر و دلائل الحجج علی البشر*. قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.

بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله، (۱۴۱۳ق). *عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال (مستدرک سيدة النساء إلى الإمام الجواد)*. قم، مؤسسه الإمام المهدي<sup>(عج)</sup>.

برقی، احمد بن محمد بن خالد، (۱۳۷۱ق). *المحاسن*. قم: دار الکتب الإسلامیة.

پورقاسم میانجی، مژگان، (۱۳۸۹). *خوراک های حلال و حرام*. تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل.

تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۳۶۶ش). *تصنیف غرر الحکم و درر الکلم*. قم: دفتر تبلیغات.

تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۴۱۰ق)، *غرر الحکم و درر الکلم (مجموعه من کلمات و حکم الإمام 'ع)*. قم: دار الکتب الإسلامی.

الجرجانی، علی بن محمد، (۱۴۰۵ق). *التعريفات*. به کوشش ابراهیم الیاری، بیروت: دار الکتب العربی.

جزایری، نعمت الله بن عبدالله، (۱۳۸۱ش). *قصص الأنبياء*. ترجمه فاطمه مشایخ، تهران: فرحان.

الجصاص، احمد بن علی، (بی تا). *احکام القرآن*، به کوشش صدق محمد جمیل، مکه المكرمة: المكتبة التجارية.

جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۸ش). *تسنیم تفسیر قرآن کریم*. جلد اول، قم: اسراء.

حرمعلی، محمدبن حسن، (۱۴۰۹ ق). *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*. قم، مؤسسه آل البيت<sup>(ع)</sup>.

حرمعلی، محمدبن حسن، (۱۴۱۴ ق). *هدایة الأمة إلى أحكام الأئمة<sup>(ع)</sup>*. مشهد: آستانة الرضویة المقدسة، مجمع البحوث الإسلامية.

حسینی دشتی، سیدعبدالله، ۱۵/ ۱۳۸۹/۸. <http://www.hawzah.net>  
حکیمی، محمدرضا و محمد و علی حکیمی، (۱۳۸۰ ش). *الحیة*. ترجمه احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

حمیری، عبدالله بن جعفر، (۱۴۱۳ ق). *قرب الإسناد*. قم، مؤسسه آل البيت<sup>(ع)</sup>.  
خراسانی، عباس، *زیباترین ازدواج دنیا، درس های زندگی زناشویی حضرت علی<sup>(ع)</sup> و فاطمه<sup>(س)</sup>*، ۱۳۹۰/۸/۷. <http://www.tebyan.net>

خزازازی، علی بن محمد، (۱۴۰۱ ق). *کفایة الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثنی عشر*. قم: بیدار.  
خلیلیان اشکدزی، محمدجمال، (۱۳۹۰ ش). *شاخص های توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام*. قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره).

درخشان، رستم، مسعود قربان حسینی، (۱۳۸۸ ش). *اقتصاد و مدیریت در خانواده*. تهران: حفیظ.  
دستغیب، عبدالحسین، (۱۳۷۸ ش). *گناهان کبیره*. قم: دارالکتاب.

دهخدا، علی اکبر، (۱۳۶۱). *لغت نامه دهخدا*. تهران: وزارت ارشاد اسلامی.  
دیلمی، حسن بن محمد، (۱۴۰۸ ق). *أعلام الدین فی صفات المؤمنین*. قم: مؤسسه آل البيت<sup>(ع)</sup>.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ ق). *مفردات ألفاظ القرآن*. بیروت: دار القلم، الدار الشامیة.  
رسولی محلاتی، سیدهاشم، (۱۳۵۷). *زندگانی حضرت فاطمه<sup>(ع)</sup> و دختران آن حضرت زینب و ام کلثوم<sup>(ع)</sup>*. تهران: علمیه اسلامیة.

رشیدرضا، محمد، (۱۳۷۳ ق). *تفسیر المنار*. چهارم، قاهره: دار المنار.  
زرقانی، محمدعبدالعظیم، (۱۴۱۶ ق). *مناهل العرفان فی علوم القرآن*. اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

زمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۱۵ ق). *الکشاف*. دوم، قم: بلاغت.  
سبزواری، سید عبدالاعلی، (۱۴۱۴ ق). *مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن*. سوم، بی جا: المنار.  
سجادی، سید جعفر فرهنگ، (۱۳۷۳ ق). *معارف اسلامی*. سوم، تهران: کومش.

- السیوری، جمال‌الدین مقداد، (۱۳۷۳ ش). *کنز العرفان فی ققه القرآن*. به کوشش محمدباقر بهبودی، پنجم، تهران: مرتضوی.
- سیوطی، جلال‌الدین، (۱۴۱۴ ق). *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*. بیروت: دارالفکر.
- سیوطی، عبدالرحمان، (۱۴۰۱). *الجامع الصغیر*. اول، بیروت: دارالفکر.
- شریفی، علی، (۱۳۹۱ ش). *مجموعه مقالات برگزیده جشنواره بین المللی امام رضا<sup>(ع)</sup>*. مشهد: بنیاد فرهنگی هنری امام رضا<sup>(ع)</sup>.
- شریف الرضی، محمدبن حسین، (۱۴۱۴ ق). *نهج البلاغه* (للصیحی صالح). قم: هجرت.
- شعیری، محمدبن محمد، (بی تا). *جامع الأخبار*. نجف: مطبعة حیدریة.
- صادقی، محمد، (۱۳۶۵ ش). *الفرقان فی تفسیر القرآن*. دوم، تهران: فرهنگ اسلامی.
- صافی، احمد، (۱۳۸۸ ش). *مدیریت و اقتصاد در خانواده*. تهران: انجمن اولیا و مربیان.
- صیحی صالح، (۱۴۱۵ ق). *نهج البلاغه*. اول، تهران: دار الاسوه.
- صفار، محمدبن حسن، (۱۴۰۴ ق). *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد<sup>(ص)</sup>*. قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- صفورایی یاریزی، م. قاسمی، (۱۳۸۹). «آموزه‌های دینی و نقش آنها در پیشگیری از آسیب‌های روانی». ماهنامه معرفت، شماره ۸۷.
- طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۴۱۷ ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسين حوزه علمیه قم.
- طبرسی، حسن بن فضل، (۱۴۱۲ ق/ ۱۳۷۰ ش). *مکارم الأخلاق*. قم: شریف رضی.
- طبرسی، علی بن حسن، (۱۳۸۵ ق/ ۱۹۶۵ م/ ۱۳۴۴ ش). *مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار*. نجف: المکتبة الحیدریة.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۹۰ ق). *إعلام الوری بأعلام الهدی (ط - القدیمة)*، تهران: اسلامیه.
- طوسی، محمدبن الحسن، (۱۴۱۴ ق). *الأمالی (لطوسی)*. قم: دار الثقافة.
- طوسی، محمدبن الحسن، (۱۳۹۰ ق). *الاستبصار فیما اختلف من الأخبار*. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- طوسی، محمدبن الحسن، (۱۴۰۷ ق). *تهذیب الأحکام* (تحقیق خراسان)، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- العروسی الحویزی، ابن جمعه، (۱۳۷۳ ش). *تفسیر نورالثقلین*. به کوشش رسولی محلاتی، چهارم، قم: اسماعیلیان.

- عسکری، ابوهلال، (۱۴۱۲ ق). *معجم الفروق اللغویه*. چاپ اول، قم: اسلامی.
- علی بن موسی، امام هشتم<sup>(ع)</sup>، (۱۳۸۱ ش). *طب الإمام الرضا<sup>(ع)</sup> (طب و بهداشت از امام رضا<sup>(ع)</sup>)*. ترجمه نصیرالدین امیر صادقی، تهران: معراجی.
- عباشی، محمد بن مسعود، (۱۳۸۰ ق). *تفسیر العیاشی*. تهران: المطبعة العلمية.
- فتال نیشابوری، محمد بن احمد، (۱۳۷۵ ش). *روضة الواعظین و بصيرة المتعظین (ط - القديمة)*، قم: رضی.
- فخرالرازی، محمد عمر، (۱۴۱۳ ق). *التفسیر الكبير*. چهارم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- فراهانی فرد، س، (۱۳۷۸). *نگاهی به فقر و فقرزدایی از دیدگاه اسلام*. چاپ اول، کانون اندیشه جوان.
- فولادوند، محمد مهدی، (۱۴۱۵ ق). *ترجمه قرآن* (فولادوند)، تحقیق: هیئت علمی دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، تهران: دار القرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی).
- فیروزآبادی، مجدالدین، (۱۴۱۷ ق). *القاموس المحيط*. به کوشش محمد المرعشلی، اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، (بی تا). *بصائر ذوی التمییز فی لطائف الکتاب العزیز*. به کوشش محمد علی النجار، بیروت: المكتبة العلمية.
- فیض کاشانی، محسن، (۱۴۰۲ ق). *تفسیر الصافی*. به کوشش حسین اعلمی، دوم، بیروت: مؤسسه اعلمی.
- فیومی، احمد بن محمد، (۱۴۱۴ ق). *المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی*. قم: مؤسسه دار الهجرة.
- قاسمی، محمد علی، (۱۳۸۸). *گشایش روزی*. چاپ اول، تهران: نورالزهراء<sup>(س)</sup>.
- قرائتی، محسن، (۱۳۶۴/۲۴/۵). *درس های از قرآن*.
- قربانی لاهیجی، زین العابدین، (۱۳۷۵ ش). *تفسیر جامع آیات الاحکام*. چاپ اول، قم: سایه.
- قرشی، علی اکبر، (۱۳۷۱ ش). *قاموس قرآن*. ششم، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- القرطبی، محمد بن احمد، (۱۴۱۷ ق). *الجامع لاحکام القرآن*. پنجم، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- قضاعی، محمد بن سلامه، (۱۳۶۱ ش). *شرح فارسی شهاب الأخبار (کلمات قصار پیامبر خاتم<sup>(ع)</sup>)*، تهران: علمی و فرهنگی.
- قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله، (۱۴۰۵ ق). *فقه القرآن*. قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- قمی، علی بن ابراهیم، (۱۴۰۴ ق). *تفسیر القمی*. قم: دار الکتاب.
- قمی، عباس، (۱۳۷۱). *سفینه البحار*. تهران: دار الاسوه و النشر.

- کتابچی، محسن، (۱۳۸۵). *آیین زندگی از دیدگاه امام رضا (ع)*. چاپ سوم، مشهد: الف.
- کوئن، بروس، (۱۳۸۴ش). *مبانی جامعه‌شناسی*. ترجمه و اقتباس: غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- کراجکی، محمدبن علی، (۱۳۹۴ق/۱۳۵۳ش). *معدن الجواهر و ریاضة الخواطر*. تهران: المکتبة المرتضوية.
- کراجکی، محمدبن علی، (۱۴۱۰ق). *کنز الفوائد*. قم: دارالذخائر.
- کفعمی، ابراهیم‌بن علی عاملی، (۱۴۰۵ ق). *المصباح للکفعمی (جنة الأمان الواقية و جنة الإيمان الباقية)*. قم: دار الرضی (زاهدی).
- کفعمی، ابراهیم‌بن علی عاملی، (۱۴۱۸ ق). *البلد الأمين و الدرع الحصین*. بیروت: مؤسسة الأعلمی للطبوعات.
- کلینی، محمدبن یعقوب بن اسحاق، (۱۴۰۷ق). *الکافی*. تهران: دار الکتب الإسلامية.
- گروهی از نویسندگان مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، (۱۳۸۵). *همسر آفتاب*. تهران: موسسه فرهنگی طه.
- گوهری، اسماعیل، (۱۳۷۱). *مفاسد مال و لقمه حرام*. تهران: کعبه.
- لیثی واسطی، علی بن محمد، (۱۳۷۶ش). *عیون الحکم و المواعظ*. قم: دار الحديث.
- المتقی‌الهندی، علاء‌الدین علی، (۱۹۸۹/۱۴۰۹م). *کنز العمال*. بیروت: مؤسسة الرسالة.
- مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی، (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- محمدی ری‌شهری، محمد، (۱۳۷۷). *میزان الحکمه*. ترجمه حمیدرضا شیخی، قم: دارالحديث.
- مدیر شانه‌چی، کاظم، (۱۳۸۵). *درایه الحديث*. قم: اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- مستغفری، جعفر بن محمد، (۱۳۸۵ق). *طب النبیه (ص)*. نجف: مکتبة الحیدریة.
- مصطفوی، حسن، (۱۳۶۸ش). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مصطفوی، حسن، (۱۳۸۰ش). *تفسیر روشن*. تهران: مرکز نشر کتاب.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۸۰ش). *مجموعه آثار*. تهران: صدرا.
- مطبعی اردکانی، (۱۳۸۷). «کسب روزی حلال». مجله فرهنگ کوثر، شماره ۷۲.
- مظاهری، حسین، (۱۳۷۸). *تربیت فرزند از نظر اسلام*. ام ابیها.

- معین، محمد، (۱۳۸۴). *فرهنگ فارسی معین*. جلد سوم، تهران: نا من.
- مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ ق). *الإختصاص*. الف، قم: المؤتمر العالمی لالفیة الشیخ المفید.
- مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ ق). *المقنعة*. ب، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، (۱۳۷۵ ش). *تفسیر نمونه*. دوازدهم، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
- المنائوی، محمد، (۱۴۱۰ ق). *التوقیف علی مهمات التعاریف* به کوشش محمد رضوان الدایه، اول، بیروت: دار الفکر المعاصر.
- منسوب به علی بن موسی، امام هشتم<sup>(ع)</sup> (۱۴۰۶ ق)، *الفقه المنسوب إلی الإمام الرضا<sup>(ع)</sup>*. مشهد: مؤسسه آل البیت<sup>(ع)</sup>.
- میرمعزی، حسین، (۱۳۷۸ ش). *نظام اقتصادی اسلام*. بی جا: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- نراقی، احمد، (۱۳۷۸ ش). *معراج السعادة*. قم: هجرت.
- نصر بن مزاحم، (۱۴۰۴ ق). *واقعة صفین*. قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- نوری، حسین بن محمد تقی، (۱۴۰۸ ق). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. قم: مؤسسه آل البیت<sup>(ع)</sup>.
- وامقی، ر، رفیعی، ح. قهفرخی، (۱۳۸۸). «تدوین سند ملی کاهش و کنترل آسیب های اجتماعی». فصلنامه *رفاه اجتماعی*، سال نهم، شماره ۳۲: ۶۷-۸۹.
- ورام بن أبی فراس، مسعود بن عیسی، (۱۴۱۰ ق). *تنبيه الخواطر و نزهة النواظر المعروف بمجموعة ورام*. قم: مکتبه فقیه.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر، (۱۳۷۳ ش)، *تفسیر راهنما*. اول، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.